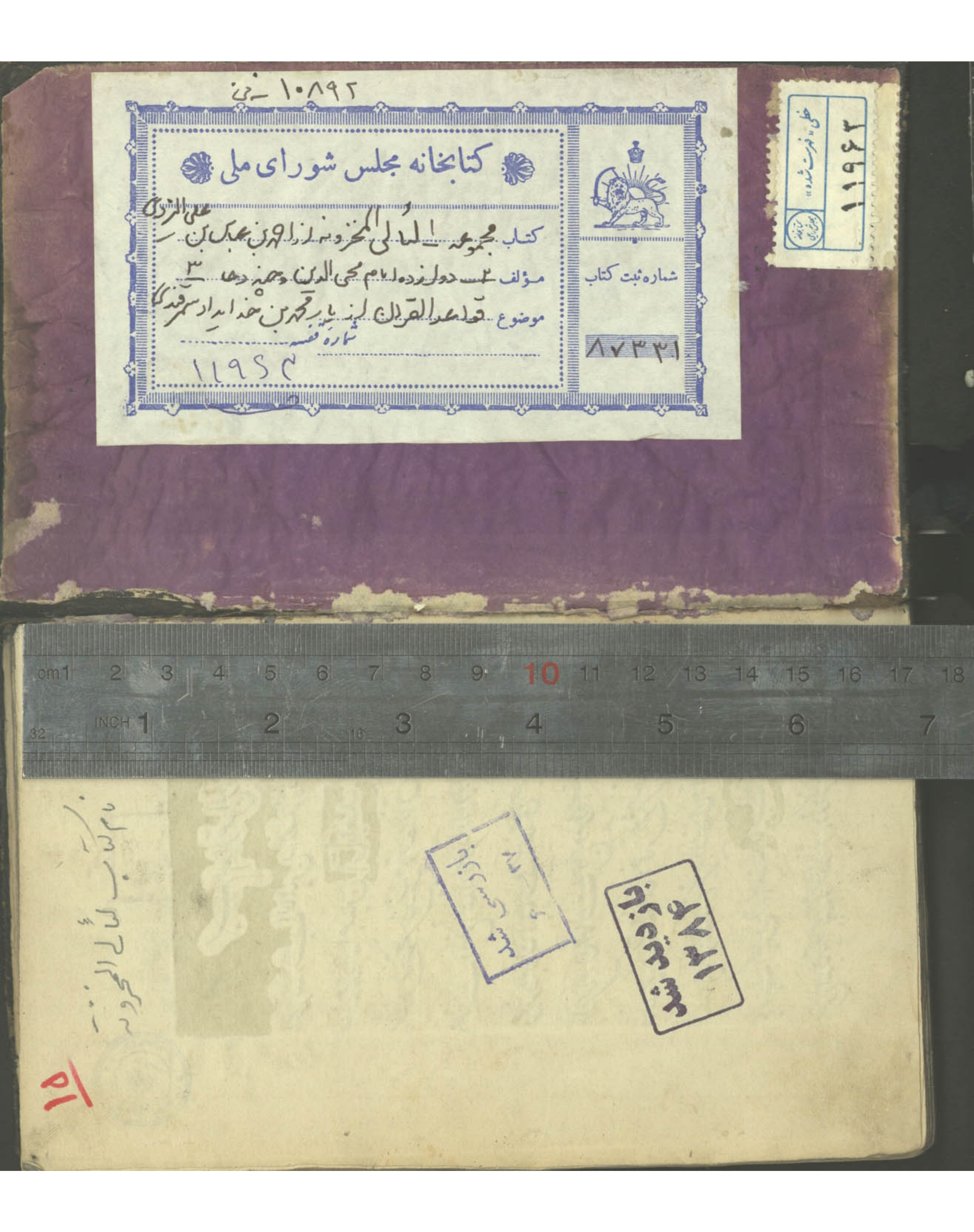

۱۰۸۹۲
کتابخانه مجلس شورای ملی
کتاب
مؤلف
موضوع
شماره قفسه
۱۱۹۶۲
شماره ثبت کتاب
۸۷۳۴۱
خطی «فهرست شده»
۱۱۹۶۳
بازرسی شد
بازدید شد
۱۳۸۴
۱۵

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله رب العالمین و الصلوة و السلام علی خیر
خلقه محمد و آله اجمعین اما بعد این رساله ایست
مشتمل بر ختومی چند بجهة توسعهٔ رزق و توانگری و رفع
فقر و دفع اعدا و سحر و ادای دیون و شفای بیماری
و محفوظ بودن از بلیات و استخلاص از حبس و ختومی چند مجرب
برای برآمدن مهمات و حوائج و مرادات و دعاهای معتبر
که روایت شده از علما و فحول و اکثر منقولست از ثقات
و عدول و مجرب شده بکرات تجربه و امتحان و آن مشتمل است بر هشت
باب و یکی خاتمه است باب اول در بیان ختمهای
سریع الاجابه بجهة توسعهٔ رزق و توانگری است و آن شصت

و هفت

و هفت ختم میباشد اول ختم این آیهٔ شریفه است و

ومن یتق الله یجعل له مخرجا و یرزقه من حیث لا یحتسب
و من یتوکل علی الله فهو حسبه ان الله بالغ امره قد جعل الله
لکل شیء قدرا ختم این آیهٔ شریفه از جهة کثرت رزق
و بسیاری مال و زیادتی سامان و جمعیت و رسیدن بمال
و منال و متاع دنیا و غیر ذلک از امور دنیویه از ختوم
مجربه است و از امیر المؤمنین علیه السلام مرویست و جمع کثیر
و جم غفیر ادعای تجربه نموده اند و طریقهٔ آن باین نوع است
که ابتدای ختم آن باید روز جمعه یا پنجشنبه یا دوشنبه و پنجشنبه
بهتر از جمعه و دوشنبه است تا چهل روز هر روز یکصد و پنجاه
و نه مرتبه بخواند ~~تا روز چهلم~~ بدون زیاد و کم و بهتر آن است
که بعد از نماز صبح بخواند مگر در روز چهلم که یکصد و هفتاد و نه

مرتبه

مرتبه بخواند بیست مرتبه علاوه باشد در مجموع شش هزار
و سیصد و شصت مرتبه می‌شود در عدد مجموع آیهٔ شریفه است
البته بعد از خواندن یا در اثنای خواندن ابواب فتح
و فیروزی و مقصود بر روی او گشاده می‌شود و در ابتدای ختم عمل
از برای قضای حاجت و استجابت دعوت یعنی آورد
دو رکعت نماز حاجت و صد بار صلوات ایضاً بعمل
بیاورد و بنیت صادق و اعتقاد درست وقت جمع آیه را
بخواند و دعا کند در جناب قادر مختار چندان مال با دولت
فرا بیند از جناب عاجز آید و در دهه اول آن آیه تالی
فتح است و در روز چهلم تمام شود باز یکصد مرتبه صلوات
بفرستد و اگر در دههٔ اول مراد حاصل نشد در دهه ثانی
و ثالث مقصود حاصل است و اگر احیاناً در اثنای

چهل روز فتح نشود ختم از سر گیرد در ثانی ان شاء الله تعالی بلا شک
و بدون شبهه در ختم ثانی مراد حاصل است و بعضی
از علما گفته‌اند در جای خلوت اختیار کنند و با جدی
تکلم نکنند و پشت سر هم نظر نکنند و در آخر ختم یعنی
بعد از روز چهلم باز صد مرتبه صلوات فرستد و این طریقه
به واسطه از خط علامه مجلسی افضل المتبحرین و فخر
العلماء والمجتهدین آخوند ملا محمد باقر علیه الرحمة نقل شده و این
ختم اگر با شرایط خوانده شود از جملهٔ مجربات است و حکایت
غریب در خصوص این آیه صاحب تاریخ فرج بعد از
شدت نقل کرده هر کس خواسته باشد بانجا
رجوع کند الثانی جهة محبت و الفت و اتحاد و وسعت
رزق از برای رفعت دنیوی و اخروی و طلب جاه

و منصب و بزرگی و محبت سلاطین و عقد السنه
امرا و وزرا و هر روز هزار و یکمرتبه بخواند الله لطیف بعباده
یرزق من یشاء و هو القوی العزیز و امام خواص گفته اند
اگر بعدد مذکور این آیه را بخواند البته روزی از جائی که
رسد گمان نداشته باشد و مکرر تجربه شده و در نسخهٔ
معتبری ملاحظه شده هر که نظر بحروف جلاله که دارد
بعد از آنکه باین صورت نقشه شده باشد ال ال ه و نظر
بچشم هم داشته باشد و هر روز با وضو شصت و شش
مرتبه اسم الله را بخواند و بهمین عدد الله لطیف بعباده
یرزق من یشاء و هو القوی العزیز بخواند خدایتعالی روزی
گرداند از برای او توفیق طاعت و عبادت و برکت در روزی
او و آسان گرداند برای او فهمیدن امور مشکله و شهوت را

از دل او سرد گرداند و از ظلم ظالمان او را ایمن گرداند
و هر چه طلب کند از حوائج می یابد و بعضی گفته اند که باین صورت
بنویسد و نظر کند [illegible] الثالث روی جعفر بن محمد صادق
انه من قرء هذا الدعا فی کل یوم مائة مره شهرین متتابعین
رزقه الله کنزاً من المال و کنزاً من العلم و هو هذه الدعاء
استغفر الله الذی لا اله الا الله هو الرحمن الرحیم الحی القیوم بدیع
السموات و الارض من جمیع جرمی و ظلمی و اسرافی علی نفسی
و اتوب الیه الرابع هر که اسم یا وهاب را در آخر شب
سر برهنه و دستهای برداشته صد بار بگوید خدایتعالی درویشی
از او رفع کند و حاجت او را برآورد و هر چیز که از حاجات
مشروعه استدعا نماید میسر گردد و اگر صد و سی مرتبه این
اسم مبارک را باین طریقهٔ مذکوره بگوید در اثر آن قوی خواهد بود

خاصیت [illegible]

واکر الوهاب بدون یاء ندا هم بگوید نیز غنی ندارد دو بار است

و هر کس در نصف شب جمعه دو رکعت نماز کند و در سجده

هفتاد بار بگوید یا وهاب توانگری یابد الخامس از حضرت

رسول صلی الله علیه و آله منقول است و هر کس خواهد روزی

بروی فراخ گردد و باشانی مو رسد باید هر بامداد و شبانگاه

این دعا را سه مرتبه بخواند و گویند آن قدر از نتیجه دهد که فرزندان

خوانندهٔ این دعا به هفت بطن محتاج مخلوق نگردد بعون الله

تعالی یا الله یا الله یا الله یا رب یا رب یا رب یا حی یا قیوم

یا ذا الجلال و الاکرام اسئلک باسمک العظیم الاعظم ان ترزقنی

رزقا واسعا حلالا طیبا برحمتک یا ارحم الراحمین السادس

هر که بخواند این آیات شریفه را اقدام نماید ادرار روز بروز

فتح و نصرتی تازه و حالتی و عزتی بی اندازه باو روی نماید

و هیچ آفتی و مکروهی بوی نرسد و هر کس این آیات ۞

بابرکات را چهل روز هر روز چهل و یکبار بخواند بهر

مرادی که خواهد حاصل شود و خواص این آیات بابرکات

بسیار است آیات مذکوره این است آیه اول و من

یعتصم بالله فقد هدی الی صراط مستقیم دوم و لا تحسبن الله

غافلا عما یعمل الظالمون سیم و ان تعدوا نعمة الله لا

تحصوها ان الله لغفور رحیم چهارم و قضی ربک الا تعبدوا

الا ایاه و بالوالدین احسانا پنجم تنزیلا ممن خلق الارض

والسموات العلی الرحمن علی العرش استوی ششم ذلک

تقدیر العزیز العلیم هفتم ثم استوی الی السماء و هی دخان ۞

فقال لها و للارض ائتیا طوعا او کرها قالتا اتینا طائعین هشتم

الا الی الله تصیر الامور نهم و فی السماء رزقکم و ما توعدون دهم

ومن یتق الله یجعل له مخرجا ویرزقه من حیث
لا یحتسب ومن یتوکل علی الله فهو حسبه ان الله بالغ امره
قد جعل الله لکل شیء قدرا و آن سبع آیات متوالیات
ثمانیه مفاتیح الجنان و مصابیح الجنان است که بحفاظت
آن ابواب مرادات مفتوح شود و بتلاوت آن موجب
صفای مس و جلای روح گردد در کلام حق جل و علی
در سوره کریمه حج هشت آیه است پیوسته بیکدیگر است
در زمین و تبرک هر یک از یکدیگر بهتر است بازاء هشت
در بهشت بدین سبب انرا مفاتیح الجنان خوانند یعنی
کلید درهای آن و مصابیح الجنان نویسند یعنی روشنائی دلهای
مؤمنان و هر یک از این آیات بیشتر است بر انواع شادمانی
و اصناف عطا و بخشش حضرت حق سبحانه و تعالی دائمه

۲ جمیع صح

دین و آگاه براه یقین رضوان الله بتلاوت این آیات
در جمیع اوقات مداومت نموده و چندین خواص
و نتایج از آن دیده اند و بسیار حقایق و معانی از آن استنباط
نموده از جمله آنکه عدد کلمات آیات مذکوره یکصد و بیست
و چهار واقع شده و اشارت بیکصد و بیست و چهار
پیغمبر چه بهر نبی کلمه ایست چنانچه حق جل و علا در کلام
معلای عیسی و یحیی علیه السلام کلمه خوانده پس هر کس این
آیات بخواند از او روح صد و بیست و چهار هزار
پیغمبر فیض یابد بدانکه چهل اسم از اسمای حسنیه طیبه
از اسم ذات و صفات و مظهر و مضمر در این آیات
جمع است که اشارت است بمراتب کلیه تا هر که
بر خواندن آن نماید بهر اسمی مراد او رفع حجابی شود دیگر آنکه

۲ مداومت نمو

هر آیتی بر چند نام بزرگ خدا تعالی ختم میشود و آیهٔ آخر بر
رئوف رحیم تمام میگردد تا مآل همه برحمت بعه باشد
و در تمام کلام الله چنین آیتی چند که ختم هر یک بر چند اسم
از اسمآء لطف بعه باشد اتفاق نیفتاده روایت کنند
از ابن عباس رضه که گفته در تمام اطراف قران سیر کردم از آیات
متوالیات بدین بزرگواری نیافتم و از حضرت رسالت پناه
صلی الله علیه و آله از فضیلت این آیات پرسیدم فرمودند
که این آیات هشت گنجند از گنجهای الهی و هشت سرّ اند
از اسرار نامتناهی و این آیات از اسم اعظم خالی
نیستند هر کس بر تلاوت این آیات مداومت
نماید از شر جن و مکر شیطان خلاصی یابد و ابواب ارزاق
صوری و معنوی بر او مفتوح گردد هرگز هیچ اندوهی و مکروهی

بوی نرسد و از سلاطین و اکابر دین نصرت بیابد و بهر جهه
رو آورد مطلوب او بوجه دلخواه میسر شود و از شر دشمنان
و حاسدان ایمن باشد و جمیع جن و انس مسخر وی گردد
و در زنهار خدا و ملائکه بود و در جمیع اسفار از جمیع خطر
ایمن گردد خصوصا از سفر دریا که در سلامت مجربست
و نمیرد الا آمرزیده و کار مایش نباشد الا پسندیده
و بالله التوفیق طریق خواندن آیات شریفه
اینست که در آخر آیتی پانزده مرتبه یا الله یا الله بگوید بعد از آن
اسامی مبارکه را در عقب آن بگوید و آن اینست ۞
یا خیر الرازقین یا علیم یا حلیم یا عفو یا غفور یا سمیع یا بصیر
یا علی یا کبیر یا لطیف یا خبیر یا غنی یا حمید یا رئوف
یا رحیم افتح لی ابواب رحمتک و احبب لی من امری

فرجاً ومخرجاً برحمتك يا ارحم الراحمين وصلى الله
على خير خلقه محمد وآله اجمعين وشروع در آيات كند
و چون خوانده شود بار پانزده مرتبه يا الله يا الله بگويد واين
آيات عظيمه را بخواند الآية الاولى والذين هاجروا في
سبيل الله ثم قتلوا او ماتوا ليرزقنهم الله رزقاً حسناً
وان الله لهو خير الرازقين الآية الثانية ليدخلنهم مدخلاً يرضونه
وان الله لعليم حليم الآية الثالثة ذلك ومن عاقب بمثل
ما عوقب به ثم بغي عليه لينصرنه الله ان الله لعفو غفور
الآية الرابعة ذلك بان الله يولج الليل في النهار ويولج
النهار في الليل وان الله سميع بصير الآية الخامسة ذلك
بان الله هو الحق وان ما يدعون من دونه هو الباطل وان الله
هو العلي الكبير الآية السادسة الم تر ان الله انزل من السماء

ماءً

ماءً فتصبح الارض مخضرة ان الله لطيف خبير الآية
السابعة له ما في السموات وما في الارض وان الله
لهو الغني الحميد الآية الثامنة الم تر ان الله سخر لكم ما في
الارض والفلك تجري في البحر بامره ويمسك السماء ان
تقع على الارض الا باذنه ان الله بالناس لرؤف رحيم
الثامن يا اله الآلهة الرفيع في جلاله من قرء عشرين يوماً
كل يوم خمسين مرة اغناه الله عمن سواه واحبه من رآه
ومن قرأه على كل ماكول واطعمه من احب احبه ومن
جعله ورداً يقرء كل يوم حصل له كنز علم او مال التاسع
بمغفرتك
يا معيد ما افنى اذا برز الخلائق لدعوته من مخافته من قرأه
كل يوم ثمانية رزق الهيبة والافتخار والمال والسعادة
ومن واظب عليه بعد كل فريضة رزق خير الدنيا والآخرة

الى آخر

العاشر یا محمود الفعال ذا المنّ علی جمیع خلقه بلطفه من ادمن
قرائته بنیّة صادقة فی اللیل والنهار اغناه الله تعالی ومن
کتبه وشمّعه وحمله صار عزیزا وروی فی بعض النسخ انه من
اراد زیادة ماله وارتفاع درجته فلیواظب علی قرائته کل
یوم الف مرة الحادی عشر یا نور کل شیء انت الذی
فلق الظلمات نوره من کان فقیرا ذا عیال فلیأخذ
قلب ضأن راسه اسود ثم یقرأ الاسم علی القلب سبعمائة
مرة ثم یکتب الاسم فی قرطاس ویجعله فی جوف القلب
ویدفنه فی شقفة باب مسجد فانه یوسع علیه رزقه
ومن کتبه لابنة لم تزوج خطبت ولد تحمله الا طاهر
ومن کتبه علی تفاحة واکلها علی الریق برء من مرضه
ومن تلاه ثلثمائة مرة وتوجه فی حاجته قضی الثانی عشر

ازجهة وسعت رزق واستجابت دعا و برآمدن حاجات
بعد از وضو وپیش از نماز هفتصد یا هفتاد یا هفت مرتبه
این آیه را بخواند واذا سألک عبادی عنّی فانّی قریب
اجیب دعوة الداع اذا دعان فلیستجیبوا لی ولیؤمنوا بی
لعلّهم یرشدون واگر هفتصد وهفتاد مرتبه خواندن
متعسّر باشد بعد از نماز پیش از تکلم هم هفت دفعه بخواند
الثالث عشر ختم یا باسط است هر که این اسم شریف
در هر سحری دست به دعا برداشته ده بار بخواند وبعد دست
بر روی خود فرو کشد هرگز بذل سؤال محتاج نشود واز رفع احتیاج
وپریشانی وجهت حصول حالت وسعه در زوال تنگی وعسرت
اگر کسی وضو زده در جای خلوت بنشیند وتا ثلث شب
یک در میانه نه بعنوان غب هر شب چهار هزار وچهار

صد و بیست و چهار مرتبه بگوید یا باسط البته رفع پریشانی
و فقر او میشود و من حیث لا یحتسب یاد مدد معیشت
میرسد و ضیق معیشت او بسعه و فراخی مبدل گردد و شخصی
عزیزی معتبری میفرمودند من بارها تجربه کرده ام و صاحب در النظیم
آورده اگر کسی این اسم را بخواند و با خود نگاه دارد در توسعهٔ
رزق و تفریج کرب تأثیر عظیم دارد و ایضاً صاحب در النظیم
گفته باید عاملی چهار روز متصل هر روز چهار ساعت بحمی
لاینقطع این اسم شریف را بخواند تا مقصود فایض گردد و اگر
هفتاد روز پیوسته هر روز هفتاد بار بخواند حق سبحانه و تعالی
وی را بر طاعت و عبادت خود ثابت و راسخ گرداند
و خاطر وی را از همه اثقال و احمال سبک بار سازد و روزی
وی را رساند از جائی که گمان نداشته باشد و سیدی عزیز

که از اهل ریاضت بود میفرمود که ختم یا باسط باین نحو از مجربات است
و تخلف ندارد الرابع عشر اگر آیه یا ایها الانسان ما غرک
بربک الکریم را ازین سوره بر پوست سبعی بنویسد و با خود
دارد روزی او فراخ میشود و در معاملت منفعت تمام
و بسیار یابد بشرط آنکه در وقت نماز با او نباشد زیرا
که پوست سبع نمازی نیست الخامس عشر هر که در یک
مجلس هزار مرتبه بگوید ما شاء الله لا حول و لا قوة الا بالله
توفیق حج یابد و غنی گردد بسند صحیح از حضرت صادق
علیه السلام مرویست که عجب دارم از کسی که ارادهٔ مال
و متاع دنیا داشته باشد چرا پناه نمیبرد باین کلمه مبارکه
که ما شاء الله لا قوة الا بالله و عدد این کلمه هزار و چهل و شش است
اگر کسی خواسته باشد که این کلمه را ختم و ورد کند تا هفت روز

هر روز بعدد مذکور بخوانند ان شاء الله تعالی نتیجه خواهد بخشید
السادس عشر صاحب درّ النظیم آورده که هر که مداومت
کند بر تکرار این سه اسم که عبارت است از الکریم
الوهاب ذو الطول ضیق معیشت او بسعه مبدّل گردد
و روزی آن از جائی که مظنه دلگمان نداشته باشد باو برسد
و بعضی از بزرگان گفته که بسیاری از مردم را باین ورد امر
کردم و باین ورد مشغول شدند از برکات آن چیزها مشاهده
کردند که بغایت عجیب و غریب بود و هر روزی پنجاه و دو
از پنجاه مرتبه باید خوانده شود و عدد اسم هزار و صد
و بیست و هشت است اگر باین عدد بخوانند احسن
و اتمّ خواهد بود السابع عشر از برای قضاء حوائج نمازیست
که نامیده شده است بصلوة المضطر و تاثیر غریب دارد

و موجب فرج و گشایش بی اندازه است و من حیث
لا یحتسب اسباب فرج از برای عامل رو می آورد
در رکعت اولیٰ بعد از فاتحه بیست و پنج مرتبه بگوید و افوّض امری
الی الله ان الله بصیر بالعباد و در رکعت دوم بعد از فاتحه
بیست و پنج مرتبه بگوید لا اله الا انت سبحانک انی
کنت من الظالمین فاستجبنا له و نجیناه من الغم و کذلک
ننجی المؤمنین و در رکعت سیّم بعد از حمد بیست و پنج مرتبه بگوید
حسبی الله و نعم الوکیل و در رکعت چهارم بعد از حمد
بیست و پنج مرتبه بگوید لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم و بعد از
سلام بیست و پنج مرتبه صلوات بفرستد و از جناب واهب
العطایا مطلب بخواهد که ان شاء الله بر آورده شود و مجرّب است
الثامن عشر ایضاً از برای قضاء حوائج و وسعت رزق دو رکعت

نماز کند در هر رکعت بعد از حمد ده مرتبه آیه قل اللهم
مالک الملک را تا بغیر حساب بخواند و چون تمام شد ده بار
بگوید وارحم وانت خیر الرازقین و بعد از آن ده بار بگوید اللهم
صل علی محمد و آل محمد پس سجده کند و بگوید رب اغفرلی
وارحمنی وهب لی ملکا لا ینبغی لاحد من بعدی انک
انت الوهاب الثانی عشر علما فرموده اند که این هفت
خاصیت دارد و آن خواص عزت و رفعت و وسعت
در امر معیشت و حشمت و محبت و قدرت و امنیت
مدار این است و ورد این است حسبی الله لا اله الا هو
علیه توکلت و هو رب العرش العظیم و عدد حساب این
آیه شریفه چنانچه حساب شد سه هزار و ششصد و نود و نه است
و عدد کبیر این ورد شصت و چهار است و اگر عامل

بعد

بعدد کبیر نتواند که هر روز ورد کند بعدد صغیر که هشت مرتبه است
ورد کند العشرون از جمله ختوم معتبره مجربه ختم آیة الکرسی است
تا و هو العلی العظیم بعدد لفظ کرسی که دویست و نود است
و بزرگان و اکابر گفته اند که الکرسی بعدد نام خود بخواند ابواب
فتوحات بر روی او گشاده میشود و سعادت با ورد وی
همراه می آورد و فقر و فاقه از وی دور گردد و از برای تحبیب شرعی
اگر بعدد اسم طالب و مطلوب خوانده شود اثری عجیب
دارد و در کتب علمای اثنی عشریه و در بعضی از تفاسیر تشیع
وارد شده است که در آیه شریفه مبارکه آیة الکرسی ده
وقف است هر که در وقت خواندن وقفها را عمل آورد
بعد از آن دعا کند انشاء الله تعالی دعای او مستجاب است
و هر مطلبی که از خداوند قادر مختار بخواهد بسبب حرمت و برکت

این آیه

این آیهٔ شریفه میسّر و محصّل گردد و قاعدهٔ وقف این است
که ابتدا از انگشت کوچک دست راست کند
که او را خنصر گویند و بهر وقفی انگشتی عقد کند و ختم به انگشت
ابهام دست چپ کند و در هر عین یشفع عنده هر چه
بخواهد از عمل خیر طلب کند و در میان حم سیم یعلم ما بین
ایدیهم آید آنچه دفع شر باشد طلب نماید و چون ده عقد
تمام شود سه بار سورهٔ الم نشرح و سه بار قل هو الله احد را
بخواند و سه بار صلوات بفرستد و بعد ده مرتبه سورهٔ
حمد را بخواند و بعد از اتمام سوره حمد یک انگشتی را از انگشتان
معقوده را وا کند و در باز نمودن انگشتان ابتدا کند از انگشت
ابهام دست چپ تا انگشت خنصر دست راست
که از او عقد کرده بود و بعد از فتح همهٔ انگشتان نظر سوی

۲ میان حم

آسمان کند و بدمد و حاجت خود را بخواهد و در بعضی از نسخ
چنین وارد شده است که بعد از اتمام عقدها سورهٔ الم
نشرح و قل هو الله احد و سه بار صلوات بخواند و نظر
بسوی آسمان کند و بدمد و حاجت بخواهد و بعد از آن
ابتدا از فتح از ابهام دست چپ نماید و در این متعرّض
نشده که وقت گشادن انگشتان فاتحه بخواند و اگر
عمل بهر دو طریق نماید بهتر خواهد بود و در بعضی از کتابها
طریقهٔ اوّل را تا چهار روز ذکر کرده اند و گفته اند که مداومت
باین طریق تا چهل روز از جهت قضای حوائج تخلف ندارد
و ده وقف باین طریق است اوّل لا اله الّا هو دویم
الحیّ القیّوم سیم لا تأخذه سنة و لا نوم چهارم له ما فی السموات
و ما فی الارض پنجم من ذا الذی یشفع عنده الّا باذنه

ششم یعلم ما بین ایدیهم وما خلفهم هفتم ولا یحیطون
بشیء من علمه الا بما شاء هشتم وسع کرسیه السموات
والارض نهم ولا یؤده حفظهما دهم وهو العلی العظیم وایضا
خواندن ایة الکرسی را باین طریق که مذکور میشود بجهة دفع
اعدا هر روز صبح بخوانند واز جمله ادعیهٔ شیخ بهاء الدین است
که بمیر تونی تعلیم نموده واز جمله مجربات است وطریقهٔ خواندن آن
این است اعوذ بالله الواحد الماجد من کل عدو وحاسد
بسم الله الرحمن الرحیم الله لا اله الا هو الحی القیوم بعد
سورهٔ قل هو الله احد بخواند لا تاخذه سنة ولا نوم له ما
فی السموات وما فی الارض من ذا الذی یشفع عنده الا
باذنه یعلم ما بین ایدیهم وما خلفهم ولا یحیطون بشیء من علمه
بعد قل اعوذ برب الناس بخواند الا بما شاء و

وسع کرسیه السموات والارض بعد سورهٔ قل اعوذ
برب الفلق بخواند ولا یؤده حفظهما وهو العلی العظیم
بعد سورهٔ قل یا ایها الکافرون بخواند لا اکراه فی الدین
قد تبین الرشد من الغی فمن یکفر بالطاغوت
ویؤمن بالله بعد سورهٔ انا اعطیناک را بخواند فقد استمسک
بالعروة الوثقی لا انفصام لها والله سمیع علیم بعد سورهٔ
اذا جاء نصر الله بخواند الله ولی الذین آمنوا یخرجهم من الظلمات
الی النور بعد سورهٔ حمد را بخوانند والذین کفروا اولیاؤهم
الطاغوت یخرجونهم من النور الی الظلمات اولئک
اصحاب النار هم فیها خالدون فایده بدانکه ختم
ایة الکرسی امریست مجرب و دعائی است موثر
اگر کسی را مهمی پیش آید وخواهد که بزودی برآید

بصحرائی رود که در او آدمی نبوده باشد و خطی در گرد خود
بکشد و رو بقبله بتواضع بنشیند و هفتاد بار آیة الکرسی
بخواند شک نیست که هم در آن روز مهم او درست شود
انشاء الله تعالی و اگر آیة الکرسی بعد لفظ کرسی بخواند اقوی
دانم والحمد خواهد بود الحادی والعشرون از حضرت
امام جعفر صادق علیه السلام مرویست که هر که سورهٔ الماعون را
چهل و یکبار بجهت دفع احتیاج فرزندان خود بخواند
او و فرزندان او محتاج نشوند و پیش از شروع سوره
ده مرتبه صلوات باید فرستاد الثانی والعشرون در روایت
و اخبار صحیحه وارد شده که هر که هر روز سورهٔ والذاریات
و سورهٔ طلاق و یا ایها المزمل و الم نشرح را بخواند امر معاش
بخیر و خوبی و بوسعت بگذرد و توسعه در رزق او و عیالش
هم

٢ بعد صبح

هم میرسد و بسر حد تجربه رسیده الثالث والعشرون هر
کس سورهٔ مبارکهٔ انا انزلناه را سیصد و شصت مرتبه
بخواند از برای هر حاجتی و هر مطلبی و مقصدی انشاء الله تعالی
آن حاجت برآورده میشود و ختم این سوره باین عدد از برای
رفع فقر و زوال فاقه و احتیاج و از برای توسعهٔ رزق
و توانگری و از برای اداء قرض از جملهٔ مجربات است و حدیثی
هم بهمین کیفیت از حضرت صادق علیه السلام وارد است
و در حدیثی است که هر که باین سوره مداومت کند اگر
آنکس را معیشت تنگ باشد خدای تعالی روزی
او را از جائی برساند که گمان نداشته باشد الرابع
والعشرون هر کس سورهٔ والعادیات را بعد اسم
مبارک جناب علی علیه السلام که این سوره بر شأن
مبارک

نازل

مبارک آنحضرت وارد شده بخواند روزی عام
ازجای میرسد که گمان نداشته باشد و هرکه این سوره را
بسیار بخواند قرضش ادا میشود و حامی آن از همه مخاوف
محفوظ میماند الخامس والعشرون هرکس سورهٔ الهمزه را
در نماز نافله بسیار بخواند مال و روزی او بسیار شود السادس
والعشرون مرویست که در هیچ خانه واقعهٔ هر روز سورهٔ
فیل تلاوت میکنند الا آنکه صاحب آن خانه و آن واقعه
همیشه با دولت و سعادت و عزت و کرامت بود
و از نکبت و ذلت محفوظ میماند و مجرب و از ثقه است
و تخلف ندارد السابع والعشرون از حضرت رسول
صلی الله علیه و آله مرویست هر کس این شش آیه را
باجوابهایش بخواند جناب اقدس الهی کفایت کند

امر دنیا و آخرت او را البته فرج رسیده باشد و مبدل
میکند عسر او را به یسر و اگر محبوس خواند البته خلاص شود
و این آیات را علما آیات استکفا گویند و خواندن
این آیات از برای مدیون و محبوس و خائف و هر چیز
بسیار نافع است الاولی الذین اذا اصابتهم
مصیبة قالوا انا لله وانا الیه راجعون الجواب اولئک
علیهم صلوات من ربهم و رحمة و اولئک هم
المهتدون الثانیه الذین قال لهم الناس ان الناس
قد جمعوا لکم فاخشوهم فزادهم ایمانا وقالوا حسبنا الله ونعم
الوکیل الجواب فانقلبوا بنعمة من الله و فضل
لم یمسسهم سوء واتبعوا رضوان الله والله ذو الفضل العظیم
الثالثه و ذا النون اذ ذهب مغاضبا فظن ان لن نقدر

٣١ علیه فنادی فی الظلمات ان لا اله الا انت سبحانک
انی کنت من الظالمین جوابها فاستجبنا له ونجیناه
من الغم وکذلک ننجی المؤمنین الرابعة وایوب اذ نادی
ربه انی مسنی الضر وانت ارحم الراحمین الجواب فاستجبنا
له فکشفنا ما به من ضر واتیناه اهله ومثلهم معهم رحمة
من عندنا وذکری للعابدین الخامسة وافوض امری الی الله
ان الله بصیر بالعباد الجواب فوقیه الله سیئات ما مکروا
وحاق بال فرعون سوء العذاب السادسة والذین
اذا فعلوا فاحشة او ظلموا انفسهم ذکروا الله فاستغفروا
لذنوبهم ومن یغفر الذنوب الا الله ولم یصروا علی
ما فعلوا وهم یعلمون الجواب اولئک جزاؤهم
مغفرة من ربهم وجنات تجری من تحتها الانهار

خالدین فیها نعم اجر العاملین الثامن والعشرون از برای ٣٢
دولت وگشایش کارها می باید هر روز این آیه را
سیصد و پنجاه مرتبه بخواند که از مجربات است آیه اینست
قل ان الفضل بید الله ~~یؤتی من یشاء بغیر حساب~~
یؤتیه من یشاء والله ذو الفضل العظیم التاسع والعشرون
از برای وسعت رزق وگشایش در امور در مدت چهل
روز بعد از نماز صبح این آیه را هر روز پنجاه مرتبه بدون
تکلم روی بقبله با وضو بخواند و روز اول دو رکعت نماز
بنیت حاجت بعمل آورد و صد مرتبه صلوات
فرستد و شروع کند و روزهای دیگر ندارد اما صلوات را
هر روزه ده مرتبه بفرستد و قصد مطالب نماید و هر گاه
در اول شروع قمر زائد النور باشد اولی است

وآیه این است ربنا انزل علینا مائدة من السماء تکون
لنا عیدا لاولنا وآخرنا وآیة منک وارزقنا وانت
خیر الرازقین الثلاثون هرکه هر روز پانزده مرتبه این آیه را
بخواند همیشه معزز ومکرم باشد وفراخ روزی و
وصاحب جاه وجلال گردد یا الله المحمود فی کل فعاله واگر کسی
مرادی داشته باشد وبهیچ گونه مرادش حاصل نشود باید
روز جمعه غسل جمعه وغسل حاجت وغسل از برای استجابت
دعا بکند وبمسجد جامع برود وجامهای پاک در پوشد
ودو رکعت نماز حاجت هم بکند وبعد از نماز بیست
نوبت بگوید یا الله المحمود فی کل فعاله البته مرادش حاصل شود
ودیگر آنکه نماز جمعه را هم کرده ایضا این اسم را بیست مرتبه
بگوید الحادی والثلثون هرکس جمعه یکبار یا عزیز بگوید هرگز

محتاج نگردد وهر روز بعد از ادای نماز فجر نود ونه بار
خواندن این اسم برای اطلاع بر ضمایر واسرار کیمیا
وسیمیا نافع است وهرکس ذکر کند العزیز را تا چهل
روز هر روز چهل مرتبه محتاج نشود واگر کسی در ثلث آخر
از شب وضو سازد وسر وپا را برهنه سازد ودو آستین
قبا را بالا زند ورو بقبله کند وصد دفعه یا عزیز یا العزیز
بگوید در میان مردم مکرم ومحترم وعزیز وارجمند شود الثانی
والثلثون هرکه در نصف روز یا در نصف شب دست بدعا
بردارد وصد بار یا رافع با حرف ندا یا با الف ولام
تعریف الرافع بگوید در میان خلق بزرگ شود وصاحب
جاه ورفعت میگردد الثالث والثلثون در شرح اسماء الله
آورده اند که هرکه هر بامداد قبل از نماز صبح در چهار زاویه

خانه خود در هر زاویه ده بار بگوید الرزاق و آغاز از دست
راست کند و بجانب قبله رو دارد از فقر و فاقه و بی نوائی
خلاص شود الرابع والثلثون هر که در اول وقت آخر ساعت
از روز هر روز سیصد و هشت دفعه الرزاق با الف والله تعالی
یا آنکه همان عدد یا رزاق بگوید البته روزی او واسع
گردد و من حیث لا یحتسب مرزوق میشود مجربست
الخامس والثلثون یا واسع برای توسعهٔ رزق مداومتش
مجربست و هرگز محتاج نگردد السادس والثلثون از جهة
غنا و توانگری و دولت و بی نیازی در نماز شام
و خفتن هزار و شصت مرتبه بگوید یا غنی اثر می بخشد
در غنا و ثروت و در این ختم هم ادعای تجربه شده
السابع والثلثون هر که تا ده جمعه هر جمعه ده هزار مرتبه

ذکر کند اسم الغنی المغنی را و نخورد و نیاشامد
در این ایام حیوانی جناب اقدس الهی او را در دنیا
غنی و بی نیاز گرداند و ادعای تجربه کرده اند و گفتن این
دو اسم در یک مجلس دوازده هزار بار باعث رسیدن
دولت عظیم و وسعت رزق و معیشت است الثامن
والثلثون اگر کسی این چهار اسم مبارک را در یک روز هزار
مرتبه بگوید و در آنروز با کسی سخن نگوید توانگری و غنا باو روی
می آورد و گفته اند این از مجربات است والله اعلم بحقایق
الاقوال و در دعای الرجال و اسامی اربعه این است یا غنی
یا قوی یا علی یا ولی اما در نسخهٔ صحیح حقیر دیدم که هر که این
چهار اسم مبارک را بخواند دوازده هزار مرتبه چنانچه
در میان حرف نزند البته متمول و دولتمند گردد و چهار

صد بزرگ چنین فرموده اند که درویش و فقیر بودیم
بخواندن این اسماء مبارکه توانگر شدیم و اسماء اینست
و باین ترتیب است یا قوی یا غنی یا ولی یا ملی و بنابر این
نسخه یا ولی مقدم است بر یا ملی و حرف نزدن را اعتبار
کرده اند در اثنای ختم نه در تمامی روز و در بیاض و نسخه معتبری
ملاحظه شد که این ختم را بهمین روایت نوشته بوده اند
و اسناد آنرا به پیغمبر صلی داده بودند ولیکن آن چهار اسم
باین ترتیب بود یا قوی یا غنی یا ملی یا وفی و بعضی از علماء
و ارباب اجازه و اهل دعا گفته اند که از جهت غنا و دولت
در یک مجلس چهارده هزار این اسماء خمسه را باید خواند
و با کسی در اثنای خواندن حرف نزند که البته بمطلب
حاصل میشود و اما بنا بر این قول یک اسم در اینجا زیاده است

و باید گفت ترتیب این اسماء باین نهج است
یا قوی یا غنی یا وفی یا ولی یا ملی و بعضی از بزرگان نقل کرده اند
که ما این اسماء را مداومت نمودیم روزی هزار و سیصد
و نود و هشت بار که عدد اسماء است از برکت این اسماء
مبارکه دولت و غنی بما رو آورد و توانگر شدیم و اسماء این است
و باین ترتیب است یا قوی یا غنی یا ملی یا ولی یا وفی و
نقل شده از کتاب انوار الیقین و او روایت کرده
که هر که بخواند ده هزار مرتبه و بروایتی دوازده هزار مرتبه یا قوی
یا غنی یا ملی یا وفی برساند خداوند عالم او را روزی واسعی و شرط
آن است که در اثنای خواندن حرف نزند و در روایتی دیگر
وارد شده که اگر دوازده هزار مرتبه بخواند آنقدر از مال و نعمت
با و خداوند کرامت فرماید که حساب آنرا نداند و عدد حمد

این چهار اسم مبارک هزار و سیصد و پنجاه و دو است
و علما فرموده اند که هر که یا قوی و یا غنی یا ملی یا وفی را از روز
سه شنبه شروع نموده هر روز هزار مرتبه بر قرار مزبور بخواند
تا ده روز و هر روز مزبور را بلافاصله بعد از تمام شدن ختم مناول
کند تا روز پنجشنبه دوم تمام شود و در روز دهم نان و حلوای
کرم بر مستحق داده و حاجت طلب نماید که روا شود و از جمله
اغنیا میگردد و در روایت وارد شده است که اگر کسی
تا ده روز بخواند و ابتدا از روز سه شنبه نموده هر روز هزار و
دویست مرتبه و در پنجشنبه ختم نماید و در روز اول ختم شیرینی
و نان بفقرا بدهد دیگر احتیاجی بغیر از او هم نرساند
و دعا این است یا قوی یا غنی یا ملی یا وفی التابع والمتلون
بعضی از ارباب خواص گفته اند که از برای زیادتی معاش

و توسعه در امر معیشت ده هزار و سیصد و هشتاد و پنج بار این
اسما را بخواند یا کافی یا غنی یا فتاح یا رزاق الدر یعون
اذا عسر علیک امر صل عند الزوال رکعتین فی الرکعة
الاولی الحمد و الضحی و انا فتحنا الی نصرا عزیزا و فی الثانیة
بعدها الم نشرح الی تمامه فانه یفتح لک ابواب الرزق
الحادی والدر یعون شخصی بحضرت صادق علیه السلام شکایت
کرد از فقر حضرت فرمودند سه روزه روزه بگیر که آخر آن
روز جمعه شود زیارت حضرت رسول صلی الله علیه و آله بجا
بیاور و بر بالای بام خود یا صحرائی چنانچه کسی تو را نبیند
دو رکعت نماز بگذار و بزانو درآی چنانکه زانوهای تو بر زمین
باشد پس دست راست را بر بالای دست چپ
بگذار و رو بقبله کن و بگو اللهم انت انت انقطع

الرجاء الا منک وخابت الآمال الا فیک یا ثقة
من لا ثقة له لا ثقة لی غیرک اجعل من امری فرجاً ومخرجاً
وارزقنی من حیث احتسب ومن حیث لا احتسب پس
بر زمین سجده کند و بگوید یا مغیث اجعل لی رزقاً من فضلک
در روز شنبه رزق تازه روزی تو میشود الثانی والاربعون
در جنة الباقیه وارد است که هر کس نماز روز جمعه
هفتاد مرتبه این دعا را بخواند نمیگذرد بر او سه جمعه مگر آنکه
خدا او را غنی گرداند از هر احدی بفضل خود و دعا این است
بسم الله الرحمن الرحیم یا نفیه یا غفور یا ودود اغننی بحلالک
عن حرامک وبطاعتک عن معصیتک وبفضلک
عمن سواک برحمتک یا ارحم الراحمین الثالث
والاربعون از جمله ختمهای مجرب معتبر که اصلاً

تخلف

تخلف ندارد ختم سوره مبارکه الم محمد است و آن چند
طریقه منقول است و طریقه اولی اشهر است و طریقه ا
این است که از روز جمعه افتتاح و ابتداء کند و چهل و یک
روز هر روز چهل و یک مرتبه بلا فاصله بخواند و اگر یک روز فوت
شود از سر گیرد و بعد از اتمام عدد هر روز این دعا را سیزده
بار بخواند یا مفتح فتح یا مفرج فرج یا مسبب سبب یا میسر
یسر یا مسهل سهل یا متمم تمم و حسبنا الله و نعم الوکیل
و منقول است که هر که این ختم را با ترتیب و شرائط قراءت صحیحه
بخواند و یک روز در این مدت ترک بوده فوت نکند و در اثناء
قرائت حرف نزند و مراعات حضور قلب و تقوی را
بکند و در این چهل و یک روز هر امور بسیار هی و معاصی نکند
اسباب دنیوی و فتح مهمات او بمرتبه برسد که از ضبط

کردن

کردن او در رحمت باشد به راستی که مجرّبست و در بعضی از نسخ
بجای سیزده مرتبه دعا یکمرتبه هم وارد شده و در نسخهٔ نزهة
القلوب این ختم را بهمین نحو نوشته بود ولکن در آن
نسخه بعوض چهل و یکمرتبه حمد و چهل مرتبه حمد نوشته بود
و صاحب نزهة القلوب میگوید که این ختم بسیار از برای برآمدنی
هر حاجت از حوائج دنیویه که رضای اقدس الهی در آن
باشد و نامشروع نباشد از مجربات است و تخلّف ندارد
و در نسخهٔ دیگر چنین بنظر رسیده که ختم سورهٔ فاتحة الکتاب
باین طریقه بجهة حصول مطالب مجرّبست و طریقه اش
باین نوع است که هر روز چهل و یکمرتبه تا چهل و یک روز
بخوانند و بعد از چهل و یکنوبت دیگر یکبار بخوانند
یا مفتّح فتّح یا مفرّج فرّج یا مسبّب سبّب یا مسهّل
سهّل

سهّل یا متمّم تمّم و در نسخهٔ معتبر دیگر دیده شد نوشته
بود که هر روز بعد از اتمام قرائت چهل و یکبار
نوبت بخوانند یا مفرّج فرّج یا مفتّح فتّح یا مسبّب
سبّب یا مسهّل سهّل یا متمّم تمّم و اصحّ نسخها اینست
زیرا که از کتاب معتبر معتمد علیه نوشته شد و ختم این سورهٔ
مبارکه را به پنج دیگر نیز نوشته اند و حقیر از جهة استنفاع
و تفصیل همه انواع این طرق خمسه را نیز در این رساله
ضبط کردم و آن اقسام باین نوع است که ذکر میشود قسم اوّل
از جهة حصول مطالب در یک شب جمعه یکهزار و یازده مرتبه
بخوانند و در اثنا عمل بخواب نروند و ادعای تجربه و تکرار
تجربه از بعضی این ختم کرده اند والله هو العالم بحقایق الامور و مدّت
قرائت هزار و یازده مرتبه تخمیناً هفت ساعت میکشد

قسم دوم

قسم دوم در بعضی از کتب باین طریقه نوشته اند از جهة برآمدن
حاجات و رفع مهمات و دوستی اعداء و سلامتی از بلا
با فاتحة الکتاب را باین ترتیب بخواند یوم السبت هفتاد مرتبه یوم الاحد
شصت مرتبه یوم الاثنین پنجاه مرتبه یوم الثلثا چهل مرتبه
یوم الاربعاء سی مرتبه یوم الخمیس بیست مرتبه یوم الجمعة ده مرتبه
بخواند انشاء الله تعالی باجابت مقرون است که مجموع در عرض هفته
دویست و هشتاد مرتبه خوانده شد قسم سیم ایضاً در بعضی از کتب
بنظر رسیده که هر که را مهمی پیش آید از برای رفع آن مهم و حصول
المطلب بدین موجب بخواند بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله رب
العالمین الرحمن الرحیم مالک یوم الدین ایاک نعبد و ایاک نستعین
بعد از آن سورهٔ اخلاص را بخواند سه مرتبه و بعد از آن این دعا
بخواند اللهم کما جمعت بین صفاتک و اسمائک و افعالک

فاجمع

فاجمع بینی و بین حاجتی بحق محمد و آله اجمعین و از ابتدای سوره تا
تمام نماید البتة حاجتش روا میگردد انشاء الله تعالی قسم چهارم شیخ
رجب ابن محیی الدین العربی علیه الرحمة در کتاب کشف الاسرار گفته
در خواص فاتحة الکتاب این است که هر که هفت روز روزه
بگیرد و در این هفت روز روزه حیوانی نخورد و در هر روز فاتحة الکتاب را
صد و یازده دفعه بخواند و بهمین عدد صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد
پس هر حاجتی که طلب میکند از خدا تعالی چیزی را اگر آنچه میخواهد او را
یعنی مستجاب الدعوة میگردد و در بعضی از نسخ ملاحظه شده از برای
هر مطلبی از مطالب خواسته باشند فاتحة الکتاب را باین
نوع بخوانند از روز شنبه تا چهار شنبه شروع نمایند چهل روز
باین طریق که بخوانند بعد از نماز صبح بیست و یک مرتبه بعد از نماز
ظهر بیست و دو مرتبه بعد از نماز عصر بیست و سه مرتبه بعد از نماز مغرب

بیست

بیست و چهار مرتبه بعد از نماز عشا ده مرتبه که مجموع
در یک روز پنجاه صد مرتبه میشود و تجربه از مقدس اردبیلی
رحمة الله علیه منقول است که هر که سوره حمد را باین دو آیه شریفه
که مذکور میشود تا ده روز هر روزی یازده مرتبه که مجموع صد و ده مرتبه
باشد از برای هر مطلبی که داشته باشد بخواند حاجات برآوردن است
و بتجربه رسیده است و آیه اولی این است ثم انزل علیکم
من بعد الغم امنة نعاسا تا والله علیم بذات الصدور از سوره
آل عمران و آیه دویم این است محمد رسول الله والذین معه اشداء
علی الکفار تا الی مغفرة و اجرا عظیما از سوره انا فتحنا و بعد از آن بگوید
رب سهل و یسر و لا تعسر علینا یا رب النوع والذرعون
از جمله ختوم معتبره مجربه مشهوره مشدد اول است و نزد علماء و اکابر
و مجتهدین و کاملین بمجربیت است و حکم کبریت احمر دارد و عدم تاثیر

او نیست مگر از عدم قابلیت داعی و عدم اجتماع شروط
دعا ختم قل هو الله احد است و او را ختم الم نشرح و ختم
الحمد نیز میگویند و این ختمی است سرآمد همه ختوم است و مزیت
و زیادتی بر همه ختوم دارد و از برای هر مطلب و هر گونه حاجتی باشد
مجربست خصوصاً از جهة کثرت رزق و زیادتی مال و منال
و رسیدن بمطالب دنیویه و رغایب اخرویه بغایت مجربست
و جمعی کثیری و جم غفیری ادعای تجربه نموده اند و طریقه اش این است
هر داعی غسل میکند و با لباس پاکیزه در مکان خلوت می نشیند
و با احدی گفتگو نمیکند تا ورد تمام شود و انگشتر عقیق یمنی یا فیروزه
در دست کند و طهارت کامل می آورد و دو رکعت نماز حاجت
بهر سوره که باشد بجای آورد و بعد از اتمام نماز هفت مرتبه سوره
حمد بخواند و بعد صد مرتبه صلوات بفرستد و بعد هفتاد و نه

مرتبه سورهٔ الم نشرح بخوانند و بعد از آن شروع نمایند به سوره مبارکه قل
هو الله سه هزار و یکدفعه بخوانند و بعد صد مرتبه صلوات بفرستند
و بعد ایضاً هفت مرتبه حمد را بخوانند و بعد از آنکه همه را بجا آورد
سر را بسجده گذارده از قاضی الحاجات مطلبی را که دارد بطلبد که
انشاء الله برآورده است و بعضی گفته‌اند پیش از شروع بوی
خوش در آتش باید و در بعضی از نسخ تعبیر چنین نوشته‌اند که
سورهٔ فاتحه هفتاد مرتبه و صلوات صد مرتبه و الم نشرح*
هفتاد و نه مرتبه و سورهٔ اخلاص هزار و یک مرتبه با بسم الله
و بعد هفت مرتبه سورهٔ الحمد و بعد صد مرتبه صلوات بخوانند
البته حاجت روا است و تخلف ندارد و بعضی این ختم را از ختوم
مقیده شمرده‌اند و گفته‌اند که این ختم را بعد از نماز صبح
در روز پنجشنبه بخوانند و اگر جمعه باشد بهتر خواهد بود و این ختم

در عرض چهار صد ساعت تخمیناً خوانده میشود باید داعی
کلال و ملال را بخود راه ندهد که گنج بی رنج و گلی بی خار نمیشود ۲   ۲ نیست صح
و این ختم مبارک از خاتم المجتهدین جناب آقا سید علی اعلی الله
مقامه و رفع الله درجاته نیز منقول است و سید علیه الرحمه بعد از
نماز حاجت فرموده‌اند هفتاد مرتبه سورهٔ الحمد بخوانند و بعد از آن
صد مرتبه صلوات و بعد از آن الم نشرح را هفتاد و نه مرتبه
فرموده که بخوانند و فرموده‌اند که این ختم در مکان شریف باشد
بهتر است و آنجناب مرحمت مآب بخور در آتش کردن و
تختم بخاتم و ابتداء بدو رکعت نماز حاجت کردن و تقیید
بروز پنجشنبه یا جمعه را متعرض نشده‌اند و فرموده‌اند هر وقت
خواسته باشد این عمل را توان بعمل آورد و در بعضی از نسخ
در بیاض دیدم در روز جمعه ابتدا کنند تا یوم پنجشنبه ختم باید

باین نحو که غسل و جامهٔ پاک و وضو را بعمل اورد و بعد هفت
بار فاتحه و صد بار صلوات و نود و نه مرتبه سوره الم
نشرح را بخواند بعد از ان دو رکعت نماز حاجت گذارد و بعد از
حمد را صد بار بخواند و سلام داده هزار و یک بار سوره توحید را
بخواند و بسجده رود حاجت خواهد انشاء الله بعون از برای غنی
و توانگری دو رکعت نماز بنیت قضاء حاجت و به نیت
انکه خداوند عالم مرا غنی و صاحب ثروت کند بعمل
اورد در روز چهارشنبه چهل نوبت سوره الکوثر را بخواند انشاء الله
مال بسیار نصیب او میشود انشاء الله بعون از برای حصول
مال و غنا و ثروت و دولت در روز پنجشنبه دو رکعت نماز
کند و بعد از ان سوره یس را بخواند و این عمل را تا سه روز بعمل
اورد و بسیار مجرب است انشاء الله بعون از برای طلب

مال و طلب آن و توسعه در احوال و خیریت در عاقبت
دعا بعد از نماز صبح و بعد از سلام دادن بلا فاصله بگوید
بسم الله الرحمن الرحیم و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین اللهم انی
ادعوک باسمائک الحسنی یکمرتبه و بعد صد و شش مرتبه بگوید
یا جواد یا لطیف یا باسط یا مغنی یا الله یا لا اله الا هو پس
بعد از صد و شش مرتبه بگوید یکدفعه اسئلک ان تصلی
علی محمد و آل محمد و ان تعطینی من خزائن جودک ما تغنینی غنی
لا احتاج به الی غیرک و ان تعیننی علی طاعتک و اداء
حقک الیک و از جمله مجربات انشاء الله بعون
اگر کسی این ایات کریمه را از سوره بقره تا چهل روز
متوالی بدون فاصله هر روز بیست و یک نوبت بعد از
نماز صبح بخواند از فلاکت و درویشی و گرفتاری و عسرت رستگی

خلاص شود و باید بعد از نماز صبح بخواند این آیات مجربست و
آیات این است یا بنی اسرائیل اذکروا نعمتی التی انعمت
علیکم واوفوا بعهدی اوف بعهدکم وایای فارهبون وآمنوا
بما انزلت مصدقا لما معکم ولا تکونوا اول کافر به ولا تشتروا
بآیاتی ثمنا قلیلا وایای فاتقون ولا تلبسوا الحق بالباطل
وتکتموا الحق وانتم تعلمون التاسع والاربعون منقولست
که اگر کسی را حاجتی بدرگاه خداوند متعال بوده باشد و مطلب
از خدا بخواهد از مقوله ثروت و دولت و عزت و علم و
وغیر ذلک یا آنکه به بلاء گرفتار شده از قبیل فقر و فاقه و استیصال
و پریشانی و گرفتاری و ناخوشی جسمانی و الم روحانی باید شب
جمعه بعد از گذشتن دو ثلث از شب جمعه بیدار شود و وضوی
کاملی بعمل آورد به نیت رفع حدث از برای ذکر و دعا

وابتدا نماز دو رکعت نماز حاجت بگذارد بهر سوره که میسر
شود و بعد از آن صلوات بر محمد و آل محمد صد مرتبه بفرستد
و هزار و یک مرتبه بگوید بسم الله الرحمن الرحیم بحق بسم الله الرحمن الرحیم
و بعد از اتمام اذکار صد مرتبه صلوات بفرستد و مطلب خود را از
خداوند بخواهد انشاء الله تعالی برآورده است و اگر دفعه اول مطلوب
بعمل نیامد شب جمعه دیگر بعمل آورد و اگر دفعه دویم هم بعمل نیامد
شب جمعه سیم بعمل آورد انشاء الله تخلف ندارد الخمسون
ایضا منقولست که از جهة غنی و ثروت و توسعه در معیشت
در شب جمعه دو رکعت نماز کند و اگر با غسل باشد بهتر است
و در هر رکعت حمد یکبار و سوره الم نشرح هفت بار و آیه
ام عندهم خزائن رحمة ربک العزیز الوهاب ام لهم ملک السموات
والارض وما بینهما فلیرتقوا فی الاسباب یازده بار و بعد از سلام

ده هزار بار بگوید یا وهاب و بعد از آن مطلب را از حق تعالی
سؤال کند که جناب واهب العطایا گنجی از گنجهای مرحمت خود
و خزینهٔ از خزاین نعمت خود باو عطا خواهد فرمود و توسعه در امر او
پدید آید الحادی والخمسون جهة توانگری و دوام ملک و بزرگی
و تسلط و خدم و حشم مداومت نماید بر این اسم الملک الغنی
والخمسون از جهت گشایش کارها و وسعت روزی در نصف شب
هزار دفعه بگوید سبحان الملک الحی القیوم الذی لا یموت
صاحب نیت اثر خواهد بخشید الثالث والخمسون از بهر
توسعه در امر معیشت و غنی و توانگری در صبح ماه نو دو رکعت
نماز کند در رکعت اولی بعد از حمد هفده مرتبه قل یا ایها
الکافرون و در رکعت دویم بعد از حمد هفده سوره قل
هو الله احد و در رکوع از هر دو رکعت هفده مرتبه سبحان

هر سحرگاه نیز
نزدیک صبح

۲ العظیم و بحمده و در هر یک از سجدتین هفده مرتبه سبحان ربی صح

ربی الاعلی و بحمده و بعد از فراغ هفده مرتبه آیة الکرسی بخواند
که مجرب است و گفته اند که این ختم از کنوز مخفیه است و جهة قضای
جمیع حوائج دینیه و دنیویه مؤثر است والله اعلم الرابع والخمسون
شیخ طوسی علیه الرحمة ذکر کرده که از برای قضای حوائج روز سه شنبه
و چهارشنبه و پنجشنبه روزه بگیرد و در وقت عشا چیزی تصدق کند
پیش از افطار پس چون از نماز فارغ میشود سجده کند و در سجده بگوید اللهم
انی اسئلک بوجهک الکریم و اسمک العظیم و عینک الماضیه
ان تصلی علی محمد و آل محمد و ان تقضی عنی دینی و توسع رزقی و شیخ
میفرماید فمن داوم علی ذلک وسع الله تعالی رزقه و قضی دینه
کائنا ما کان ان شاء الله تعالی یعنی پس هر کس مداومت کند بر این نماز
وسعت دهد خدای تعالی بروزی او و ادا کند دین او را هر چه باشد
و هر حاجت که خواسته باشد ان شاء الله تعالی روا است الخامس والخمسون

طریقهٔ ختم سورهٔ مبارکهٔ اذا وقعت الواقعه است که از برای
وسعت رزق و توسعه در امر معیشت تاثیر غریب دارد
طریقه اش این است که افتتاح از شب شنبه کنند
و هر شب سه دفعه بخوانند و شب جمعه هشت مرتبه بخوانند
و این عمل را پنج هفته بعمل آورند و هر وقت که میخوانند سوره را
بخوانند پیش از سوره این دعا را بخوانند اللهم ارزقنا رزقا واسعا
حلالا طیبا من غیر کد واستجب دعوتی من غیر رد واعوذ بک
من فضیحتی الفقر والدین وادفع عنی هذین بحق الامامین
السبطین الحسن والحسین علیهما السلام برحمتک یا ارحم الراحمین
وبعضی فرموده اند هم از شب شنبه اول ماه شروع کنند تا شب
پنجشنبه هر شب پنج مرتبه و در شب جمعه یازده مرتبه و
پیش از شروع دعا سه مرتبه بگوید اللهم ارزقنا رزقا واسعا

حلا

تا آخر دعا وبعد از اتمام بخوانند یا رازق المقلین ویا راحم المساکین
ویا دلیل المتحیرین ویا غیاث المستغیثین ویا مالک یوم
الدین ایاک نعبد وایاک نستعین اللهم ان کان
رزقی فی السماء تا آخر دعا بخوانند وبعضی از بزرگان فرموده اند
هم ابتدا از شب پنجشنبه نمایند باین طریق شب پنجشنبه پنج
بار و شب جمعه یازده بار شب شنبه و یکشنبه و دوشنبه
و سه شنبه و چهارشنبه هر یک پنج بار مجموع در عرض هفته
چهل و یک مرتبه میشود و هر نوبت هم سوره را تمام کنند این دعا را
بخوانند اللهم ان کان رزقی فی السماء فانزله وان کان
فی الارض فاخرجه وان کان بعیدا فقربه وان کان
قریبا فیسره وان کان قلیلا فکثره وبارک لنا فیه برحمتک
یا ارحم الراحمین وبعضی گفته اند که ابتدا از شب جمعه نمایند

۲ شب ج

ومره

وثمره خواندن این سوره یکی از این سه طریقه بسیار است
از آنجمله آنکه قاری تنگی و محنت گرفتار نشود و روزی او
واسع میگردد و جمیع مهمات او کفایت میشود دلائلی
تجربه درباره ثمره خواندن این سوره مبارکه باین طریق
بسیار شده است و احادیث صحیحه هم موید این
مطلب است و در بعضی از رسائل معتبره مدونه
درخصوص ختم واقعه چنین بنظر رسیده که چون
اول ماه دوشنبه باشد شروع نماید بخواندن این
سوره مبارکه با طهارت و رو بقبله روز اول
یکمرتبه دویم دو مرتبه سیم سه مرتبه دهم چنین
تا چهاردهم چهارده مرتبه بخواند و بعد از تلاوت
سوره مبارکه هر روز این دعا را بخواند یا مسبب

الاسباب

الاسباب و یا مفتح الابواب افتح لنا الابواب
ویسر علینا الحساب و سهل علینا العقاب اللهم
ان کان رزقی و رزق عیالی فی السماء فانزله وان
کان فی الارض فاخرجه وان کان بعیدا فقربه
وان کان قریبا فیسره وان کان یسیرا فکثره وان
کان کثیرا فخلده وان کان مخلدا فطیبه وان کان
طیبا فبارک لی فیه وان لم یکن یا رب فکونه بکینونتک
ووحدانیتک انک علی کل شیء قدیر وان کان علی ایدی
شرار خلقک فانزعه فانقله الی حیث اکون ولا تنقلنی
الیه حیث یکون من الفوائد المرموزة المکتوبة المنقولة
من مولینا محمد باقر المجلسی منقول عن مولینا و سیدنا
زین العابدین علیه السلام اذا کان اول الشهر یوم الاثنین

فهد

فايده واقرء اذا وقعة مرة واحدة وفي اليوم الثاني
مرتين وهكذا الى يوم الرابع عشر اربعة عشر مرة وفي كل
خميس لقراء الدعاء مرة واحدة لتوسعة الرزق وتسهيل
الامور المشكلة واداء الديون مجرب غير مرات
ولنكشف عن الجهلاء والسفهاء يا ماجد يا واحد يا جواد يا حليم
يا حنان يا منان يا كريم اسئلك تحفة من تحفاتك تلم
بها شعثي وتقضي بها ديني وتصلح بها شأني برحمتك
يا سيدي اللهم ان كان رزقي في السماء فانزله وان كان
في الارض فاخرجه وان كان بعيدا فقربه وان كان
قريبا فيسره وان كان كثيرا فبارك لي فيه وارسله على ايدي
خيار خلقك ولا تحوجني الى شرار خلقك وان لم يكن
فكونه بتكوينك ووحدانيتك اللهم انقله الي حيث

قليلا فكثره وان كان صح

اكون ولا تنقلني اليه حيث يكون انك على كل شيء قدير
يا حي يا قيوم يا واحد يا مجيد يا بر يا كريم يا رحيم صل على محمد
وآل محمد وتمم علينا نعمتك وهنئنا كرامتك
والبسنا عافيتك السادس والخمسون از جناب امير
المؤمنين عليه السلام مرويست اگر هر روز يكمرتبه سورة اذا
وقعت الواقعة ويكمرتبه يا ايها المزمل ويكمرتبه سورة والليل
ويكمرتبه سورة الم نشرح بخواند بجهة اداء دين ورفع هر
حاجت او روا ميشود وچون تمام شود هر دعا را بخواند تا چهل
روز اين دعا را بجا آورد يا رازق المقلين يا راحم
المساكين يا ولي المؤمنين يا غياث المستغيثين يا ارحم
الراحمين صل على محمد وآل محمد واكفني بحلالك عن حرامك
وبطاعتك عن معصيتك واغنني بفضلك

عمّن سواک یا اله العالمین وصلّی الله علی محمّد واله اجمعین

السّابع والخمسون از برای وسعت رزق و توسعه در احوال

و رفاهیّت در حال از جمله مجرّبات است که تا یک هفته

این عمل را بجا بیاورد و آن عمل این است که هر شب

ما بین نماز شام و خفتن چهار رکعت نماز باید کرد

و در هر رکعت یک حمد و بیست و پنج مرتبه آیهٔ

و من یتّق الله تا آخر بخواند الثّامن والخمسون عن جعفر بن محمّد

عن آبائه علیهم السلام قال من قال کلّ یوم ثلثین مرّة لا اله

الا الله الملک الحقّ المبین استقبل الغنی و استدبر الفقر

التّاسع والخمسون عن علیّ ابن موسی الرّضا عن آبائه امیر المؤمنین

علیه و علیهم السلام قال قال رسول الله صلّی الله علیه واله وسلّم

من قال فی کلّ یوم مائة مرّة لا اله الا الله الملک الحقّ

المبین

المبین استجلب به الغنی و استدفع به الفقر وسدّ

عنه باب النّار و استفتح به باب الجنّة الستّون

از برای وسعت رزق هر روز این دعا را بخواند اللهمّ

یا سبب من لا سبب له و یا سبب کلّ ذی سبب

و یا مسبّب الاسباب من غیر سبب صلّ علی محمّد

و آل محمّد و اغننی بحلالک عن حرامک و بطاعتک

عن معصیتک و بفضلک عمّن سواک یا حیّ یا قیّوم

برحمتک یا ارحم الرّاحمین الحادی والستّون

در توسعهٔ رزق و انواع فتوح و رفع فقر و اداء دین

این نماز که نماز امام جواد علیه السلام است سریع الاثر

و از نتیجه مجرّبات و آن چهار رکعت است بدو سلام

در رکعت اوّل بعد از حمد سورهٔ فلق ده بار و در ثانیه بعد از

هر یک

هر یک از سوره حمد و آیة الکرسی و آمن الرسول تا آخر
سوره بخواند و بعد از سلام از دو رکعت اول ده بار بگویند
سبحان الله الابد الابد سبحان الله الواحد الاحد
سبحان الفرد الصمد سبحان الله الذی رفع السماء
بغیر عمد المتفرد بلا صاحبة ولا ولد و در رکعت اول
از دو رکعت ثانی بعد از حمد سوره الهیکم التکاثر سه مرتبه
و در ثانیه فاتحه و سوره قدر سه مرتبه و سوره اذا زلزلت الارض
زلزالها سه مرتبه و چون فارغ شود سجده کند و در سجود هفت
بار بگوید اللهم انی اسئلک التیسیر فی کل عسیر فان تیسیر العسیر
علیک یسیر پس سر از سجده بردارد و ده بار این آیه را
بخواند فلله الحمد رب السموات و رب الارض و هو العزیز
الحکیم الثانی و الستون ختم سوره مبارکه و اللیل است چهل

شب هر شب چهل دفعه و چنین هر دفعه که باین آیه شریفه
وما لاحد عنده من نعمة تجزی برسد سه دفعه تکرار نماید
و سوره را تمام کند و از برای فتوحات الی غیر النهایة
است و کثرت مال و منال اثر عجیب و نفع غریب
دارد و عقل از کیفیت آن عاجز است الثالث
و الستون ختم قل اللهم از جهة غنی و کثرت جلالت
و ثروت و از مجربات است چنانکه علماء ادعا کرده اند
و طریقه اش چنین است که هر وقتی از اوقات شب
که باشد برخیزد و وضوی کامل بگیرد و دو رکعت نماز کند
و بعد از آن رو بقبله با خاطر جمع و آیه مبارکه قل اللهم را
تا بغیر حساب چهل مرتبه بخواند و چون فارغ شود بنویسد
بر کاغذ سفید پاکیزه حرف میم را باین نحو بخط نیکو بنویسد

الف غدسو بر بکان طاهری بچسباند و هر روز نظر
کند بان حرف چهل مرتبه و در هر مرتبه آیهٔ مذکور را یکدفعه
بخواند و در اثنای خواندن نظر از حرف برندارد و متوجه
کسی شود تا چهل روز چون روز اربعین تمام شود از کثرت
مال و توسعهٔ عجایب بیند و غرایب مشاهده کند*
الرابع والستون منقول است که هرگاه شخصی را عسرتی
روی دهد یا حاجتی داشته باشد و از هیچ جا ابواب فرج از برای
قضای او نباشد باید در آخر شب و اگر در ثلث سیم شب
جمعه باشد بهتر است برخیزد و وضوی کامل بسازد و دو رکعت
نماز حاجت کند و بعد از فراغ از نماز هفتاد مرتبه این دعا را
بخواند البته باذن الله تعالی مطلب حاصل شود و بسیار مجرب است
و دعا این است یا ابصر الناظرین یا اسرع الحاسبین یا اسمع

السامعین

السامعین یا اکرم الاکرمین یا ارحم الراحمین و یا احکم الحاکمین
و بعد از فراغ از دعا بردارد دست و مقصود خود را
از قاضی الحاجات بخواهد ان شاء الله تعالی بریابد
الخامس والستون هر که سورهٔ واللیل و سورهٔ والشمس هر یک
هفت مرتبه بخواند و بعد سی مرتبه بگوید بسم الله الرحمن الرحیم
تبارک الله رب العالمین و لا حول و لا قوة الا بالله العلی
العظیم تا سه شب متعاقب بعد دو ماه از مرادی که داشته
باشد حاصل شود و جمعیت بسیار یابد انشاء الله السادس
والستون ایضاً مرویست که هر کس روزی بر وی تنگ
شود این تسبیح را مداومت نماید هر یک از این اذکار را
هر روز هزار دفعه باین ترتیب روزی او آنقدر وسیع
و زیاد گردد که از ضبط آن عاجز آید یکشنبه اللهم صل

علی

علی محمد و آله محمد یکشنبه یا رب العالمین دوشنبه یا ذا الجلال
والاکرام سه شنبه یا قاضی الحاجات چهارشنبه یا ارحم
الراحمین پنجشنبه یا حی یا قیوم جمعه لا اله الا الله الملک
الحق المبین و اسبوع و لیستون هر اوست کردن
بر یا حی بعد از هر نماز صبح یه بار باعث طول عمر و دفع مرگ
مفاجات و توسعه معاش است و ایضاً گفتن
یا حی یا قیوم جهت زیادتی معاش اثر عظیم دارد مسود
اوراق احمد بن عباس بن علی الیزدی گوید که
جمیع این ختمها و اورادها از کتب صحیحه معتبره
انتخاب شده و بجهت اختصار اسم کتب ذکر نشده
باب سیم در بیان ختوم و اوراد مجربه و آن هفت است
کعون برانها محفوظ می باشد از بلیات و دفع

شداید

شداید و سختیها و دفع خوف از سلاطین و گزنده
و غیر آن و آن سی دعا و ختم دو در دست الاول از ائمه معصومین
صلوات الله علیهم اجمعین نقل است که اسم وردی و دعایی بهتر
از این شش آیات نیست و هر که این شش آیات را در هر
بامداد بخواند و بر نفس جهت خود دمد از آن هفتاد بد دفع شود
و اگر کسی در زندان باشد این شش آیه را بخواند و بر نفس جهت خود
دمد از آن در رسد خلاصی یابد و اگر این شش آیه را بخواند و بر نفس
جهت خود دمد در میان بار و اسباب نهد یا همراه خود داشته باشد
آن اسباب و صاحب اسباب از جمیع آفات و قطاع
الطریق ایمن باشد و خواننده این شش آیه در نظر مردم عزیز
باشد و هر که هر روز این آیات را بخواند از شر جمیع خلایق
ایمن باشد و اگر همه خلق با او دشمنی کنند قادر بر ایذای او

نبوده

از حضرت صادق [illegible]

نتیجه باشند و هرگز خوف و الم بدل او راه نیابد و در هر آیه
از این آیات ده قاف است و هر قافی را چندین خاصیت
است مانند درازی عمر و قوت بدن و توسعه رزق آورده اند
که پادشاهی بود با اعیان ملک و امرا مدام غضب کردی
مگر وزیری که مدت چهل سال وزارت او کرده بود هرگاه
می خواست که با وی غضب کند حضرت حق سبحانه و تعالی
غضب او را بلطف مبدل گردی بعد از چهل سال یک روز
بوزیر گفت چه حکمت است که هر چند در این مدت خواستم
غضب کنم حضرت مقلب القلوب مرا اکرام می نمود با تو
غیر از لطف از من بوجود نیامد اگر سر این دانی بر من بیان کن
گفت ای سلطان بدانکه من طفل بودم قرآن را
بقرائت حمزه که یکی از قراء سبعه است می خواندم از سید

حمزه شنیدم که گفت در قرآن شش آیه هست که در هر آیه
از آن ده حرف قاف است هر کس در صبح این
شش آیه را بخواند هیچکس بد و مضرت نتواند رسانید و اگر
پادشاه و سلاطین و حکام قصد وی نماید پنج صباح
بخواند قهر ایشان بلطف مبدل میشود و طریق خواندن
این آیات آنست که در قرائت هر آیه توجه در قافهای
آن کنند و نزد هر قافی انگشت فرا گیرد و ابتدا از انگشت
کوچک نمایند و چون آیه تمام شود فتح انگشتان نماید
و پنجاه بار یا قوی و پنجاه بار یا باقی و پنجاه بار یا رزاق
گویند و شروع بقرائت آیه دوم کنند و هم چنین در آخر
هر آیه آن اسماء را بهمان عدد بگویند و در بین خواندن
اسماء مرادی که دارند بخاطر آرند حرز دیگر مقرون با جابت

کردد و از این شش آیه چهار مرتبه اند اول در سورهٔ بقره
دوم در سورهٔ ال عمران سیم در سوره نسا چهارم در سورهٔ
مائده پنجم در سوره رعد ششم در سورهٔ مزمل الایة
الاولی الم تر الی الملا من بنی اسرائیل من بعد موسی اذ قالوا
لنبی لهم ابعث لنا ملکا نقاتل فی سبیل الله قال هل عسیتم
ان کتب علیکم القتال الا تقاتلوا قالوا وما لنا الا
نقاتل فی سبیل الله وقد اخرجنا من دیارنا وابنائنا فلما
کتب علیهم القتال تولوا الا قلیلا منهم والله علیم بالظالمین
الایة الثانیة لقد سمع الله قول الذین قالوا ان الله فقیر
ونحن اغنیاء سنکتب ما قالوا وقتلهم الانبیاء بغیر حق
ونقول ذوقوا عذاب الحریق الایة الثالثة الم
تر الی الذین قیل لهم کفوا ایدیکم واقیموا الصلوة واتوا

والتوا الزکوة فلما کتب علیهم القتال اذا فریق منهم یخشون
الناس کخشیة الله او اشد خشیة وقالوا ربنا لم کتبت علینا
القتال لولا اخرتنا الی اجل قریب قل متاع الدنیا قلیل
والاخرة خیر لمن اتقی ولا تظلمون فتیلا الایة الرابعة واتل
علیهم نبا ابنی ادم بالحق اذ قربا قربانا فتقبل من احدهما ولم یتقبل
من الاخر قال لاقتلنک قال انما یتقبل الله
من المتقین الایة الخامسة قل من رب السموات والارض
قل الله قل افاتخذتم من دونه اولیاء لا یملکون لانفسهم
نفعا ولا ضرا قل هل یستوی الاعمی والبصیر ام هل تستوی
الظلمات والنور ام جعلوا لله شرکاء خلقوا کخلقه فتشابه
الخلق علیهم قل الله خالق کل شیء وهو الواحد القهار
الایة السادسة ان ربک یعلم انک تقوم ادنی

انما یتقبل الله

من ثلثی اللیل ونصفه وثلثه وطائفة من الذین معک والله
یقدر اللیل والنهار علم ان لن تحصوه فتاب علیکم فاقرؤا
ما تیسر من القران علم ان سیکون منکم مرضی وآخرون
یضربون فی الارض یبتغون من فضل الله وآخرون یقاتلون
فی سبیل الله فاقرؤا ما تیسر منه واقیموا الصلوة وآتوا الزکوة
واقرضوا الله قرضا حسنا وما تقدموا لانفسکم من خیر تجدوه عند الله
هو خیرا واعظم اجرا واستغفروا الله ان الله غفور رحیم اتنی
از حضرت امیر علیه السلام مرویست که روزی حضرت رسول
صلی الله علیه وآله مرا پرسید که یا علی میخواهی تورا چیزی بیاموزم
که اگر خلق هفت آسمان و زمین جمیع شوند تو هیچ ضرری
نتوانند کی و ضرر نتوانند رسانند و هیچکس بر تو ظفر نیابد
گفتم یا رسول الله میخواهم فرمود هفت آیه در قرآن است

۲ الله صح

انرا بخوان

آنرا بخوان و در جمیع بدم بدین نهج که آیه اول پیش رو و آیه
ثانی بر قفا آیه ثالث بر بالای سر آیه رابع بسوی قدمها
و آیه خامس بر طرف راست و آیه سادس بر طرف
چپ و آیه سابع بر تمام اعضا یا علی هر که این هفت
هیکل را بخواند و با خود نگاه دارد حق سبحانه و تعالی
هفتاد هزار بدی از نامه اعمال او دور کنند و هفتاد هزار حسنه
در نامه اعمال او بنویسد و هفتاد هزار کوشک در بهشت
از برای او بنا کنند و ۲هزار حور و قصور و غلمان برای او
کرامت فرماید و هفتاد هزار حله از حریر بهشت در وی
پوشانند چنانچه صفت آنها بجز خدای تعالی نداند و باز
حضرت فرمودند یا علی هر که این هفت آیه را بخواند
و با خود نگاه دارد حق سبحانه و تعالی در روز قیامت

۲ هفتاد صح

ایمن

آیت وصدق بحرمت دارنده این هفت هیکل را بخشد
اگرچه مستوجب عذاب باشند و باز حضرت فرمودند یا علی هر که
این هفت هیکل را بگردن بیمار ببندد بفرمان خدای تعالی نیکو
شود و هر که این هفت هیکل را بخواند و بخود ببندد اگر پیش پادشاه
یا حکام رود معظم و عزیز گردد اگرچه بروی خشم گرفته باشند نرم شوند
الآیة الاولی قل لن یصیبنا الا ما کتب الله لنا هو مولینا وعلی الله
فلیتوکل المؤمنون الآیة الثانیة وان یمسسک الله بضر فلا کاشف
له الا هو وان یردک بخیر فلا راد لفضله یصیب به من یشاء من عباده
وهو الغفور الرحیم الآیة الثالثة وما من دابة فی الارض الا علی الله
رزقها ویعلم مستقرها ومستودعها کل فی کتاب مبین الآیة الرابعة
انی توکلت علی الله ربی وربکم ما من دابة الا هو آخذ بناصیتها
ان ربی علی صراط مستقیم الآیة الخامسة وکاین من دابة لا تحمل رزقها

الله

الله یرزقها وایاکم وهو السمیع العلیم الآیة السادسة ما یفتح الله للناس
من رحمة فلا ممسک لها وما یمسک فلا مرسل له من بعده وهو
العزیز الحکیم الآیة السابعة ولئن سألتهم من خلق السموات والارض
لیقولن الله قل افرأیتم ما تدعون من دون الله ان ارادنی
الله بضر هل هن کاشفات ضره او ارادنی برحمة هل هن
ممسکات رحمته قل حسبی الله علیه یتوکل المتوکلون
التلثیث من اراد ان یدفع منه البلاء والقضاء وان یوسع
رزقه ویقهر اعدائه وان یکون فی اعین الناس عزیزا وان
تقضی حوائجه یقرء فی کل یوم فاتحة الکتاب ثلث مرات وانا
انزلناه ثلث مرات ویقرء هذا الدعا ثلث مرات محمد
رسول الله امامی وفاطمة بنت رسول الله فوق رأسی وامیر المؤمنین
علی ابن ابیطالب وصی رسول الله عن یمینی والحسن والحسین وعلی

ومحمد

و محمد و جعفر و موسی و علی و محمد و علی و الحسن و الحجة المنتظر محمد
صاحب الزمان ائمتی صلوات علیهم عن شمالی و ابوذر و سلمان
و مقداد و حذیفه و عماره و اصحاب رسول الله رضی الله
عنهم من ورائی و الملائکة علیهم السلام حولی و الله تعالی ربی تعالی
شأنه و تقدست اسمائه و تظاهرت آلائه محیط بی
و حافظی و حفیظی و الله من ورائهم محیط بل هو قرآن مجید فی لوح
محفوظ فالله خیر حافظا و هو ارحم الراحمین یا علی یا علی یا علی
یا علی یا علی یا علی یا علی سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله
اکبر و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم برب الکریم و هو العلی
الولی القدیم یا واحد الباقی الرابع در ادعیه قدسیه وارد است
یا محمد هر که بترسد از آنچه در زمین است خواه شیطان
و خواه جن این دعا را در دفتر ترس در دل او بهم رسد بخواند

که از شیطان و جن یا هوام و سباع ضرر نمی رسد و دعا اینست
بسم الله الرحمن الرحیم یا الله الا اله الا الذاکر القاهر بقدرته جمیع
عباده و المطاع بعظمته عند کل خلیقته و الممضی مشیته لسابق
قدره انت تکلاءة ما خلقت باللیل و النهار و لا یمتنع من
اردت به سوء بشیء دونک من ذلک السوء و لا یحول احد دونک
بین احد و ما ترید به من الخیر کل ما یری و ما لا یری فی قبضتک
و جعلت قبائل الجن و الشیاطین یرونا و لا نریهم و انا
لکیدهم خائف فامنی من شرهم و باسهم بحق سلطانک العزیز
یا عزیز انجا کبیر مرویست که در زمان جناب امام زین العابدین
علیه السلام شخصی را فرمود تا سه دفعه او را در آتش انداختند ×
نسوخت و در آب انداختند غرق نشد و گردن او را
شمشیر نبرید حضرت فرمود آن مرد را دعائی همراه است

چنین رفتند او را برهنه کردند دعای همکادی دیدند و دعا
اینست بسم الله الرحمن الرحیم یا من لا یعلم الغیب الا هو
یا من لا یدبر الامر الا هو یا من لا یصرف السوء الا هو
یا من لا یغفر الذنوب الا هو یا من لا یحیی الموتی الا هو الاول
والآخر والظاهر والباطن وهو بکل شیء علیم و بالحق انزلناه
و بالحق نزل و ما ارسلناک الا مبشرا و نذیرا الم کهیعص
و بحق حمعسق کاشف حاجتی یا سرا یا مدد ... برحمتک
یا ارحم الراحمین الحسن دعا از حضرت امام زین العابدین
علیه السلام منقول است و فرموده من باک ندارم وقتی این
دعا را خوانده باشم و اگر جن مجتمع شوند بر عداوت
من جن و انس بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله و بالله و من الله
و الی الله و فی سبیل الله اللهم الیک اسلمت نفسی و الیک

وجهت

وجهت وجهی و الیک فوضت امری فاحفظنی
بحفظ الایمان من بین یدی و من خلفی و عن یمینی و عن شمالی
و من فوقی و من تحتی و ادفع عنی بحولک و قوتک فانه
لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم است سبع یا واحد یا احد
الصمد لکل شیء و احفره من غلبت وقت الظهر ثم صلها
و قرء هذه الاسم خمسین مرة انشاء الله من نمانه و یعافیه
من الوسواس و الافکار الردیه الحمد ازبرای حصول
مهمات عظیمه و برآمدن مقاصد کلیه و شفای امراض
و ادای قرض چهارده هزار مرتبه در یک مجلس بخوانند
و اگر وقت دست ندهد و بیک نفس نتوانند بخوانند با سه الیت
هم بخوانند خوب است و اگر نتوانند در یک مجلس صد و بیست بخواند
انشاء الله تعالی در آن هفته بمراد برسد و اثر آن عجیب است

۲ بین صحیح

لطهور

بظهور میرسد امّن یجیب المضطر اذا دعاه ویکشف السّوء ویجعلکم
خلفاء الارض و در بعضی از نسخ چنین مسطور است که از جهة مهمات
کلّی و خوف از سلاطین در رکعت دویم این آیه را هزار مرتبه بخوانند
در ان هفته از خوف برهد و حاجات او بر می آید امّا آنچه
مشهور است از اکثری از ثقات و عدول مسموع شده ختم مزبور
امّن یجیب المضطر اذا دعاه ویکشف السّوء است ویجعلکم
خلفاء الارض را نداند و التّسع از جمله ختمهای مجرّب و معظم ختم
سورهٔ مبارکهٔ حشر است از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
منقولست که هر که سورهٔ مبارکهٔ حشر را از برای قضاء
حوائج و برآمدن مهمّات امور عظیمه چهل روز هر روز
یک مرتبه تلاوت کند حاجت او بر می آید و از هر مهم سرانجام
می یابد و کارهای او رواج بگیرد و اگر یک روز فوت شود

از سر

از سر شروع کند و این ختم را اکثری تجربه از مجرّبات شمرده اند
و از پیغمبر صلی الله علیه و آله مرویست که هر که سوره حشر را بخواند گناه متقدّم
و متأخر او آمرزیده شود و عرش و کرسی و بهشت و دوزخ
و آسمانها و زمینها بر او شاد و فرح میکنند و بجهة او استغفار
مینمایند و شهید از دنیا میرود و پیغمبر صلی الله علیه و آله با امیر
المؤمنین علیه السلام وصیّت فرموده که یا علی هر شب سوره حشر را
بخوان تا شرّ دنیا و آخرت از تو دفع شود و ایضا در آثار
آمده که هر که سوره حشر را چهل شب متوالی بخواند مستجاب الدّعوه
گردد و همهٔ مهمّات او بر وفق مراد باشد و اکثری از علماء
و مشایخ دین فرموده اند که این از جمله مجرّبات است و از حضرت
پیغمبر صلی الله علیه و آله ایضا مرویست که آن حضرت فرمودند که من
از جبرئیل علیه السلام از اسم اعظم خداوند سؤال کردم جواب داد

۲ روزم

علیک بآخر سورة الحشر فاکثر قرائته و مرتبه رحیم و تسنیم رسیده ام
همین جوابرا داد و از معقل ابن یسار مرویست که پیغمبر مختار
فرمود که هر که در صباح سه بار بگوید اعوذ بالله السمیع العلیم
من الشیطان الرجیم و سه بار آیه از آخر سوره حشر بخواند حق تعالی
هفتاد هزار فرشته بر او موکل گرداند تا او را از جمیع آفات
نگاه دارند و صلوات بر او میفرستند تا شب و اگر در آن روز
بمیرد شهید مرده باشد و در روز قیامت جمیع مؤمنان و مؤمنات
شفیع او باشند و هم چنین است اگر در شب بخواند
و در اخبار وارد است که چهار آیه از آخر سوره حشر
همه دردها را شفا است و اگر با وضو آن آیات را بر آن
بیمار بخوانند الحادی عشر جهت دفع هوام و عقارب در صبح
و شام بخوانند و ما لنا الا نتوکل علی الله و قد هدینا سبلنا

ولنصبرن علی ما آذیتمونا و علی الله فلیتوکل المتوکلون الحادی
عشر جهت مار و عقرب و دزد در اول روز و اول شب بخوانند
عقدت زبانیا العقرب و لسان الحیة و ید السارق بقول
اشهد ان لا اله الا الله و اشهد ان محمدا رسول الله الثانی عشر
از حضرت امام موسی علیه السلام منقولست که هرگاه از چیزی
بترسی صد آیه از قرآن بخوان آنگاه بگو اللهم ادفع عنی البلاء
سه نوبت که خدای تعالی او را ایمن میسازد الثالث عشر
از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر که در روز
افتد هفت نوبت بگوید بسم الله الرحمن الرحیم و لا حول
و لا قوة الا بالله العلی العظیم الرابع عشر تعویذ منقولست
از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام جهت هر الم و درد اعوذ
بعزة الله و قدرته علی الاشیاء کلها اعیذ نفسی بجبار السموات

والارض واعیذ نفسی بمن لا یضر مع اسمه شیء من داء واعیذ
نفسی بالذی بهلک اسمه برکة وشفاء الخامس عشر از حضرت امام
حضرت صادق علیه السلام منقول است که هر کس سوره حم دخان را
بجهة کفایت مهمات هفت بار بخواند مهمات او کفایت
شود و از بعضی از مشایخ منقول است که اگر کسی این سوره را بنویسد
و با خود دارد از شر دیو و پری ایمن باشد و در نظر خلق با هیبت
بود و مردمان او را حرمت دارند السادس عشر هر کس سوره
والنازعات را در مکان مخوف بخواند از آن مکان بسلامت
آید السابع عشر از بعضی از اکابر منقول است هر که از سلطان
جابر و یا از ظالم جابر و یا از شر دیگر خوف داشته باشد یازده
مرتبه بگوید یا مالک یوم الدین ایاک نعبد و ایاک نستعین
از سلطان یا از ظالم یا از آن فتنه و هول هیچ آسیبی

بوی نرسد و همچنین اگر قاطع الطریق باشد یا سبعی بر سر راه
بروی بگیرد چون بعدد مذکور بخواند آن مانع از سر راه برخیزد
و وی بسلامت بگذرد و فرمود که این سخن مکرر است و بمرات
بتجربه رسیده و بصحت پیوسته الثامن عشر الکافی و الحفیظ
هر که مداومت نماید بر این دو اسم خدا کفایت کند کار او را
و حفظ کند او را از آنچه میترسد و متکفل امر او شود در آنچه
امید دارد التاسع عشر هر که روز جمعه بعد از آنکه امام سلام
نماز دهد فاتحه و اخلاص و معوذتین را بخواند هر یک هفتاد بار
حق تعالی دین و اهل و مال او را و فرزندان او را در حفظ و امان
خود نگاه دارد تا جمعه دیگر العشرون روی جمال العارفین
سید رضی الدین علی ابن طاوس عن الباقر علیه السلام قال
من اصبح و علیه خاتم فصه عقیق متختما فی یده الیمنی فاصبح

من قبل ان يرى احدا انقلب فصه الى باطن كفه وقرء سورة
القدر ثم قال آمنت بالله وحده لا شريك له وكفرت
بالجبت والطاغوت وآمنت بسر آل محمد وعلانيتهم
وظاهرهم وباطنهم واولهم وآخرهم وقاه الله تعالى في ذلك
اليوم شر ما ينزل من السماء وما يعرج فيها وما يلج في الارض
وما يخرج منها وكان في حرز الله تعالى الحادي والعشرون
از حضرت صادق عليه السلام منقول است هر كه اين دعا را
در صبح و شام سه مرتبه بخواند خدا تعالی ايمن گرداند او را
از آنچه بترسد اصبحت بذمة الله وذمم انبيائه وذمم
رسله وذمم محمد صلى الله عليه وآله وذمم الاوصياء عليهم السلام
آمنت بسرهم وعلانيتهم وشاهدهم وغائبهم واشهد في علم الله
وطاعته محمد صلى الله عليه وآله وسلم عليهم الثاني والعشرون

در مقباس مسطور است رسيدن باقی از سلمان پارسی
روايت كرده است كه گفت بر حمايل شمشير حضرت
امير المؤمنين عليه السلام نوشته ديدم و پرسيدم يا امير المؤمنين
اين نوشته چيست فرمود كه يازده كلمه است كه حضرت
رسول صلعم مرا تعليم فرموده است ميخواهی تو را تعليم كنم
كه سبب آن در حضر و سفر و شب و روز از بلدها جان و مال
و فرزندان تو محفوظ باشند گفتم بلی فرمود چون از كار صبح
فارغ شوی اين دعا بخوان اللهم اني اسئلك يا عالما
بكل خفية يا من السماء بقدرته مدحية يا من الشمس والقمر
بنور جلاله مضيئة يا من البحار بقدرته مجرية يا منجي يوسف
من رق العبودية يا من يصرف كل نقمة وبلية يا من حوائج
السائلين عنده مقضية يا من ليس له حاجب يغشى

٢ بقدرته مبنية يا من الارض صح

ولدو زیرنشی صلّ علی محمد وال محمد واحفظنی فی سفری وحضری

ولیلی ونهاری ویقظتی ومنامی ونفسی واهلی ومالی وولدی

والحمد لله وحده الثالث والعشرون ختم الله لطیف بعباده ا

در اواخر باب سابق گذشت الرابع والعشرون آیات مصابیح الجنان

ومفاتیح الجنان است که در اواخر باب سابق گذشت الخامس

والعشرون آیات استشفا است در اواخر باب سابق گذشت

السادس والعشرون بجای ایمنی از خوف و رسیدن بنعمت عظیمه

بسیار المنان بگوید و بجهة خلاصی از مرض تب این اسم را با اسم

غفور بر سه پارچه کاغذ بنویسد و آنها را فرو برد شفا یابد

السابع والعشرون ختم بسم الله الرحمن الرحیم است که در اواخر باب

سابق گذشت الثامن والعشرون ختم سوره مبارکه حمد

است در اواخر باب سابق گذشت التاسع والعشرون

بجهة امان یافتن از شر جن و انس و سایر مکروهات

خواندن یا مؤمن بسیار مفید است الثلاثون بسیار گفتن

یا رؤف سختی را از دل زایل کند و از هر خوفی ایمن گردد و هر کس

بسیار یا حلیم یا رؤف یا منان گوید نزد ظالمی رود بلا بوی

ذلیل شود باب سیوم در بیان ختوم و اوراد بجهة دفع

اعادی و هلاکت ایشان وارد شده است و آن پنجاه

ختم میباشد الاول اگر خواهد دشمن را هلاک و مقهور

گرداند هفتاد سنگ ریزه بیاورد و بر هر سنگی معوذتین را

بخواند و آن سنگ ریزه ها را در کوزه بنهد و در آتش

گرم دفن کند و چندانکه گرمی آتش بر آن سنگها ۲ دشمنان همه مقهور

گردند بفرمان خدا تعالی الثانی بواسطه دفع اعدا هفت

نوبت بخواند بسم الله الرحمن الرحیم اللهم شتت شمل الاعداء

۲ از سه صح

وفرّق جمعهم وزلزل اقدامهم وخرّب بنیانهم وبدّل احوالهم
واشغلهم بابدانهم واحوالهم واقطع ارزاقهم وخذهم اخذ
عزیز مقتدر یا کافی یا قاهر الثالث از حضرت سلطان
اولیا علی مرتضی صلوات الله علیه منقول است که هر که هر روز
صباح پیش از برآمدن آفتاب این دعا را هفت بار
بخواند و باد بر اطراف خود بدمد از شر جمیع اعدا محفوظ
ماند و هیچ گونه ضرری باو نتوانند رسانید یا مطیع و منقاد
شوند و یا مقهور و منکوب گردند و این دعا را اثری عظیم است
و تجربه افتاده است اصلا تخلف نمی کند والله الموفق دعا
اینست بسم الله الرحمن الرحیم اللهم سخّر لی اعدائی کما سخّرت
الریح لسلیمان ابن داود علیهما السلام ولیّنهم لی کما لیّنت
الحدید لداود علیه السلام وذلّلهم لی کما ذلّلت فرعون

لموسی

لموسی علیه السلام وقهرهم لی کما قهرت اباجهل لمحمد صلی الله علیه
وآله بحق کهیعص حمعسق صم بکم عمی فهم لا یرجعون
صم بکم عمی فهم لا یبصرون صم بکم عمی فهم لا یعقلون فسیکفیکهم
الله وهو السمیع العلیم وصلی الله علی خیر خلقه محمد وآله اجمعین
بسم الله الرحمن الرحیم بحرمة کهیعص حمعسق لا حول
ولا قوة الا بالله العلی العظیم الرابع مرویست هر کس
هر صباح در این چهار کلمه نظر کند بر خلایق غالب
گردد و مقبول القول باشد بسم الله الرحمن الرحیم الرحیم
هههعفولین بنیر بغوش قرطوطنیش ششرو رعما سیط
الخامس از حضرت شاه ولایت اسد الله الغالب
علیه السلام مرویست چون ظالمی قصد او کند باید روبروی
او کرده این دعا بخواند تحصنت بذی الملک والملکوت

۲ و با خود دارد
بر اعدا او غالب شود
و اگر جهت پادشاه
بنوشته نظر کند
صح

واعتصمت

واعتصمت بذي العزة والقدرة والجبروت وتوكلت
على الحي الذي لا ينام ولا يموت ودخلت في حرز الله
وفي امان الله وفي ستر الله وفي كنف الله من شر الخلايق
اجمعين كهيعص وحمعسق صلى الله على خير خلقه محمد واله
اجمعين السادس هرگاه بايد دشمني پس بگير سنگ ريزه
چند وبخوان بران سنگ ريزه‌ها اين آيه را وبينداز
بروي دشمن پس كفايت كند الله تعالى شر دشمنان را
يا ايها الذين امنوا اذكروا نعمة الله عليكم اذ هم قوم ان
يبسطوا اليكم ايديهم فكف ايديهم عنكم واتقوا الله وعلى الله
فليتوكل المؤمنون السابع بجهة دفع اعدا بخوان اللهم
ارم اعدائنا بسهمك الصائب واحرقهم بشهابك
الثاقب ومزقهم بجندك الغالب وبدد شملهم

في جميع الممالك والمذاهب ولا ترفع لهم راية واجعلهم
لمن خلفهم اية اللهم فت عضد اعدائنا واكسر اركانهم
واخذل اعوانهم وزلزل جدرانهم واردد مكرهم في نحورهم
الثامن حرز اية الكرسي است كه در اداي باب اول گذشت
التاسع حرز حضرت امام رضا عليه السلام است كه از احراز رقعة
الجيب گويند نقل است كه چون حضرت بقصر
حميد ابن قحطبه فرود آمدند جامها بكندند وبحميد دادند
واو بكنيزكي داد كه بشويند كنيزك آمد وبا او رقعه بود
وبحميد داد وگفت اين را در جيب حضرت يافتم
حميد گويد بحضرت گفتم كه اين چيست حضرت فرمودند
كه اين تعويذي است كه از او جدا نميشوم واگر كسي اين را
در جيب خود نگاه دارد بلا از او مدفوع ميشود وان

حرزیست او را از شیطان رجیم و روایت است
از ابی الصلت هروی که روزی حضرت امام رضا علیه السلام
نشسته بود که رسول هرون الرشید آمد که امیر ترا میخواند حضرت
برخواست و گفت یا ابا الصلت در این وقت مرا
نمیخواند مگر جهة کاری عظیم و الله که او نمیتواند بمن مکروهی برساند
بواسطه کلمه چند که بمن رسیده از جدم رسول الله صلی الله علیه و آله
پس من با حضرت روانه شدم تا وقتی که نزد هرون رفتیم
چون نظر حضرت بر او افتاد این حرز را بخواند و چون پیش هرون
بایستاد هرون نظر بحضرت کرد و گفت یا ابا الحسن
ما امر کردیم جهة تو صد هزار درهم بدهند و حاجات اهل
خود را بنویس تا بر آوریم و چون حضرت پشت کرد هرون
گفت من اراده کردم و اراده خدا غیر آن بود بسم الله

الرحمن الرحیم انی اعوذ بالرحمن منک ان کنت تقیا او
غیر تقی اخذت بالله السمیع البصیر علی سمعک و بصرک
لا سلطان لک علی و لا علی سمعی و لا علی بصری و لا علی شعری
و لا علی بشری و لا علی لحمی و لا علی دمی و لا علی مخی و لا علی عصبی
و لا علی عظامی و لا علی اهلی و لا علی ما رزقنی ربی سترت
بینی و بینک بستر النبوة الذی استتر انبیاء الله به من سطوات الجبابرة
و الفراعنة جبرئیل عن یمینی و میکائیل عن یساری و اسرافیل
عن ورائی و محمد صلی الله علیه و آله امامی و الله مطلع علی
یمنعک منی و یمنع الشیطان منی اللهم لا یغلب جهله
اناتک ان یستفزنی و یستخفنی اللهم الیک التجات
اللهم الیک التجات اللهم الیک التجات الی شر
منقول است از امام حسن عسکری علیه السلام که جهة دفع کید

اعدا و حوائج بعد از فراغ از نماز صبح بلا فاصله سوره کافرون که قل یا ایها الکافرون و قل هو الله احد و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس بهمین ترتیب بخوان قبل از آنکه تکلم با احدی نمائی و بعد از آن این دعا را بخوان یا مالک الرقاب و یا هازم الاحزاب و یا مفتح الابواب و یا مسبب الاسباب سبب لنا سببا لا نستطیع له طلبا بحق لا اله الا الله محمد رسول الله علی ولی الله و آنحضرت فرمودند چنین نفقیر بسبب لنا سببا بر سر آن مطلبی که در نظر داری از غنا و ثروت و دفع کید دشمنان بخاطر بگذران ه‍ شانزدهم آنچه بر آورده است الحادی عشر بجهة دفع شر دشمن منقولست که هر که خواهد از شر دشمن ایمن گردد باید چهار سنگریزه بردارد و هر یک از سنگریزه را یک آیه که نوشته میشود از آیات قرآنی را بدمد و بخواند دیگری را

طرف راست اندازد و یکی دیگر به پیش رو اندازد و دیگری را بطرف دست چپ و رابع را به پشت سر اندازد و کیت شود خصم بد و دست نیابد بعون الله تعالی اول بسم الله الرحمن الرحیم لقد حق القول علی اکثرهم فهم لا یؤمنون و جعلنا من بین ایدیهم سدا و من خلفهم سدا فاغشیناهم فهم لا یبصرون و سواء علیهم ءانذرتهم ام لم تنذرهم لا یؤمنون الم یروا کم اهلکنا قبلهم من القرون انهم الیهم لا یرجعون الثانی عشر بجهة دفع اعدا بخواند مجربست بسم الله الرحمن الرحیم اللهم انی ضعیف و اعدائی اقویاء و انت الاقوی فقنی امرهم و اکفنی شرهم و انصرنی علیهم بحولک و قوتک یا قوی الثالث عشر جهة کفایت مهمات و بسر عهد باز آمدن از غربت بوطن و حصول مرادات کلی و جزوی و رسیدن بمطلوبات خویش و دفع

دشمنان قوی و خصمان بزرک بزوال و نصرت بر عدو ٭
این کلمات را دو هزار و سیصد و سی و هفت بار بخواند و کفی بالله
ولیاً و کفی بالله نصیراً و کفی بالله حسیباً و کفی بالله علیماً و کفی بالله ولیاً
و کفی بالله شهیداً الرابع عشر یا باری المنشی بلا مثال خلا من غیره
من نقش فی شیء من المعادن السبعة و حمله طرد عنه السحر والعین و نصر
علی عدوه الخامس عشر یا کافی الموسع لما خلق من عطایا فضله من اکثر
من قرائته اهلک الله ظالمه و من کرره اکثر من الف مرة خلص
من السحر و من اراد حاجة من شخص فلیکتبه فی جلد ظبی بالمسک والزعفران
ثم جعله فی شکفة باب الدار التی لذلک الشخص المراد منه
قضاء حاجة تقضی السادس عشر یا عزیز المنیع الغالب علی امره
فلا شیء یعدله من اراد کسر عدوه فلیقرأه و هو مقابل له احدی
و ستین مرة و یتفل علی عدوه فان اعدائه ینهزمون و یقول

عقب قرائته اللهم عطل جوارحهم حتی لا یقدروا علی شیء ١٧
یا قاهر ذا البطش الشدید انت الذی لا یطاق انتقامه قید هذا
الاسم مکتوب علی جبهة عزرائیل وله ستة و ستون جاجیة
و شرحه طویل فمن کتبه فی صحن صینی بمسک و زعفران و سقاه
لمعقود انحل و اذا قرء علی عسکر العدو ثلثة و سبعین مرة و تفل
علی العدو فانه ینهزم و یقول اللهم فرج همی و اکشف غمی
و اهلک عدوی برحمتک یا ارحم الراحمین و من صور
صورة من شمع احمر علی اسم عدوه و قرء الاسم سبعة ایام
کل یوم الف مرة اهلک الله عدوه و ان اراد تمرضه
فلیکن الشمع اصفر و یقرء علیه الاسم کما قلناه علی الشمع الاحمر
الثامن عشر یا جبار المذلل کل شیء بعز سلطانه من اراد
ان یهلک عدوه فلیصم ثلثة ایام و یدعوا بهذا الاسم

لكل يوم خمسمائة مرة فان الله يهلكه وفي نسخة اخرى انه
يقرء مدة شهر ادقة كل يوم ثمانمائة مرة فانه نزل بعدوه الهلاك
عند تمام الشهر ومن كتبه على درعه وسوقه والدت حربته ثم
قاتل عدوه كسره ومن خاف من ظالم فقرئه الف مرة امنه
التاسع عشر يا علي الشامخ في السماء فوق كل شيء علوا ارتفاعه
من اهوا ان يغلب الله له عدوه فيصم يوم الاحد او الاربعاء
ويخرج الى البرية بعد الطيب والغسل ويقرء هذا الاسم
الفا وسبعين مرة بنية صادقة فانه تعالى ينصره على عدوه
العشرون ازبراى دين ودفع دشمن ودفع هم وغم و صحت
وبيماران وخلاصى از دست دشمنان اين اية را هفتصد
وسى بار بخواند لا اله الا انت سبحانك انى كنت
من الظالمين الحادى والعشرون رب انى مغلوب

فانتصر دو هزار و سيصد و شصت و دو عدد جهت هر مطلبى بخواند
بر آورده مى شود خصوصا در مطلب از براى خوف دشمن باشد الثانى
والعشرون جهت هر مطلبى هزار دفعه اين آيه انا كفيناك المستهزئين را
بخواند البته انشاء الله كفايت شود و اين آيه از جهت شر اشرار و بستن
اعدا از امور بسيار محكم كيمياى احمر دارد الثالث والعشرون
از حضرت صادق عليه السلام منقول است هر كه سوره [illegible] را سه بار
بخواند بر مشت خاك و بطرف دشمن اندازد دشمن مقهور گردد
و اگر به بيمار خوانند بيمار تسكين مى يابد و در خواب رود و اگر بخوانند
اين سوره را شب و روز همراه داشته باشد از شر آدمى و ديو و پرى
ايمن گردد و اگر در ديوار انبار غله نهند از مفسدات ايمن
بود و چنين اثر دارد در عقاب ظالمى بخواند از كيد او ايمن شود الرابع
والعشرون از براى حصول حاجت و دفع كيد دشمن و دفع

خوف و عقد لسان اشرار این آیه را هزار و یکبار بخوانند و آیه
این است انا نحن نزلنا الذکر و انا له لحافظون الحادی و العشرون
اگر کسی اعتصمت بالله را هزار و شصت و نه مرتبه بخواند شر دشمن
از وی دفع میشود و عداوت شاید محبت بدل شود الثانی و
العشرون از برای قضاء حوائج و نجات یافتن از هلاک و رفع
ضرر اعدا حسبی الله را باید صد و چهل و شش مرتبه بخواند بسیار
نافع است الرابع و العشرون از برای هلاک عدو و اهل
ستم وقت طلوع آفتاب روز چهارشنبه چهل و یکمرتبه ناد علیا را
بخواند بنحو مرقوم و باد بطرف خانه او بدمد البته عدو هلاک
شود اگر بقصد هلاک بخواند و الا البته ذلیل و خوار گردد چنانچه
مکرر تجربه شده است و تخلف روی نداده بسم الله الرحمن
الرحیم یا ابا الغیث اغثنی ناد علیاً مظهر العجائب تجده

عوناً لک فی النوائب کل هم و غم سینجلی بولایتک
یا علی یا علی یا علی الثامن و العشرون از سید داماد رحمة الله منقول است
برای دفع اعداء در رکعت اول نافله صبح حمد و سوره والضحی
و الم نشرح و در ثانیه حمد و الم ترکیف و لایلاف بخواند
و بعد از فراغ از نماز ده مرتبه بگوید بسم الله الرحمن الرحیم
لاحول و لاقوة الا بالله العلی العظیم یا حی یا قیوم ایاک نعبد
و ایاک نستعین اللهم کف عنی بأس من اراد فی سوءاً و اساءةً
فانک اشد بأسا و اشد تنکیلا بعد یکمرتبه بگوید اللهم اجعل
فی قلبی نوراً و اجعل فی لسانی نوراً و اجعل فی بصری نوراً و اجعل
فی سمعی نوراً و اجعل فی خلفی نوراً و من امامی نوراً و اجعل
من فوقی نوراً و من تحتی نوراً اللهم اعطنی نوراً و بعضی این دعا را
موقت کرده اند بروز چهارشنبه التاسع و العشرون

در بعضی از کتب مسطور است که در شب سه شنبه یا چهار شنبه
بخواند سورهٔ قیس را بعدد حروفی که در حروف این سوره است یکبار
و بجانب دشمن دمد هلاک شود آلتشون هر که بدست ظالمی گرفتار
شود هزار بار این بیت را بخواند خلاص شود تجدنی مستغاثاً بی
مغیث اما الغفار فاطلبنی تجدنی الهادی والتشون هر گاه ظالمی
بروی خشم گرفته باشد هزار بار این بیت را بخواند اذا الهمعان
ناوانی لظیما قمن لبیک فاطلبنی تجدنی الثانی والتشون
هر که در میان دشمن افتد و هفت دو یکبار بخواند این بیت را
و بر آب روان دمد و روی خود را بآن آب بشوید بر ایشان
غالب شود چنانکه همه کس از وی بترسد و اگر من یتوب الی
خوفا لی الاکرام فاطلبنی تجدنی الثالث والتشون از برای
تسخیر اعدا و ادای دیون و استشفای مرضی و حصول

حوائج کلیه و طلب بزرگی سه هزار و سیصد و سی و سه بار بخواند
تا ممکن باشد بیک مجلس بخواند فالله خیر حافظا و هو ارحم الراحمین
و از جمعی از بزرگان مسموع شده از جهة شفای بیماران
ختم این آیهٔ شریفه بعدد مذکور بر عات عه است و اثری
عجیب دارد و هرگز تخلف نکرده است الرابع والتشون
هر که هزار بار بگوید بسم الله الرحمن الرحیم و هزار بار الحمد لله بگوید
و هزار بار لا اله الا الله و محمد رسول الله بگوید و هزار بار بگوید اللهم
صل علی محمد و آل محمد و بعد از آن هزار بار ظالمی دعای بد کند
و بر او ظلم کرده باشد آن ظالم البته بمیرد یا منکوب و مخذول
گردد الخامس والتشون وارد شده است که هر که در ورطه و بلیه
گرفتار شود و در راه نجات و طریق خلاص از هر طرف بروی
بسته شود نوزده مرتبه بگوید تا ثبت یا سید الکریم نجنی

۱۰۹

وخصوصاً بسم الله الرحمن الرحیم و اگر بعدد حروف بسم الله
بخوانند که آن هفتصد و هشتاد و شش است اکمل و اتم و اقوی خواهد
بود و در بعضی از نسخ معتبره گفته اند که پیش از شروع و بعد از ختم سه مرتبه
صلوات فرستد و عدد ختم را هفتاد و سه هم بیان کرده اند و بهر
حال مداومت باین دعای مبارک باعث نجات از جمیع
بلیات و آفات می شود و این معنی بتجربه رسیده است خصوصاً
از برای نجات یافتن از دست ظالم و از بعضی از مشایخ الثقات منقول
روایت شده و بهر حال خوب است السادس والثلثون
من منهاج الصلاح عن الباقر علیه السلام الا اعلمك دعاء تدعوا
به اهل البیت اذا کربهم امر و تخوفوا من سلطان امراً لا قبل
لهم به قلت بلی بابی انت و امی یا بن رسول الله قال قل یا کائناً
قبل کل شیء و یا مکون کل شیء و یا باقی بعد کل شیء

صل

۱۱۰

صل علی محمد و اهل بیته و افعل بی کذا و کذا السابع والثلثون
عن الصادق علیه السلام فی دفع الشدائد حسبی الله لا اله الا هو
علیه توکلت و هو رب العرش العظیم عشر مرات حسبی الله
انتهی لما بغی علی حسبی الله لمن اهو بسوء عشر مرات الثامن
والثلثون نماز حضرت امام حسین علیه السلام است و آن دو رکعت
است در بیدار که ظلم ظالم بهر قسمی خواهد باشد بعد از آنکه غسل
کرده باشد و بعد از فراغ سر باسمان کرده دستها بگشاید
و بگوید اللهم رب محمد و آل محمد صل علی محمد و آل محمد اللهم
ان فلان ابن فلان قد ظلمنی و لا اجد من اصول به غیرك فاستوف له
ظلامتی الساعة الساعة بحق من جعلت له علیك حقاً و بحقك علیهم
الذی فعلت ذلک یا مخوف الاحکام یا مرهوب البطش یا مالک
الغضب بی شک ظالم سرنگون گردد التاسع والثلثون

دعا

دعای حضرت امام حسن علیه السلام وآن اینست یا شدید القوی
و یا شدید المحال یا عزیز اذللت بعزتک جمیع من خلقت
صل علی محمد وآله واکفنی مؤنة فلان بما شئت و بجای فلان نام
آنکس را باید گفت که از او خوف داری و یا دفع او را میخواهی
و خواندن این دعا بعد از فریضه مغرب با دو رکعت نماز
حاجت بهر سوره که خواند و بعد بسجده رفتن برای دفع دشمن
تأثیری عظیم دارد الدر المعون دعای حضرت امام حسین علیه
السلام است و خواندن این دعا بعد از فریضه موجب فتح
و فرج و غلبه بر دشمن و آسانی کارها و قضای دین و شرح صدر
و تلقین شهادتین است نزد موت و موجب رفاقت
آنحضرت است در آخرت و در بهشت و دعا اینست
اللهم انی اسئلک بکلماتک و بمعاقد عرشک و سکان

سمواتک وارضک وانبیائک ورسلک ان
تستجیب لی فقد رهقنی من امری عسرا فاسئلک ان تصلی علی
محمد وآل محمد وان تجعل من امری یسرا الهادی الدر المعون توسل
جستن بحضرت امام زین العابدین علیه السلام است و آن بدین
نهج است اللهم انی اسئلک بحق ولیک علی ابن الحسین
علیهما السلام الا کفیتنی به مؤنة کل شیطان مرید و سلطان
عنید یتقوی علی ببطشه و ینتصر علی بجنده انک
جواد کریم و این توسل جهت ایمنی یافتن از شر سلطان جابر
و شیطان مارد و معزز بودن در نظر سلطان منحصر است
الثانی والدر المعون جهت مستور بودن و غایب بودن و مخفی شدن
از نظر درندگان و دزدان و دشمنان و این توسل از شر
سلاطین و شیاطین و موذیات و دفع همه بلیات

وافات و عاهات خواندن این احجاب و نوشتن
ونگاه داشتن فایدهٔ عظیم دارد و نافع است و این احجاب
امام علی نقی علیه السلام است و اذا قرأت القرآن جعلنا
بینک و بین الذین لا یؤمنون بالآخرة حجابا مستورا و جعلنا
علی قلوبهم اکنة ان یفقهوه و فی آذانهم وقرا فاذا قرأت
القرآن فاستعذ بالله من الشیطان الرجیم انه لیس له سلطان
علی الذین آمنوا و علی ربهم یتوکلون علیک یا مولای توکلت
وانت حسبی و املی و من یتوکل علی الله فهو حسبه ان الله
بالغ امره قد جعل الله لکل شیء قدرا تبارک اله ابراهیم
واسمعیل و اسحق و یعقوب رب الارباب و مالک
الملوک و جبار الجبابره و مالک الدنیا و الآخرة رب
ارسل الی رحمة یا حلیم و البسنی عافیتک و ازرع

فی قلبی

فی قلبی من نورک و احسانی من عدوک و احفظنی فی لیلی و نهاری
بحفظک قل من یکلؤکم باللیل و النهار من الرحمن بل هم
عن ذکر ربهم معرضون حسبی الله کافیا و معینا و معافیا فان
تولوا فقل حسبی الله لا اله الا الله هو علیه توکلت و هو رب
العرش العظیم الثالث و الاربعون حجابه فیروزی یافتن و ظفر
بر اعداء در روز جنگ و غیره و اداء قروض موقوف است
بر نوشتن حجاب حضرت صاحب الزمان علیه السلام این
الوب اللهم انی اسئلک بحق ولیک و حجتک صاحب
الزمان ع الا اعنتنی به علی جمیع اموری و کفیتنی به مؤنة کل
موذ و طاغ و باغ و اعنتنی به فقد بلغ مجهودی و کفیتنی به کل
عدو و هم و غم و دینی و ولدی و جمیع اهلی و مالی و اخوانی و من
یعنینی امره و حاجتی آمین یا رب العالمین الرابع

والاربعون

والاربعون هر کس از ظالمی بترسد هفتاد و پنج بار بگوید
یا مذل و سجده رود شرش از او دفع میشود انشاء الله تعالی والاربعون
صاحب عدة الداعی از حضرت صادق علیه السلام روایت
کرده هرکه داخل شود بر سلطان جابری که میترسد از او پس
بگوید وقتی که مقابل او میشود کهیعص و بخواند هر حرفی
از این پنج حرف یکی از انگشتان دست راست خود را
بهم گذارد پس بگوید حمعسق و بهر حرفی یکی از انگشتان
دست چپ را بهم نهد بعد بگوید وعنت الوجوه للحی
القیوم وقد خاب من حمل ظلما و بگشاید انگشتان را
در روی او ایمن میشود از شر او انشاء الله تعالی والاربعون از حضرت
کاظم علیه السلام مرویست که هرکه داخل شود بر سلطانی
که میترسد از او بگوید وقتی که نظر کند بسوی او یا من لا یضام

ولا یرام و به تو اصلت الارحام صل علی محمد و آل محمد و اکفنی شره
بحولک و نیز از مجربات است که بگوید در روی او اطفئت
غضبک یا فلان بلا اله الا الله السابع والاربعون اگر کسی در دست
ظالمی گرفتار شود باید که یا قیعوشر ثون بسیار بگوید که البته بروی
رحم کند و ضرر نتواند رسانید و این بسیار مجرب است الثامن
والاربعون مداومت کردن بر یا وکیل برای دفع دشمن
و ایمنی از غرق و حرق و برای حفظ بدن و فرمان و جاه بسیار
نافع است التاسع والاربعون یا نصیر یا ناصر مداومت
نمودن بر این دو اسم در همه اوقات خصوصاً در وقت
تنهائی و کید اعدا مستلزم تفوق و زیادتی بر اعدا و غلبه بر حسود است
الخمسون جهة فنا شدن ۲ در محاق ماه آخر شب بگوید یا قاهر
یا قهار یا ذا البطش الشدید انت الذی لا یطاق انتقامه

۲ دشمن صحیح

باب چهارم در ادعیه و ختوم و اوراد مجربه که بجهت رفع سحر وارد گردیده
شده است و آن شش است الاول در طب الائمه از حضرت
امیر علیه السلام روایت شده که بجهت ابطال سحر این دعا را بنویسند
بر پوست آهو بر خود بیاویزد بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله ما شاء
الله بسم الله لا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم قال موسی ما جئتم
به السحر ان الله سیبطله ان الله لا یصلح عمل المفسدین ویحق الله
الحق بکلماته ولو کره المجرمون فوقع الحق وبطل ما کانوا یعملون
فغلبوا هنالک وانقلبوا صاغرین الثانی و ادعیه السحر کهن ان
السحر لم یزل قدیما ولیس یضر شیئا الا باذن الله فمن احب ان یکون
عافیا من السحر فلیقل اللهم رب موسی وخاصه بکلامه وهازم من کاده
بسحره بعصاه ومعیده ما بعد العود ثعبانا وملقفها افک اهل الافک
ومفسد عمل الساحرین ومبطل کید اهل الفساد من کادنی بسحر او بضر

عمدا او غیر عمد اعلمه او لا اعلمه اخافه او لا اخافه فاقطع
من اسباب السموات عمله حتی ترجعه عنی غیر نافذ ولا ضار
لی ولا شامت بی انی ادرء بعظمتک فی نحور الاعداء فکن
لی منهم مدافعا احسن مدافعة واتمها یا کریم فانه اذا قال ذلک
لم یضره سحر ساحر جنی او انسی ابدا الثالث خواندن الحمد مغربی
است روایت از بزرگان دین دشاید که هر که این حمد
مغربی را بهر نیت و مرادی بخواند روا گردد آن بطلب و مراد
بعنایت الله تعالی خصوصا بجهت محبت و جذب قلوب خلایق
اگر بخوانند یا با خود دارد در نزد ایشان عزیز و مکرم و مقبول القول
گردد و الحمد هفت آیه است و هر یک از آن بکوکبی تعلق
دارد و بجهت دفع سحر خواندن و با خود داشتن بغایت مجرب است
صحیحا و حمد این است بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله رب

انسی صح

العالمین اقسمت علیکم یا معشر الارواح الروحانیه والموکلین
بهذه السوره الشریفه بحق جبرائیل الرحمن الرحیم مالک
یوم الدین اقسمت علیکم یا ملک الموکل بهذه الایات اجیبوا
دعوة الله وبحق میکائیل ایاک نعبد وایاک نستعین اقسمت
علیکم یا ملک الموکلون بهذه الاسماء العظام بحق اسرافیل
وحملة العرش العظیم اهدنا الصراط المستقیم انه لقسم لو تعلمون
عظیم بحق عزرائیل صراط الذین انعمت علیهم یا شمعیل بحق الله
الباسط غیر المغضوب علیهم ولا الضالین اجیبونی واطیعونی
یا ملک الموکلون بالاسماء العظام والاولین والاخرین بهذه
السوره الشریفه والایات المبارکات بحق قق قق
قق قق هو الله احد وبحق نور الطیب الطاهر المصطفی محمد
صلی الله علیه وآله وسلم اجمعین اقض حاجتی برحمتک یا ارحم

الراحمین الرابع یا باری المنشئ بلا مثال خذ من غیره که
در اوائل باب سیم گذشت الخامس یا کافی الموسع لما خلق
من عطایا فضله در اوائل باب سیم گذشت السادس
در کتاب طب الائمه مسطور است بجهة ایمنی از سحر
ودفع آن در سحر بعد از فراغ از نماز شب هفت مرتبه
بگوید بسم الله وبالله سنشد عضدک باخیک ونجعل
لکما سلطانا فلا یصلون الیکما بآیاتنا انتما ومن اتبعکما الغالبون

باب پنجم در ادعیه وختوم و اوراد بجهة دفع بیماری
و شفای آن وارد شده است و آن بیست است الاول
یا الله المحمود فی کل فعاله فمن اغتسل یوم الجمعه ولبس احسن ثیابه
والطهر وکان فی موضع خال فی الاسبوع وقرء بعد صلوة الجمعه
بصدق النیه والاخلاص مائتی مره قضت حاجته مهما

كانت ومن قرءه قبل ان يفعل فعلا عشرا تتم حاجته

في غاية الجودة وان تعدها سقيم سبعا سبعة ايام على الريق برئ

مرضه الثاني يا حي حين لا حي في ديمومة ملكه وبقائه من كتبه في اناء

صيني بمسك و زعفران و غسل بماء ورد و شكر و نبات و سقاه

المريض عوفي ومن قرءه ثلثمائة الف مرة لم يمرض ابدا وكذا من شربه

في حال صحته الثالث يا بديع البدايع ومعيدها بعد فنائها بقدرته

من قرءه اربعين مرة شفاه الله ومن قرءه كذلك وهو يخاف القتل

امنه الله وليرفع صوته بقرائته وقت الحاجة الرابع از شیخ بهائی ره

منقولست که هر که این دعا را با اعتقاد دو بار از برای قضای حاجتی

با عتقاد صادق و صدق دل و شرایط بخواند اگر حاجت او

روا نشود در قیامت با من مخاصمه کند و فرموده خصوصا از برای

شفا یافتن بیماران در نزد بیمار بخواند در حالتی که در سجده باشد

از جمله مجربا تست مگر آنکه اجل مریض حتمی باشد و دعا

اینست لا اله الا الله بعزتک و قدرتک لا اله الا الله الا الله بحق الالاح

حقک و حرمتک لا اله الا الله فرج برحمتک اکشف عنی در بکارم

الخلق مسطورست بعضی از فرزندان جناب امام جعفر

صادق علیه السلام از بیماری بآنحضرت شکوه کردند آنحضرت

فرموده ای پسرک من بگو اللهم اشفنی بشفائک و داونی بدوائک

و عافنی من بلائک فانی عبدک و ابن عبدک [illegible] یا نور

کل شیء انت الذی فلق الظلمات بنوره که در اول تهیه

باب اول گذشت السابع [illegible] که در اوا

باب سیم گذشت الثامن ختم امن یجیب المضطر است

که در اواخر باب چهارم گذشت التاسع سته ایه آخر سوره حشر است

که در اواسط باب دوم گذشت العاشر و بعد ان آمن ان

و غفور است بطریقی در اواخر باب دوم گذشت الحادی
عشر ختم لا اله الا انت است در اواخر باب سیم گذشت
الثانی عشر ختم فان الله خیر حافظا است در اواسط باب
سیم گذشت الثالث عشر از حضرت صادق علیه السلام
منقول است هر که سوره حمد را چهل بار بر بیمار بخواند ان
بیمار تسکین یابد الرابع عشر یا سلام هر کس این اسم را
بر سر بیمار صد بار بخواند شفا یابد و برای شفای هر علتی خواندن
این اسم مجرب است و بسیار گفتن المجید شفا است
از همه کوفتها و گفتن ان با اسم ماجد موجب تنویر قلب
و یافتن حمد و بزرگواریست الخامس عشر عن الباقر علیه السلام
ان علیا علیه السلام مرض فاتاه النبی صلی الله علیه واله وسلم
وقال له قل اللهم انی اسئلک تعجیل عافیتک او صبرا علی بلیتک

او خروجا من الدنیا الی رحمتک و عن الصادق علیه السلام ضع یدک
علی الوجع وقل بسم الله ثم امسح یدک علیه وقل سبعا اعوذ
بعزة الله و اعوذ بقدرة الله و اعوذ بجلال الله و اعوذ بعظمة
الله و اعوذ بجمع الله و اعوذ برسول الله صلی الله علیه واله و اعوذ
باسماء الله من شر ما احذر و من شر ما اخاف علی نفسی السادس
شر صح
عشر در بدر الدین روایت کرده است مردی بدردی
مبتلا شد که اطبا از معالجه او بعجز اعتراف کردند روزی
کتابی از کتب علما را گشودم در اول صفحه نظرش بر این
حدیث افتاد که حضرت صادق علیه السلام فرمود هر که
علتی داشته باشد بعد از نماز صبح چهل مرتبه این دعا بخواند
چنین چهل روز بر این دعا مداومت کرد شفا یافت
و بعد از ان تجربه بسیار از این دعا نقل کرده و این ادرس

رحمه الله در کتاب سرائر از حضرت صادق علیه السلام
روایت کرده که هر که هر روز این دعا را سی مرتبه بخواند
حق تعالی نفوذ بلا را از او دفع کند و کمتر آنها خوره باشد
بنوع م
و شیخ طوسی رحمه الله گفته است که در تعقیب صبح سی مرتبه
این دعا را بخوانند و دعا بروایت شیخ و ابن ادریس این است
که بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله رب العالمین و تبارک
الله احسن الخالقین لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم
و بروایت کفعمی بعد از بسمله الحمد لله رب العالمین و حسبنا
الله و نعم الوکیل تا آخر دعا و هر دو خوبست السابع
عشر من الکلینی احمد ابن محمد بن عبد العزیز عن المهتدی عن
یونس بن عبد الرحمن عن داود ابن زربی قال مرضت
بالمدینة مرضا شدیدا فبلغ ذلک ابا عبد الله علیه السلام

فکتب

فکتب الی قد بلغنی علتک فاشتر صاعا من بر ثم استلق
علی قفاک و انثره علی صدرک کیف ما انتثر و قل اللهم
انی اسئلک باسمک الذی اذا سئلک به المضطر کشفت
ما به من ضر و مکنت له فی الارض و جعلته خلیفتک علی
خلقک ان تصلی علی محمد و آل محمد و ان تعافینی من علتی
ثم استو جالسا و اجمع البر من حولک و قل مثل ذلک
و اقسمه مدا مدا لکل مسکین و قل مثل ذلک قال داود
ففعلت ذلک فکانما نشطت من عقال و قد فعله غیر
واحد فانتفع به الثامن عشر باید که هر کس این نام را بر آب
دوائی سی بار بخواند البته باعث صحت مریض گردد
۲ دفعه دیگر صحیح
و مداومتش موجب شفای امراض ظاهر و باطن است
و باعث آنست که هرگز بیمار نشود بر طعامی که بخوانند ضرر

نکند

کند و دفع سموم قاتله بآیه آل سبع عشر جهة شفای امراض
و بیماری و دفع امراض ظاهری و باطنی و سند صحت ابدان
منوطست ببوسیدن و جستن بحضرت امام موسی کاظم علیه السلام
بر این نهج اللهم انی اسئلک بحق ولیک موسی ابن جعفر ع
الا عافیتنی فی جمیع جوارحی ما ظهر منها و ما بطن منها و دفعت
عنی جمیع الالام و الاسقام یا جواد یا کریم یا ارحم الراحمین
و چون مرض شدید باشد خصوص در اطفال قدری نقد نذر
آنحضرت در زیر بالین گذارده فردا آنرا تصدق و استشفا
از آنحضرت کنند فی الحال شفا یابد خصوص جهة درد چشم
مجرب است العشرون دعا حضرت فاطمه علیها السلام
که از برای دفع حمی تعلیم سلمان فارسی نمودند و او زیاده از
هزار کس شفا داده بود در شام و صبح خوانند بسم الله نور

النور بسم الله نور علی نور بسم الله الذی هو مدبر الامور بسم الله
الذی خلق النور من النور و انزل النور علی الطور فی کتاب مسطور
علی نبی محبور الحمد لله الذی هو بالعز مذکور و بالفخر مشهور و علی السراء
و الضراء مشکور و صلی الله علی محمد و آله الطیبین باب بیستم
در ادعیه و اوراد و ختوم مجربه صحیحه جهة ادای دیون وارد
شده است و آن بیست است الاول در مکارم الاخلاق
مسطور است از حسین ابن خالد منقول است گفت مرا
در بغداد سیصد هزار درم دین شد و مرا چهار صد هزار
دیگر دین بود و قرض خواهان مجال نمیدادند و قادر نبودم که
امیر المؤمنین ع روم و احوال خود عرض نمایم پس کتابی نوشتم
و در آن وصف حال خود کردم و مرا قرضی چند است
و مالی نیست پس جواب نوشت که بگوی در عقب هر نماز

سه مرتبه اللهم انی اسئلک یا لا اله الا الله انت یا حی لا اله الا الله
انت ان ترحمنی لا اله الا الله انت اللهم انی اسئلک یا لا اله
الا الله انت یا حی لا اله الا الله انت ان ترضی عنی لا اله الا الله
انت اللهم انی اسئلک یا لا اله الا الله انت یا حی لا اله الا الله
انت ان تغفر لی لا اله الا الله انت راوی گوید که بدین مداومت
کردم و الله چهار ماه نگذشت که دین من ادا شد و صد هزار
درم دیگر فاضل آمد الثانی فی یا کبیر انت الذی لا تهتدی
القلوب لعظمته من صام سبعة ایام و لم یاکل لحما و قرء
هذا الاسم کل یوم الف مرة عاد وظیفته التی عزل منها
سریعا بشرط ان یکون عادلا فی حکامه و من فعل ذلک و کان
علیه دین قضی الله الثالث یا حنان الذی وسعت کل شیء رحمته
من ادمن قرائته قضی دینه و القی فی قلوب الناس محبته و امن الفقر

الرابع ختم امن یجیب المضطر است در ختم چهاردهم از باب
دویم گذشت الخامس ختم انا انزلناه است در اواسط باب
اول گذشت السادس ختم و العادیات است در اواسط باب
اول گذشت السابع آیات الکفایات است در اواسط
باب اول گذشت الثامن دعای است در التوابع و الخمسون
باب اخر گذشت التاسع ختم اذا وقعت الواقعه است
که در اواخر باب اخر گذشت العاشر خواندن اذا وقعه
و الم نشرح است بطریقی که در اواخر باب اول گذشت
الحادی عشر نماز امام جواد علیه السلام است که در اواخر باب
اخر گذشت الثانی عشر ختم لا اله الا الله انت است در عشرون
باب سیم گذشت الثالث عشر ختم فالله خیر حافظا و هو ارحم
الراحمین است در اواسط باب سیم گذشت الرابع عشر توکل

جستن بحضرت صاحب الزمان علیه السلام است بطریق تقرب در ادای

باب سیم گذشت الخامس عشر قال معاذ ابن جبل

احتبست عن رسول الله صلی الله علیه واله یوماً لم اصلّ معه

الجمعة فقال یا معاذ ما منعک من صلوة الجمعة قلت یا رسول الله

لیوحنا الیهودی علیّ اوقیة من تبر وکان علی بابی یرصدنی فاشفقت

ان یحبسنی فقال اتحبّ یا معاذ ان یقضی الله دینک قلت

نعم یا رسول الله قال قل اللهم مالک الملک تؤتی الملک

من تشاء وتنزع الملک ممن تشاء وتعز من تشاء وتذل

من تشاء بیدک الخیر انک علی کل شیء قدیر تولج اللیل

فی النهار وتولج النهار فی اللیل وترزق من تشاء وتمنع من تشاء

اقض عنی دینی فلو کان ملؤ الارض ذهب لاداه الله عنک دالا

وقیة ثلثة عشر رطلة عراقیة السادس عشر قال الشیخ الاجل

وقیه مرتین / کنهم است

وتخرج الحی من المیت / وتخرج المیت من الحی صح

العلامة

العلامة البهائی فی اربعین الحدیث وباسناده المتصل الی الشیخ

الجلیل محمد ابن بابویه عن محمد بن بکران النقاش عن احمد ابن محمد

الهمدانی مولی بنی هاشم عن عبید ابن حمدون الرواسی

عن حسین ابن نصر عن ابیه عن عمرو عن جابر بن عبد الله الانصاری

عن الامام ابی جعفر محمد بن علی الباقر عن ابیه علی ابن الحسین زین العابدین

عن ابیه الحسین بن علی عن امیر المؤمنین علیهم السلام قال شکوت

الی رسول الله صلی الله علیه واله دیناً کان علیّ فقال یا علی قل اللهم

اغننی بحلالک عن حرامک وبفضلک عمن سواک فلو کان علیک

مثل صبیر دیناً قضاه الله عنک وصبیر جبل بالیمن

لیس بالیمن جبل اعظم منه السابع عشر فی ادعیة السر یا محمد من کان له

هم دین من امتک فلینزل بی ولیقل یا مبتلی الفقر بفقر اهل

الفقر واهل الغنی وجازیهم بالصبر فی الذی ابتلیتهم به ویا رب حب

المال

المال عنده عبده دیا مهم الذی نفس التسع والسماء وفاطر الخلق علی

اللفظة واللین عنتی دین فلان ابن فلان وفضحنی تسمه علیه وعانی

مایب طلبته الذی سکنت یا خیر مطلوب الیه اکرم آخ یا مفرج الامال لدیه

فرج اداوه فی الذی لزمنی من دین الناس بتیسیرک لی من رزقک

فاقضه یا قدیر ولا تهنی باذاه تاخیر اداه ولا تضیقه علی وتیسر

لی اداه فانی به تسترق فانگک رفق من سعتک التی لا تبید

ولا تغیض ابداً اقائه اذا قال ذلک صرف عنه صاحب الدین

وارديه اليه عنه الثانی عشر خواندن دعای تونتی حضرت امام

جواد علیه السلام بجهة اداء دین فوراً زهر بار و رسیدن نعمتهای

فی دریی دنیا از بخشش بسیار مجرب است و آن این است

اللهم انی اسئلک بحق ولیک محمد بن علی الا جدت به

علی من فضلک وتفضلت به علی من وسعک ووسعت علی

من رزقک واغنیتنی بحلالک عن حرامک وجعلت لی

الیک اخر ملاتک و قرائة الحادی عشر بجهة اداء دین این

دو رکعت نماز بغایت تسریع الاجابه است عن شئی ازش بگزرد

برخیزد و دو رکعت نماز کند در رکعت اولی بعد از حمد سوره ملک

در ثانی تنزیل السجده و بعد از فراغ بگو یا رب قد نامت العیون

دعا رب النجوم وانت الحی القیوم لا تاخذک سنة ولا نوم

لن یواری عنک لیل داج ولا ارض ذات مهاد ولا بحر

لجی ولا ظلمات بعضها فوق بعض یا صریخ الابرار وغیاث

المستغیثین برحمتک استغیث فصل علی محمد واله واقض

لی حاجة کذا و کذا و نام دین مذکور کن و تردد خائباً ولا محروماً

یا ارحم الراحمین العشرون فی الصحیفة السجادیه و کان

من دعائه علیه السلام فی المعونة علی قضاء الدین اللهم صل علی محمد واله

عبارت است از [illegible] تبارک

و هب لی العافیة من دین تخلق به وجهی و یحار فیه ذهنی
و یتشعب له فکری و یطول بممارسته شغلی و اعوذ بک یا رب
من هم الدین و فکره و شغل الدین و سهره فصل علی محمد و اله و اعذنی
منه و استجیر بک یا رب من ذلته فی الحیوة و من تبعته بعد الوفاة فصل
علی محمد و اله و اجرنی منه بوسع فاضل او کفاف واصل اللهم صل علی محمد
و اله و احجبنی عن السرف و الازدیاد و قومنی بالبذل و الاقتصاد و علمنی
حسن التقدیر و اقبضنی بلطفک عن التبذیر و اجر من اسباب الحلال
ارزاقی و وجه فی ابواب البر انفاقی و ازو عنی من المال ما یحدث لی
مخیلة او تادیا الی بغی او ما اتعقب منه طغیانا اللهم حبب الی صحبة الفقراء
و اعنی علی صحبتهم بحسن الصبر و ما زویت عنی من متاع الدنیا الفانیة
فاذخره لی فی خزائنک الباقیة و اجعل ما خولتنی من حطامها و عجلت لی
من متاعها بلغة الی جوارک و وصلة الی قربک و ذریعة الی جنتک

بیسر کاهی
رزقی
۲ تادیا به

انک

انک ذو الفضل العظیم و انت الجواد الکریم باب هشتم در بعضی
خواص مجرب و اسرار کلمات تامات که از جبرئیل امین
صادر شده ناد علیا مظهر العجائب تجده عونا لک فی النوائب
کل هم و غم سینجلی بولایتک یا علی یا علی یا علی و سبب نزول این
کلمات تامات آن بود که چون در غزای تبوک که در لشکر اسلام شکست شده
و حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و اله در میان کشتگان پنهان
گشت جبرئیل علیه السلام نزول نمود و این کلمات را اورد پس
حضرت رسول صلی الله علیه و اله از جبرئیل سؤال کرد که علی علیه السلام
بما تواند رسید عرض کرد که یا رسول الله پس حضرت شادمان گشت
فرمود کل هم و غم سینجلی بولایتک یا علی یا علی یا علی حضرت
امیر المؤمنین علیه السلام سوار اند و یکمرتبه حاضر شده اند و آن لشکر عمرا به
نمودند و بعضی را بقتل رسانیدند و بعضی منهزم شدند و لشکر

اسلام

السلام از الغاز عظیمت بسیار گرفته‌اند و در این کلمات
روایت اشهر روایتین آنست مظهر العجایب بفتح میم و ها
و بای تقریر یعنی چنین خواهد بود بخوان ای محمد علی را که او مظهر
عجایبها و غرایبها است و در روایت دیگر مظهر العجایب است
بضم میم و کسر ها و بای تقریر یعنی چنین خواهد بود بخوان ای محمد علی را
که او نماینده و اظهار کننده عجایب و غرایب است و در این کلمات
چهل خاصیت گفته شده اول آنکه اگر کسی در میان جمعی گرفتار
بجهه باشد و بلا رخ دهد در ماه هفت بار خاک بخواند و بر
ایشان بپاشد هیچ ضرری بوی نرسانند دویم اگر کسی را از دشمنان
خوف باشد و بر خواندن این کلمات مداومت نماید
هر روز بیست و هفت بار بخواند دشمنان او بروی مقهور
گردد سیم آنکه اگر کسی را سحر کرده باشند این کلمات را هفت بار

براب

بر آب هفت چاه بخواند و بدان آب غسل کند و قدری
از آن آب بخورد سحر باطل گردد چهارم اگر کسی را زهر داده
باشند این کلمات را بمشک و زعفران بر کاسه چینی بنویسند و بیست
و یک بار بخوانند و بوی دهند تا بخورد زهر بروی کارگر نباشد پنجم اگر
پنجم اگر کسی بیمار شده باشد و اطبای عالم از علاج او عاجز آمده هیجده بار
این کلمات را بر آب باران خوانده و بوی دهند تا بخورد شفا یابد
ششم اگر کسی را مهمی دشوار پیش آید یا المی بوی رسد هزار بار این
کلمات را بدان نیت بخواند غم او بشادی مبدل گردد هفتم اگر کسی را
غضب کرده باشند و آنکس متوهم باشد هفتاد و یک بار این کلمات را بخواند
آنکه در برابر آن شخص بزرگ رود و دوم سه بار دیگر بخواند و آهسته بر وجه
دمد بامر خدا خشم او مبدل گردد بلطف و مهربانی هشتم اگر کسی را
برسولی بجائی فرستند و این کلمات را سه بار آهسته در گوش

او خواند

او خواند البته رسالت او مقبول گردد نهم اگر کسی در اول ساعت
روز جمعه چهارده بار انیکمش ترا بخواند باهر کس سخن بگوید آن سخن محبت
او گردد دهم اگر کسی تهمتی گرفته باشد انیکمش ترا هر صباح
چهل بار بخواند در خود دهد تهمت از او دفع شود خلایق همه نیک
او سخن گویند یازدهم اگر کسی از بلای دفع بخواند قبل از نماز جمعه
بیست و پنج بار بخواند البته دفع شود دوازدهم اگر کسی از بهر
غنی شدن هر بامداد دوازده بار بخواند غنی و بی نیاز شود سیزدهم
از بهر زیادتی دولت و حشمت هر روز سی و یک بار بخواند حشمتش
کم نشود چهاردهم اگر کسی از بهر القای اعداء هر روز هفده بار
بخواند البته بر اعداء ظفر یابد پانزدهم اگر کسی از برای خوف
در وقت حاجت هیجده بار بخواند از چشم دشمنان محجوب
گردد شانزدهم اگر کسی از برای بسته شدن زبان اعداء

ده روز

ده روز هر روز ده بار بخواند زبان اعداء بر وی بسته گردد هفدهم اگر
کسی از برای تحصیل مرادات هر روز سی و چهار بار یا بیست و شش بار
بخواند مرادات او بر آید هیجدهم از برای شفای امراض هر روز بیست
و هفت بار بخواند شفا یابد نوزدهم از برای چشم زخم و عقد اللسان
سه روز هر روز بیست بار بخواند از خشم حاسدان و بدگویان ایمن
گردد بیستم از برای کشف گنج چهل روز هر روز چهل بار بخواند البته
بر وی ظاهر گردد اگر شبها در وقت خواب بخواند خواب بیند
آن مقام اسلام کفر باشد بیست و دوم از برای خواب دیدن حضرت
رسول صلی الله علیه و آله هر شب هفت بار بخواند آنجناب را خواب
بیند بیست و سیم از برای خلاصی محبوس هفت روز هر روز
شانزده بار بخواند البته خلاصی یابد بیست و چهارم از برای فتح
ابواب اقبال هر روز نیم نوبت بخواند ابواب اسرار

۲ دو زبان

بدر

بجوی شوکت ده گردد بیت و چهارم از برای برآمدن مهمات و اتمام

آن هر روز یازده نوبت بخواند مهمات حاصل گردد بیت و پنجم از برای

کشف اسرار غیوب هر روز شانزده مرتبه بخواند تا چهل روز علم لدنی بر وی

منکشف گردد بیت و ششم از برای قید دشمنان و دفع ایشان

هشت روز هر روز هفده بار بخواند البته دشمنان او فانی گردند بیت و هفتم

از برای محفوظ بودن از شر دشمنان بیست روز هر روز هیجده بار بخواند

و باید بر مقابل ایشان دمد البته از شر ایشان ایمن گردد بیت و هشتم

از برای تحصیل علوم بیست روز در وقت نماز پیشین هر روز هفده بار

بخواند یا هفتاد بار بخواند در حکمت و علوم بر وی او گشاده گردد بیت و نهم

از برای دولت هر روز شانزده نوبت بخواند البته دولت یابد

سی ام از برای فتح مداین پنج روز هر روز چهل بار بخواند البته فتح

آن شهرها نماید سی و یکم از برای رفع درجات و قبول سلاطین

کند

شش روز هر روز صد بار بخواند البته صاحب جاه و مقبول

القول گردد سی و دوم از برای زیادتی اقبال و مقصود حاصل شدن

شانزده روز هر روز سی نوبت بخواند صاحب عزت و دولت

گردد سی و سیم از برای عزت و شوکت هر روز ده بار بخواند صاحب

اقبال و عزیز گردد سی و چهارم از برای بغض و عداوت میان دو کس

بیست روز هر روز بیست نوبت بخواند میان ایشان عداوت

افتد سی و پنجم از برای انتقال دشمن از جای خود سی روز هر روز سی نوبت

بخواند البته دشمن او از آن مکان آواره گردد سی و ششم از برای

دفع اختلاف و عداوت میان جمعی بیست روز هر روز

سی نوبت بخواند البته عداوت از میان ایشان برخاسته

شود سی و هفتم از برای مقهور شدن اعداء و شکسته کار ایشان

پنج روز هر روز صد بار بخواند البته مقهور گردند و شکسته در کار ایشان

حاصل

قصه ایدی سی ذشتم از برای شجاعت هر روز بیست و پنج بار
بخواند البته صاحب دل و شجاع گردد سی و نهم از برای دل زمی
اعدا اششم روز هر روز صد بار بخواند البته دشمن با و مهربان گردد
چهلم اگر کسی از برای مکر و حیله و طغیان دشمن ده روز هر روز صد بار بخواند
دفع شود دشمنی ان و از شر ان دشمن محفوظ ماند بعون الله الملک العزیز
من قرء یا علی الی آخره الف مرة علی طهارة ثم تطلب حاجته
فانها تقضی بسرعة ایا ما کانت الحاجة و هر کس از برای هر مطلب شرعی
در شب یکشنبه در جای خلوت دوازده هزار مرتبه یا علی بگوید البته بمطلب
میرسد و بتجربه رسیده و از برای مطالب کلی و جزوی و انواع مهام عظیمه
دنیا ت از ذو دل و مهلکها از خواجه علیه الرحمه منقول است که شصت مرتبه
لفظ این بیت را بخواند بالتک ان مطالب و مهمات روا گردد و خواجه
فرموده بسیاری از اکابر باین بیت مداومت کرده و بمقصود خود رسیده اند

و در نسخه

و در نسخه علامه خط شده که در این نوشته بود از خط علامه [illegible]
نقل شده یا قاهر العدو و یا والی الولی یا مظهر العجایب یا مرتضی علی
باب هشتم در کیفیت ختم صلوات و فتح است بدانکه از جمله
مجربات که تخلف ندارد و از برای قضای حوائج کثیر التاثیر است ختم
صلوات است و آنچه رسوم است اول طریقه آنست چنانکه
از استادان و مشایخ و صلحا رسیده باین نحو است که نیت کند و در دل
بگذراند یا بزبان بیاورد خداوندا اگر فلان حاجت من یا فلان روز
بعمل بیاید و من یا فلان وقت بمطلب و مقصود خود فایز شوم
نذر کردم که چهارده مرتبه یا هزار و چهار صد مرتبه یا چهارده صد است
یا چهارده هزار مرتبه صلوات بر محمد و آل محمد بفرستم و ثواب او را
هدیه کنم بامام و سید خود باب الحوائج امام هفتم جناب
امام موسی کاظم علیه السلام یا آنکه بگوید اگر حاجت من یا فلان وقت

بعمل

یعنی تا ده روز یا یک روز یا یک ماه یا یک هفته یا تا چهل روز یا تا
چهار ماه یا تا یک سال برای به مقصود رسیدن یا فلان بیمار یا فلان
روز صحت یابد من نذر کردم هزار و چهار صد مرتبه یا چهارده
هزار مرتبه یا چهارده مرتبه بگویم اللهم صلّ علی محمد و آل محمد و ثواب
آن را هدیه کنم بجناب امام موسی کاظم علیه السلام و این ختم از برای شفا یافتن
بیماران حکم کیمیای احمر دارد پس اگر انشاء الله تعالی خداوند عالم
حاجت او را قضا کرد و آن بیمار شفا یافت آن وعده و نذر
معین را وفا کند زیرا که وفا بعهد و نذر واجب است و تارک آن ملعون
دائم است نوع دوم از طریقه ختم صلوات اینست
از برای قضاء حاجت و دفع بلیات و تخلص از مکاره و کدورت
و رسیدن بمقاصد و مطالب چهارده هزار صلوات بفرستد و هر
هزار صلوات را که تمام میکند از برای روح یکی از چهارده معصومین هدیه

و قربت میکند هزار اول را بروح جناب پیغمبر صلی الله علیه و آله و هزار
دوم را بروح جناب امیر المؤمنین علیه السلام و هزار سیم را بروح جناب فاطمه
علیها السلام و هزار چهارم را بروح جناب امام حسن علیه السلام و همچنین
تا صاحب الامر علیه السلام و در اثنای ختم یا در همان هفته بعد از اتمام
ختم آن حاجت بر آورده میشود و جناب اقدس الهی مطلب را درست میکند
نوع سیوم منقول است از برای هر مطلبی و هر حاجتی از حوائج اگر حاجت
باشد قضاء از اصحاب حاجت باید هر روز هزار مرتبه صلوات
بر محمد و آل محمد بفرستد تا یکماه متوالی و چون مدت تمام شود مطلب هم
انشاء الله تعالی بر آورده است نوع چهارم از برای قضاء حوائج عظام
و انجاح مهام و اداء دین از جمله مجربات است باید از شب جمعه ابتداء
کند تا یک هفته و در هر شب در نصف شب که خواب رود باید شب اول
غسل کند و ساتر شب طاهر و نیت شب اول بگوید اللهم صل علی محمد

از مطالب ج

والِ محمد شب شنبه اللهم صلّ علی امیر المؤمنین شب یکشنبه اللهم
صلّ علی فاطمة شب دوشنبه اللهم صلّ علی الحسن شب سه‌شنبه اللهم
صلّ علی الحسین شب چهارشنبه اللهم صلّ علی علی ابن الحسین
شب پنجشنبه اللهم صلّ علی محمد ابن علی شب جمعه دویم اللهم صلّ
علی جعفر ابن محمد شب شنبه دویم اللهم صلّ علی موسی ابن جعفر شب یکشنبه
دویم اللهم صلّ علی علی ابن موسی شب دوشنبه دویم اللهم صلّ علی محمد
ابن علی شب سه‌شنبه دویم اللهم صلّ علی علی ابن محمد شب چهارشنبه
دویم اللهم صلّ علی حسن ابن علی شب پنجشنبه دویم اللهم صلّ
علی حجة ابن الحسن شب جمعه سیم اللهم صلّ علی العباس الشهید
و بدانکه ختم سورهٔ فتح از مشایخ و اولیا منقول است در ختم کردن
سورهٔ فتح در جمیع مهمات مجرب است و استفتاح این عمل در ماه رجب
و شعبان و رمضان بهتر باشد چون خواهد این عمل بجای آورد

اول غسل کند و سه دعوت در سورهٔ مبارکه فتح وضع کرده اند
کبری و وسطی و صغری دعوت کبری نسبت چهل و یک روز
هر روز چهل و یک نوبت بخواند روز اول و دهم و بیستم و سی‌ام و چهلم
و چهل و یکم بروزه باشد و غسل کند و افطار بشیرینی نماید و تصدق بدرویشان
بدهد مقصود حاصل شده باشد انشاء الله تعالی و دعوت وسطی است در روز شنبه
استفتاح کند و یک نوبت بخواند و در روز دویم دو بار و همچنین هر روز
یک بار زیاده کند تا چهل و یک روز روز چهل و یکم چهل و یک بار بخواند و همچنین
بطریقی که در دعوت مذکور شد روزه بدارد و اکثر مشایخ بدین
دعوت مداومت نموده اند و دعوت صغری نسبت روز
شنبه استفتاح کند و پنج نوبت بخواند و در روز یکشنبه پنج نوبت
بخواند و همچنین هر روز پنج نوبت بخواند تا روز جمعه و روز جمعه
یازده مرتبه بخواند چنانچه یک هفته چهل و یک نوبت تمام شود

ما کبیر صح

واین دعوت پسندیده است و آسان است و هر نوبت
در روز یا قبح بخوانند یکنوبت اذا جاء نصر الله بخوانند و بعد از آن این دعا
بخوانند یا من اذا تضایقت الامور تفتح لها بابا لا تصل الیه الاوهام
ضاقت علی اموری فافتح لی بابا لا تصل الیه الوهم انت علی کل
شیء قدیر و بالاجابة جدیر و صلی الله علی خیر خلقه محمد و آله اجمعین
بدانکه این اشعار حضرت امیر المؤمنین علیه السلام که بجهة اکثر مطلب عمده
خواندن آن تا هفت روز هر روز هفت مرتبه تأثیر عجیبی دارد
و بعضی علما در تصانیف خود از برای بیعت اثر این اشعار برکه
نقلهای عجیبه و غریبه ایراد کرده اند در ذکر همه موجب تطویل
این رساله مختصر میشود از آنجمله شخصی گوهری از پادشاه در پیش او
شکسته بود و از خوف اضطراب گشته در دیشب او
می گوید این شش بیت را بخوان بصدق و اخلاص چنین

مراد دست نمود مقارن این خبری از پادشاه را عارضه
بهم رسیده بواسطه تداوی آن امر شکستن این گوهر نمود و آن
مضطرب حال از این بلیه خلاصی یافت بدوان اشعار این است
و کم لله من لطف خفی یدق خفاه عن فهم الذکی و کم امر
تسآء به صباحا و تاتیک المسرة بالعشی و کم یسر اتی من
بعد عسر و فرج کربة القلب الشجی اذا ضاقت بک الاحوال
یوما فثق بالواحد الفرد العلی توسل بالنبی فکل خطب
یهون اذا توسل بالنبی و لا تجزع اذا ما ناب خطب
فکم لله من لطف خفی خاتمه در آداب دعا و شرایط آن است
بدانکه از برای دعا آداب و شرایط بسیار است از آنجمله طهارت
و خود را خوشبو کردن و رفتن بسوی مسجد و صدقه دادن و استقبال
قبله و اعتقاد داشتن باینکه خداوند قادر است بر اجابت کردن او

و حسن ظن بخداوند در تعجیل اجابت او و توجه کردن بقلب
و آنکه سؤال نکنند حرامی را و نه قطع رحمی را و نه چیزی را که باعث
قطع حقی و تو را ادب بعجله نباشد و سزاوار است از برای داعی
پاک کردن شکم خود را از حرام بسبب روزه داشتن و تکبیر و توبه و دور
کردن و الحاح کردن در دعا از حضرت باقر علیه السلام مرویست
که الحاح نمیکند بنده مؤمن بر خداوند در حاجتی مگر آنکه برمی آورد حاجت او را
و بدانکه کسانی که دعای ایشان مستجاب نمیشود کسانی هستند که در خانه
نشینند و در بر خود می بندند و میگویند یا رب ارزقنی و کسانی که خداوند
خورد القلب قوت دهد و کسانیکه تبعه ظالمین و آکل حرام
و ظلمه بوده باشند هم چنانکه همه اینها از اخبار ائمه اطهار فهمیده
میشود روزی یکی از ائمه گذشت بر بازار مکه پس جمع شدند
مردم بر او و عرض کردند یا ابن رسول الله چه باعث است

ما میخوانیم خداوند را و دعای ما مستجاب نمیشود و حال آنکه
خداوند می فرماید ادعونی استجب لکم پس آن بزرگوار جواب دادند
فرمودند که دلهای شما در هشت چیز خیانت کرده است اول آنکه شناسید
خداوند را و اطاعت نمیکنید او را دوم آنکه میخوانید قرآن را
و عمل نمیکنید باو سیم آنکه ادعا میکنید محبت رسول خدا را
و جفای آنکه دشمنی میکنید اهل بیت او را چهارم ادعا میکنید عداوت
شیطان را و متابعت میکنید او را پنجم ادعا میکنید
محبت بهشت را پس عملی نمیکنید از برای آن ششم ادعا میکنید
ترسیدن از جهنم را و جفای آنکه بدنهای خود را در آن می اندازید
هفتم مشغول میشوید بعیوب مردم و نظر نمیکنید بعیوب نفسهای
خود هشتم ادعا میکنید بغض دنیا را و جمع میکنید اموال دنیا را
نهم اقرار میکنید بموت و جفای آنکه مهیا نمیشوید از

از برای آن دسته که دفن میکنند مردهای خود را پس
عبرت نمیگیرند پس از این جهت است مستجاب نمیشود دعای
شما و از حضرت امیر علیه السلام مرویست که هر کس آشامیدنی
از مال حرام بپوشد قبول نمیشود نماز او تا آنکه بیرون آرد از خود
کند بدرستیکه خداوند کریمتر و بزرگوارتر است از آنکه
قبول کند عمل مردی را و حال آنکه بر او باشد پیراهنی از مال
حرام و قال الصادق علیه السلام ردّ دانق حرام یعدل عند الله
سبعین حجّة مبرورة والمتحمّل لمظالم العباد و تبعات المخلوقین
مردود الدعاء و بدانکه خداوند عالم میفرماید انّما یتقبّل الله
من المتّقین و حصر فرموده قبول کردن عبادات و دعا را در تقوی
و تقوی عبارتست از اجتناب اکل حرام و شبهه و اجتناب
از کبائر پس اکثری از دعاها مستجاب نمیشود بجهت آنست

یا نماز او و ص

صاحب آداب و شروط است تمت الختوم والدرر

الصحیحة المجرّبة المسمّاة باللئالی المخزونة فی لیلة الخمیس من شهر
محرّم الحرام فی سنة ۱۳۰۰ الف و ثلثمائة بعد الالف
من الهجرة النبویّة کتبه احمد ابن
محمد علی القراجه داغی
الانصاری

دوازده امام از جناب شیخ اکبر محیی الدین اعرابی

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين حمداً أزلياً بأبديته وأبدياً بأزليته سرمدياً

بإطلاقه تتجلى في مرايا آفاقه حمداً يدوم بدوام الدهر الداهر صلوات الله

وملائكته وحملة عرشه وجميع خلقه من أرضه وسمائه على سيدنا ونبينا

أصل الجود وعين الشهود الأول الأوائل والأول الأواخر

ومبدأ الأنوار الأزلي ومنتهى العروج الكمالي غاية النهايات المتعين بالتعينات

أب الأكوان الفاعلية وأم الإمكان القابلية المشتمل على الأعلى هيولى العوالم

الغير المتناهي روح الأرواح ونور الأشباح فالق الإصباح دافع ظلمة

الرتب محمد التسعة والتسعين رحمة للعالمين سيدنا في الوجود صاحب

لواء الحمد والمقام المحمود المبرقع بالعماء حبيب الله محمد المصطفى صلى الله عليه وآله وسلم

وعلى سر الأسرار مشرق الأنوار المهندس في الغيوب

در امام امیر المؤمنین علیه السلام

اللاهوتية

اللاهوتية السياح في الفيافي الجبروتية المصور للهيولى الملكوتية الوالي

للولاية الناسوتية أنموذج الواقع وشخص الإطلاق المنطبع في مرايا الأنفس

والآفاق سر الأنبياء والمرسلين سيد الأوصياء والصديقين صورة

الأمانة الإلهية مادة العلوم الغير المتناهية الظاهر بالبرهان الباطن بالقدرة والشأن

بسملة كتاب الموجود فاتحة مصحف الوجود حقيقة النقطة البائية المتحقق

بالمراتب الإنسانية حيدر آجام الإبداع الكرار في معارك الاختراع السر

الجلي والنجم الثاقب إمام الأئمة علي بن أبي طالب عليه الصلوة والسلام

وعلى الجوهرة القدسية في تعين الإنسية صورة النفس

الكلية جوالة العوالم العقلية بضعة الحقيقة النبوية مطلع الأنوار

العلوية عين عيون الأسرار الفاطمية الناجية المنجية محبيها عن النار ثمرة شجرة اليقين

سيدة نساء العالمين المعروفة بالقدر المجهولة بالقبر قرة عين الرسول

الزهراء البتول عليها الصلوة والسلام - وعلى الثاني من شرط الله آله

در امام حسن علیه السلام

الذي به

الا آنه ریحانة محمد رسول الله رابع الخمسة العبائیة عارف الاسرار العمائیة
موضع سر الرسالة هادی کلیات الاصول حافظ الدین وعیبة العلم
ومعدن القضایا وباب السلام کهف المعارف وعین الشهود
روح المراتب وقلب الوجود فهرست العلوم اللدنی لؤلؤ صدف آیات
من النور اللامع من شجرة الایمن جامع الکمالین ابی محمد الحسن علیه الصلوة والسلام
وعلی المتوحد بالهمة العلیا المتوسل بالشهود والرضا
مرکز عالم الجبروت سر الواحد والموجود شخص العرفان عین العیان نور الله
ودرة الدائم المتحقق بالکمال الاعظم نقطة دائرة الازل والابد المتشخص بالف
الاحد فاتحة کتاب الشهادة والی ولایة السیادة الاحدیة جمع الجموع
الحقیقیة الکلیة الشهودیة کهف الامامة صاحب العلامة کفیل الدین
الوارث لخصوصیات سید المرسلین الخارج عن محیط الدین والوجود ان
العین لغز الاثنا مضمون الابد مذوق الاذواق ومشوق الاشواق

مطلب

(حاشیه: السلم خ ل — الموجود خ ل — المستحق خ ل — فهرس خ ل — وسر الله عز اسمه — المشهودیة خ ل — علی اللدنی وان العاشق خ ل)

مطلب المحبین بقصة العشاق المقدس عن الشین ابی عبد الله الحسین
صلوات الله وسلامه علیه وعلی آدم اهل البیت المنزه
عن کیت وکیت روح جسد الامامة شمس فلک الشهامة مضمون
کتاب الابداع حاء تعمیة الاختراع سر الله فی الوجود انسان عین الشهود
خازن کنوز الغیب مطلع نور الایمان کاشف ستور العرفان الحجة
القاطعة والدرة اللامعة ثمرة شجرة الطوبی القدسیة ازل الغیب وابد الشهادة
السر الالهی فی ستر العبائیة وتد الاوتاد زین العباد امام العالمین ومجمع البحرین
علی ابن الحسین صلوات الله وسلامه علیه مولانا محمد ابن علی صلوات الله وسلامه علیه
وعلی باقر العلوم شخص العلم والمعلوم ناطقة الوجود نسخة الموجود ضرغام
آجام المعارف المنکشف لکل کاشف الحیوة الساریة فی المجاری
النور المنبسط علی الذراری حافظ معارج الثقلین وارث علوم المرسلین
حقیقة الحقائق الظهوریة دقیقة الدقائق النوریة العلات

الجاریة

(حاشیه: علی کیت وکیت خ ل — المنزه عن الریب خ)

الجارية في اللجج الغامرة المحيط علمه بالزبر الغابرة النبأ العظيم الصراط
المستقيم المستند لكل ولي محمد ابن علي عليه الصلوة والسلام
لمقتنا مطلع شمس الابد جعفر بن محمد عليه السلام وعلى استاد اولي العلم وسيد سند خود
الوجود مرتقى المعارج ومنتهى الصعود البحر المواج اللآلي والسراج الوهاج
الابدي ناقد خزائن المعارف والعلوم مجدد العهود ونهاية المفهوم عالم
تعليم الاسماء دليل طرق السماء الكون الجامع الحقيقي والعروة الوثقى
الوثيقي برزخ البرازخ وجامع الاضداد لدولته بالهداية والارشاد
المستمع للقرآن من قائله الكاشف لاسراره وسائله مطلع شمس الابد
جعفر ابن محمد عليه صلوات الله الملك الاحد لمولانا نور الانوار موسى
ابن جعفر صلوات الله وسلامه عليه وعلى شجرة الطور والكتاب المسطور والبيت
المعمور والسر المستور وآية النور كليم ايمن الامامة منشأ الشرف والكرامة
نور مصباح الارواح في زجاجة الاشباح ماء التخمير الاربعين

غاية

غاية المعراج اليقيني اكسير فلزات العرفاء ومعيار نقود الاصفياء
مركز الائمة العلوية محور الفلك المصطفوية الآمر للصور والاشكال
بقبول الاصطبار والانتقال النور الانور موسى ابن جعفر صلوات الله عليه
العلي الاكبر لمقتنا بدر الدجى علي ابن موسى الرضا عليه السلام وعلى السر
الالهي المرآة للحقايق كماهي النور اللاهوتي والانسان الجبروتي والاصل
الملكوتي والعالم الناسوتي مصداق العلم المطلق والشاهد الغيبي الحق
روح الارواح حيوة الاشباح هندسة الوجود السيار في نشئات
الوجود كهف النفوس القدسية غوث الاقطاب الانسية الحجة
القاطعة الربانية محقق الحقايق الامكانية ازل الازليات وابد الابديات
الكنز الغيبي والكتاب اللاريبي قرآن المجملات الاحدية فرقان
المفصلات الواحدية امام الورى بدر الدجى علي ابن موسى الرضا عليه
وعلى آبائه واولاده الصلوة والثناء لسيدنا غاية ظهور الايجاد محمد ابن علي الجواد
عليه السلام وعلى باب الله المفتوح وكتابه المشروح ماهية الماهيات
مطلق المقيدات وسر الذرات الموجود وظل المحدود المنطبع
في مرآة العرفان المنقطع من نيله حبل الوجدان غواص بحر القدم

المربانية

محيط

محيط الفضل والكرم هادي سبل الرشاد مهندس الارواح والعقول
اديب معلمة الاسماء والشؤون قهرمان الكاف والنون وغاية الظهور
للاسرار محمد ابن علي الجواد عليه الصلوة والسلام مولانا وسيدنا اعلام
محمد صلوات الله وسلامه عليه وعلى الداعي الى الحق امين الله على الخلق
لسان الصدق وباب الله صاحب المعارف وعين ينبوع العلم
منجي ارباب المعاودات منقذ اصحاب الضلالات والبدعات
عين الابداع انموذج صاحب الاختراع مهجة الكونين محجة الثقلين
مفتاح خزائن الوجوب حافظ مكامن الغيوب طيار جو الادراك
والادب علي ابن محمد صلوات الله وسلامه عليه مولانا مطلع النور المصطفوي
الحسن ابن علي العسكري عليه السلام وعلى البحر الزاخر وزين المفاخر الشاهد
للارباب الشهود والحجة على ذوي الجحود معرف حدود الحقائق
الربانية منبع انجاس العوالم السبحانية عنقاء قاف القدم
القائم مرقاة الهمم وعاء الامانة محيط الدائرة مطلع التنور
المصطفوي الحسن ابن علي العسكري عليه صلوات الله الملك الاكبر

مولانا

مولانا وسيدنا ناظم ناظم السر والعلن ابي القاسم محمد ابن الحسن عليه الصلوة والسلام
وعلى السرائر الغيبية ونفس الارواح القدسية معراج العقول مرتضى الله [illegible]
قطب رحى الوجود مركز دائرة الشهود كمال النشأة ومنشئ الكمال
جمال الجمع ومجمع الجمال الوجه المعلوم والعلم الموجود المستتر بنحوه
النائت في الولد المحمدي للمرآت المصطفوية المتحقق بالاسرار المرتضوية
المترشح بالانوار الالهية المربى بالاستار الربوبية فاض الحقائق بالوجود
قام الدقائق بالشهود الاسم الاعظم الالهي الحاوي للنشآت
الغير المتناهي غواص اليم الرحمانية سلك الاكاليل الرحيمية طور تجلي
اللاهوتية نار شجرة الناسوتية ناموس الله الاكبر غاية البشر مولى الزمان
الذي هو الحق الان ناظم ناظم السر والعلن ابي القاسم محمد ابن الحسن
عليه الصلوة والسلام اللهم اني اشهدك اني مولاها هي بيت الرسالة
ومختلف الملائكة ومهبط الوحي وخزان العلم ومنتهى الحكمة ومعادن
الرحمة واصحاب الكرم وقادة الامم ومقر الاسرار ودعائم الاخيار
وابواب الايمان واصفياء الرحمن وسلالة خيرة النبيين وخلاصة
عترة صفوة المرسلين صلوات الله وسلامه عليهم اجمعين

والالهية

الى الواقع

حرره احمد القرابه داغ الافشاري ٢٤ شهر جمادى سنة ١٣٠١

بسم الله الرحمن الرحيم   اصطلاحات شيخ محيي الدين   الحمد لله رب العالمين وصلى الله على سيدنا محمد وآله وسلم

[illegible] شيخ الطريق محيي الدين ابي عبد الله
محمد بن علي بن محمد بن العربي الحاتمي الطائي   الوقت عبارة عما انت عليه في زمان الحال ومن عز لطف
الى الماضي والمستقبل المقام عبارة عن استيفاء حقوق المراسم على التمام الحال ما يرد القلب وكذلك به مدام
النعت ويطلق وكلاهما القبض حال الخوف في الوقت وقيل وارد يرد على القلب لموجبه اشارة الى عتاب
وتاديب وقيل اخذ وارد الوقت البسط هو عندنا من يسع الاشياء ولا يسعه شيء وقيل هو حال الرجاء
وقيل هو وارد لموجبه اشارة الى القبول والرحمة والانس الهيبة اثر مشاهدة جلال الله في القلب وقد
يكون عن الجمال الذي هو جمال الجلال الانس اثر مشاهدة جمال الحضرة الالهية في القلب وهو جمال الجلال
التواجد استدعاء الوجد وقيل اظهار حالة الوجد من غير وجد الوجد ما يصادف القلب من الاحوال
المغيبة له عن شهوده الوجود وجدان الحق في الوجد الجلال نعوت القهر من الحضرة الالهية الجمال
نعوت الرحمة والالطاف من الحضرة الالهية الجمع اشارة الى حق بلا خلق جمع الجمع الاستهلاك
بالكلية في الله الفرق اشارة الى خلق بلا حق وقيل مشاهدة العبودية البقاء رؤية العبد قيام الله
على ذلك الغيبة غيبة القلب عن علم ما يجري من احوال الخلق لشغل الحس بما ورد عليه الحضور
حضور القلب بالحق عند غيبته الصحو رجوع الى الاحساس بعد الغيبة بوارد قوي السكر غيبة بوارد قوي
الذوق اول مبادي التجليات الالهية الشرب اوسط التجليات الري غايتها في كل مقام المحو
رفع اوصاف العادة وقيل ازالة العلة وقيل ما ستره الحق ونفاه الاثبات اقامة احكام العبادة و
قيل اثبات المواصلات القرب القيام بالطاعة وقد يطلق القرب على حقيقة قاب قوسين البعد الاقامة
على المخالفات وقد يكون البعد منك ويختلف باختلاف الاحوال فيدل على ما يراد به قرائن الاحوال
وكذلك القرب الشريعة الرسوم العبودية ببينة الفصل الحقيقة سلب آثار اوصافك عنك
باوصافه بانه الفاعل بك فيك منك لا انت ما من دابة الا هو آخذ بناصيتها النفس روح يسلطه الله
على نار القلب ليطفي شررها الخاطر ما يرد على القلب والضمير من الخطاب ربانيا كان او ملكيا او نفسيا
او شيطانيا من غير اقامة وقد يكون لكل وارد لا تعمل لك فيه علم اليقين ما اعطاه الدليل عين اليقين
ما اعطته المشاهدة والكشف حق اليقين ما حصل من العلم بما اريد له ذلك المشهود الوارد ما يرد
على القلب من الخواطر المحمودة من غير تعمل ويطلق بازاء كل ما يرد من كل اسم على القلب الشاهد
ما تعطيه المشاهدة من الاثر في قلب المشاهد فذلك هو الشاهد وهو على حقيقة ما انضبط في القلب من صورة
المشهود النفس ما كان معلولا من اوصاف العبد الروح يطلق بازاء الملقى الى القلب علم

علم الغيب على وجه مخصوص السر
يقال سر العلم بازاء حقيقة العالم به وسر الحال بازاء معرفة مراد الله فيه الوله افراط الوجد
الوقفة الحبس بين المقامين [illegible] الفترة خمود نار البداية المحرقة التجلي ما ينكشف للقلوب من انوار الغيوب
التخلي اختيار الخلوة والاعراض عن كل ما يشغل عن الحق التحلي التشبه بالحبيب [illegible]
المحادثة خطاب الحق للعارفين من عالم الملك والشهادة كالنداء من الشجرة [illegible]
[illegible] اللوائح [illegible] اللوامع [illegible] الطوالع انوار التوحيد تطلع على قلوب اهل المعرفة فتطمس سائر الانوار
البوادة ما يفجأ القلب من الغيب على سبيل الوهلة [illegible] الهجوم ما يرد على القلب بقوة الوقت من غير تصنع منك
التلوين تنقل العبد في احواله [illegible] التمكين عندنا هو التمكن في التلوين [illegible]
[illegible] المريد [illegible] المراد [illegible]
[illegible] التجريد [illegible] التفريد [illegible]
[illegible] الرياضة رياضة الادب وهو الخروج عن طبع النفس ورياضة الطلب [illegible]
المجاهدة حمل النفس على المشاق البدنية ومخالفة الهوى على كل حال [illegible]
[illegible]

الرهبة رهبة الظاهر لتحقق الوعيد ورهبة الباطن لتقلب العلم ورهبة لتحقيق امر السبق . المكر ارداف النعم
مع المخالفة وابقاء الحال مع سوء الادب واظهار الآيات والكرامات من غير امر ولا حد . الاصطلام
نعت وله يرد على القلب فيسكن تحت سلطانه . الغربة تطلق بازاء مفارقة الوطن في طلب المقصود ويقال غربة
عن الحال من الدهش عن المعرفة الهمة تطلق بازاء تجريد القلب للمنى وتطلق بازاء صدق المريد وتطلق بازاء
جمع الهم لصفاء الالهام الغيرة غيرة في الحق لتعدي الحدود وغيرة تطلق بازاء كتمان الاسرار والسرائر وغيرة
الحق ظنته على اوليائه وهم الضنائن الحرية اقامة حقوق العبودية لله تعالى فهو حر عما سوى الله المطالعة
توقيعات الحق للعارفين ابتداء عن سؤال منهم فيما يرجع الى حوادث الكون الفتوح فتوح العبادة في الظاهر
وفتوح الحلاوة في الباطن وفتوح المكاشفة الانزعاج انتباه القلب من سنة الغفلة الوحشة الانس والوجد
الادب ادراك الغاية الادب اربعة انواع ادب الشريعة وادب الخدمة وادب الحق وادب الحقيقة وهو
جامع لكل خير منها الاسم الحاكم على حال العبد في الوقت من الاسماء الالهية على الحكم اظهر على تحقق حقيقته
بعد ذلك الانبساط في الاداء الرسم نعت يجري في الابد بما جرى في الازل الزوائد زيادات الايمان بالغيب
واليقين الحصر يعبر به عن البسط والباس يعبر به عن القبض القطب هو واحد الزمان الذي ينظر الله اليه
في العالم وكل من هو على قلب اسرافيل فهو القطب الغوث هو واحد الزمان بعينه الا انه اذا كان الوقت
يعطي الالتجاء اليه الامامان شخصان كالوزيرين للقطب الواحد نظره في الملكوت والآخر نظره في عالم
الملك النجباء هم المشغولون بحمل اثقال الخلق فلا يتصرفون الا في حق الغير ولكل من هو على قلب ... فهو نجيب
النقباء كل من استخرج خبايا النفوس وما ضمره في الحركات الجهول فهو نقيب البدلاء كل من هو على قلب ابراهيم
وهو الذي ... بدلاء على علم من حيث ... الطريق ... بدل المذموم بالمحمود من نعته الاوتاد اربعة اشخاص لهم
الاربعة الاركان من الكيفية الوجد يحفظ الغرب والآخر الشرق والثالث الجنوب والرابع الشمال الحق المخلوق به
هو العقل الاول وهو الامام المبين العدل هو السر الازرق مرتب السموات والارض وما بينهما الافراد
الخارجون عن دائرة القطب والخضر منهم الامناء هم الملامتية وهم الذين لهم غيرهم على اسرارهم وهم على
هذه الائمة الواقفة هو ... على القلب من ذلك العلم بالطريق ... فهو عطاء ... امثال العقاب هو الهباء
الذي فتح الله فيه اجساد العالم الورقاء النفس الكلية وهو اللوح المحفوظ العقاب القلم وهو العقل
الاول الغراب الجسم الكلي الشجرة الانسان الكامل الشجرة تعرفه ... العنقاء الدرة البيضاء
العقل الاول الزبرجدة النفس الكلية ... الهباء الحرف اللغوي وهو ما في ... الحق من
العبارات ... عند نزول الغيب ... معراج المقربين التدلي

التدلي نزول المقربين ويطلق بازاء نزول الحق اليهم عند التداني الترقي التنقل في الاحوال والمقامات
والمعارف التلقي اخذك ما يرد عليك من الحق التولي رجوعك اليه منه الخوف
ما يحذر من المكروه في المستانف الرجاء الطمع الرغبة ... الضعف الغناء عنه ... الرباني

[illegible]

احدیة لکن شئ الاشارة یکون مع القرب مع حضور الغیر ویکون مع البعد
الغیب لکن بإشارة الحق عنک بک لانه عالم الاول وجه عن الحق من غیر
سبب والطریق بإزاء الملکوت عالم الخلق وجه عن سبب الطریق الیه بإزاء
عالم الشهادة الملامتیة هم الرجال المحققون والنوع وهم الذین لا یظهر علی
ظواهرهم مما فی بواطنهم اثر البتة وهم اعلی الطائفة وتلامذتهم یتقلبون فی اطوار
الرجولیة العارف والمعرفة من اشهده الرب نفسه فظهرت علیه الاحوال
الاحوال والمعرفة حاله العالم والعلم من اشهده الربوبیة وذاته ولم یظهر
علیه حال والعلم حاله الحق لا رجوع علی العبد من جانب انه وما اوجبه الحق
علی نفسه الباطل هو العدم الکون لغیر وجهه الیقظة الفهم عن الله فی زجره
المهاجر فقر المخاطر الدفق ثم یکون لارادته ثم لا عزم ثم قصد ثم نیة التصوف
الوقوف مع الآداب الشرعیة ظاهرا وباطنا وهی الخلق الالهیة وقد یقال
بإزاء مکارم الاخلاق وتجنب سفسافها الثیع الاتصاف بالاخلاق الالهیة
وعن الاتصاف بالاخلاق العبودیة وهو الصحیح لانه اتم والاذکی الطریق علیه
عن سر الله الحق بالمشروعة التی لا رخصة فیها الستر الستر ما انفرد به الحق عن العبد
انتهی الجزء تم تم حرره احمد ابن محمد علی [illegible] الانصاری

۹ دیگر از آن دعا [illegible]
بخوانند برای [illegible] عذاب قبر
دیگر غفران مراد است [illegible]
[illegible] دوله [illegible]
[illegible] و مراد است
[illegible]

از کتاب دعای میر محمد باقر داماد حسینی

روش ختم سورهٔ یس باید که در هر یک هفته تمام کند بیست و یک
نوبت را که هر روز سه نوبت بخواند و سه نوبت را که تمام
کرد دعای یا من تحل به عقد المکاره که در صحیفهٔ مبارکه است بخواند
و اگر تواند در یک روز بیست و یک نوبت را بخواند و ختم را تمام
کند و در آخر دعای مذکور را بخواند و برای هر مطلب که باشد
عدد دلیلی است اما اگر مطلب فرج و وسعت رزق است
روز پنجشنبه شروع کند اگر در یک هفته بخواند و اگر در یک روز
بخواند در روز پنجشنبه بخواند و برای دفع دشمن سه شنبه و برای
عزت و رفعت روز یکشنبه و برای علوم عقلیه و نقلیه شنبه و برای
علوم حساب و ریاضیات چهارشنبه و برای کدخدایی و تسخیر
زنان که بخواهد زن کند روز جمعه و برای سفر روز دوشنبه والله اعلم

طریقه ختم احزاب روایت است از ابن عباس که گفت هر که را
حاجتی باشد تلاوت کلام الله کند که در هر هفت روز ختم کند
بر این ترتیب که روز جمعه از اول قرآن تا آخر سورهٔ مائده بخواند و در روز
شنبه از سورهٔ انعام تا آخر سورهٔ توبه و روز یکشنبه از سورهٔ یونس
تا آخر سورهٔ مریم و روز دوشنبه از سورهٔ طه تا آخر سورهٔ قصص و روز
سه شنبه از سورهٔ عنکبوت تا آخر سورهٔ ص و روز چهارشنبه از سورهٔ
تنزیل تا آخر سورهٔ الرحمن و روز پنجشنبه از سورهٔ واقعه تا آخر قرآن بخواند
بشود از رقم تلاوت بگذشته باشد که ختم تمام الهی مراد او حاصل شده

شرح دعای بزرگوار جناب امام محمد باقر علیه السلام

در کتاب جمال الاسبوع سید ابن طاوس بسند معتبر
روایت نموده از محمد بن علی جد شیخ بهائی که گفت خبر داد
مرا سید عبد العزیز ابن احمد الحسینی و او از اجداد خود شان
و ایشان از جناب محمد باقر علیه السلام روایت نموده‌اند که این دعا را
مداومت کند خدای تعالی جمیع گناهان او را عفو فرماید
و عذاب قبر ان بنده را نباشد و جناب اقدس الهی
دری از درهای بهشت بر قبر ان بنده میگشاید که هر روز
هزار حور العین بزیارت ان بنده می آیند حضرت فرمودند
اگر مردم بدانند انچه ما میدانیم از عظمت شان این دعا
و سرعت اجابت حقتعالی را هر اینه شب و روز الی یوم النشور
دست از این دعا بر نمیدارند و هر که این دعا را با خود دارد

همیشه

همیشه در میان مردم سرخ روی و عزیز و مکرم باشد
و هیچ سحر و جادو بر وی کارگر نباشد و در سفر و حضر در حفظ
باری تعالی گردد و در جنگ تیغ و اسلحه بر وی کار نماید
و ایمان بصحت و سلامت ببرد و در انخانه که این دعا
باشد خیر و برکت پیدا شود و از نظر بدگمان و حاسدان
ایمن گردد حضرت فرمودند اگر مردم بدانند عظمت
جلیل این دعا را دست از همه شغل بر میدارند و این دعا را
اوراد خود میسازند و اگر نتواند بخواند بنویسد بر بازوی خود
ببندد باز همان تاثیر میکند و اگر خواهی که دفع دشمن کنی
باید غسل کنی و شصت بار این دعا را بخوانی و بر خود دمی
که حیله دشمن بر تو کارگر نشود و بزودی مغلوب گردد
و اگر کسی بسیار مریض بوده باشد این دعا را بر کاسه چینی

بنویسد

بنویسند و آبش را بدان مریض بدهند فی الحال صحت یابد

دعای حضرت [و شرح آنچه عالی بسیار است مخصوص] امام محمد باقر ع

بسم الله الرحمن الرحیم حسبنا الله ونعم الوکیل نعم
المولی ونعم النصیر ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم
لا اله الا الله وحده لا شریک له محمد رسول الله و علی ولی الله
السید الصادق الکریم اللهم صل علی النبی الامی
العربی القرشی المکی المدنی الابطحی التهامی اللهم
صل علی المرتجی المجتبی و آله بلا حصر اللهم انا نسئلک
بحق علی المرتضی امیر المؤمنین الهی بصدق علی
وصداقته ورفق علی ورفاقته وسلم علی وسلامته
وعلم علی وامامته وفخر علی وشهادته وقوة علی وخلافته
وحلم علی وصلابته وکرم علی وکرامته وعزة علی وشجاعته

وحلم

وصبر علی وطاعته وحکم علی وعدالته وزهد علی وعبادته
وعصمة علی وطهارته وقرب علی وقرابته وضرب علی
وسیاسته وهدی علی وهدایته وحب علی وولایته وتوکل
علی وکفایته وقوة علی ومروته ورعایة علی وحمایته وفصاحة
علی وملاحته وصفوة علی وصفائه وعفو علی ووفائه وتجرید
علی وتفریده وتمجید علی وتکبیره وتحمید علی وتوحیده وتسبیح
علی وتهلیله وتعظیم علی وتفضیله وتکریم علی وتجلیله *
وورع علی وتقویه ومنة علی وفتوته وخوف علی ورجائه
وتوبته علی وهجوعه وخضوع علی وخشوعه وقنوع علی وجوعه
واستقامته علی ورجوعه وکشف علی وشهوده وعطف
علی وجوده ووجد علی ووجوده وقیام علی وقعوده
ورکوع علی وسجوده وصلوة علی وصلابته وصیام علی

۲ علی م

وزکوته

وزكوته وفكر علي وفراسته وذكر علي ودرسته وحج ❋
علي وعمرته وفوج علي وزمرته وبسط علي وقبضته ونقل
علي وفرضه وسياسته وكتاب علي وكرامته وعقل
وهيبته علي صح
علي وكياسته وجمال علي وجلاله وكمال علي ونواله وفضل
علي وافعاله وآثار علي وسماته وذات علي وصفاته ونصر
علي وحرمته ان تجعلني في الدين والدنيا عزيزا حبيبا في
اعين الخلايق اجمعين وان تقضي حوائجي وحوائج جميع
المؤمنين والمؤمنات ومن هو موافق في دين الاسلام
وتعصمني من كل آفة وعاهة واهانة وكربة وضيق
وذلة وعلة وقلة وبلاء وزلزلة وبرص ومرض وفقر
وفاقة وحرق وغرق وخوف وسوء وحر وبرد ❋
وعمى وجوع وعطش وضلالة وغصة ومحنة وشدة ❋

[illegible]

في الدارين انك لا تخلف الميعاد يا مالك يوم
الدين اياك نعبد واياك نستعين وصلى الله على محمد
وآله الطيبين يا ابا الغيث اغثني يا الله صمدي من عندك
مددي وعليك معتمدي بحق محمد العربي ناد عليا مظهر
العجائب تجده عونا لك في النوائب كل هم وغم
سينجلي بعظمتك يا الله بنبوتك يا محمد بولايتك
يا علي يا علي يا علي والسلام حرره احمد ابن محمد علي ابن [illegible]
كلام شريف بسم الله الرحمن الرحيم الى الامام امير المؤمنين سنه ١٣٠٠
اللهم اني اسألك بالحقائق الذاتية والنعوت الالهية والصفات
الربانية والكمالات القدسية والارقام [illegible] والمعاني الملكوتية و[illegible]
السماوية والاملاك [illegible] والافلاك الدائرة النورانية
والقلوب الوالهة في عشقك على [illegible] والعلوم [illegible]

يا موجد

بامواجها في بحار الصمدانيه والنفوس المشتاقه الى صفات العبوديه والعقول المتحيرة
في درك حقايق المشيد والارواح المحترق في رؤيه الحضرة الربوبيه والاعمال
المقدسته الصادقه الزكيه والاسرار العظيمه الخفيه والعجيب المنزهه عن سمات
البشريه والاسماء المكونة في الخزاين الالهيه واللطائف الخارجه عن الكيفيه
والرسوم البادية في صحراء وجود الادبيه والمعالم المعلومات في الازليه والعظايم
المعنويه في السرادقات الجبروتيه واسئلك رب بهجه تبلج الوار غرر وجوه عرايس
معاني صفات بديع جمال فردانيتك يا فرد يا فرد يا فرد بهيبه توهج اسرار
درر ثغور نفايس تجلي نعوت رفيع جلال هويتك يا هو يا هو يا هو وبغرة عظمه
معالي عوالي اشخاص مخيات ارجحات مواضع منبع جمال قيوميتك يا قيوم
يا قيوم يا قيوم وبتشديد تاييد تاكيد حول قوه قواعد اصول بقاء ابديه خلود
دوام ديموميتك يا دائم يا دائم يا دائم وبعجيب غريب لطيف خفي غامض
مخزون مكنون جواهر ثغور بحور معالم اسرار عوالم علوم ازليتك يا ازلي يا ازلي
يا ازلي وبشرائف لطائف حقايق دقايق نشر عطر النسمات نفحات نفحات

جو نجه روح ريحان فائق طرائق حسن نظاره ازهار روض عرف حضائر رحمانيتك
يا رحمن يا رحمن يا رحمن ان تصلي علي محمد وآل محمد كلهم اللهم اني اسئلك بعز عزيز اعزاز
عزتك بطهور حول شديد قوتك بقوة مقدار قدرتك تاكيد تحميد تمجيد عظمتك
بسمو علو عظمتك نعمتك بدوام ديموم قيوم جلال مديك برضوان غفران
امال رحمتك برفيع بديع سلطنتك بتضي ضياء بهاء ربوبيتك بمعالجه صلوه

[illegible]

۱

بسم الله الرحمن الرحیم

حمد بیحد و ثنای بیعد حضرت قادری را که قرآن مجید و فرقان حمید
بر ما فرستاد و شکر بی‌پایان منعمی را که نعمت ایمان و عرفان بما داد تقدست
اسماؤه و تنزهت کبریاؤه و صد هزاران صلوات
نامیات و تحف تحیات زاکیات بر مرقد منور و مشهد معطر خلاصهٔ
کائنات و زبدهٔ مخلوقات آن سیدی که نام مبارکش عنوان صحیفهٔ
منشئات و سر دفتر رسالهٔ مخلوقات است علیه من الصلوة افضلها
و من التحیات اکملها و بر آل و اصحاب او که پیشوایان شاهراه دین و هادیان
بارگاه یقین اند رضوان الله علیهم اجمعین اما بعد پوشیده نیست بر ارباب
تحقیق و التحقیق و التدقیق و اولی الالباب و التوفیق که دانستن علم
قرائت از اهم مطالب و اعظم مآرب است زیرا که نماز بی وی درست نیست
و این فقیر حقیر محمد بن ضیاء داد سمرقندی مدتی مدید مطالعهٔ علم قرائت

نام مؤلف

و تجوید

۲

و تجوید و علم تفسیر کرده و ملازمت استادان ثقه که در ماوراء النهر
و بلاد خراسان بوده‌اند نموده و از ایشان اجازهٔ عالیه حاصل کرده
پس چیزی از این علوم که تعلق به تجوید قرآن داشت و مخصوص به قراءت
راویان که ابوبکر و حفص است رحمهم الله ذکر کردیم و آنچه تعلق به
قرائت داشت از تجوید و قواعد و اختلافات راویان همه را در این رساله
مبین ساختم و چون در این بلاد این قرائت متعارف بود بر وی اقتصار کردیم
و گردانیدم این را تحفهٔ سلطان عالمیان ملجأ آدمیان خلاصة الملوک
و السلاطین و خلیفه فی الارضین نقطهٔ دایرهٔ پادشاهی و مرکز مدار شهنشاهی
قطب فلک خلافت در برج شرف کرامت بر آسمان سعادت
و شهریار آفتاب سماء رفعت و کامکاری والی الولاء و الولایة فی الآفاق
مالک سریر المملکة بالارث و الاستحقاق ناشر رایات العدل
و الاحسان باسط اجنحة الامن و الامان کاشف استار الحقایق عارف

نام کتاب

مرار

اسرار الدقایق رافع رایة العلم الی الغایة القصوی مظهر کلمات الله العلیا
المؤید من السماء بالتأیید والتمکین المظفر علی الاعداء بالفتح المبین والنصر
المبین المستنصر من الله النصیر المستعان ابو الغازی عبید الله بهادر خان خلد الله
ملکه وسلطانه وافاض علی العالمین بره واحسانه و نامیدیم این رساله را
قواعد القرآن و منقسم کردانیدیم بر سیزده باب باب اول
در بیان استعاذه و بسمله باب دوم در بیان مخارج حروف باب سیم
در رعایت کردن مخارج باب چهارم در بیان صفات حروف
باب پنجم در بیان احکام نون ساکن و تنوین باب ششم در بیان متفقات
ادغام باب هفتم در بیان مد و قصر باب هشتم در بیان ها کنایه
باب نهم در بیان تفخیم و ترقیق باب دهم در بیان وقف بر آخر کلمه
باب یازدهم در بیان رسم الخط و طریقه وقف بر آن باب دوازدهم در بیان
اختلافات راویان عاصم یعنی ابوبکر و حفص رحمهم الله تعالی باب اول در بیان استعاذه

وبسمله بدانکه در استعاذه قرا خلاف کرده اند که بچه طریق میباید کفتن
بعضی کفته اند که استعیذ بالله من الشیطان الرجیم یا نستعیذ بالله من الشیطان
الرجیم میباید کفت و بعضی اعوذ بالله من الشیطان الرجیم ان الله
هو السمیع العلیم و بعضی اعوذ بالله السمیع العلیم من الشیطان الرجیم
و بعضی اعوذ بالله من الشیطان الرجیم ان الله غفور رحیم و بعضی اعوذ
بالله من الشیطان الرجیم انه هو السمیع العلیم کفته اند و غیر اینها اما قول مختار
و اصح انست که بکویند اعوذ بالله من الشیطان الرجیم زیرا که در احادیث
صحیحه چنین آمده است که استعاذه از قران نیست بجهة همین بعضی
قراء پست خوانده اند اما قول اصح آنست که بلند خوانند که قراءت
بلند باشد و پست خوانند که قراءت پست باشد و این در غیر
نماز است و اما در نماز مطلقا پست خوانند و خواندن استعاذه پیش
از تلاوت قران باید زیرا که امر چنان واقع شده در قران قوله

تعالی فاذا قرأت القرآن فاستعذ بالله من الشیطان الرجیم ای
اذا اردت قرائت القرآن فاستعذ و خلاف کرده اند که استعاذه واجبست
یا مستحب بعضی گفته اند که واجبست و جمهور بر آنند که مستحب است واما
بسمله پس مر آنکه نزد امام ابن انس و بعضی اصحاب ابن ثابت رحمهم الله
از قرآن نیست و نزد جمهور علما از قرآن است و آیتی است از قرآن
مگر بعضی از شافعیه که جزء آیت داشته اند و خلاف کرده اند که آیتی
از فاتحه و سوره است یا نی جمهور اصحاب ابن ثابت گفته اند آیتی است
که از برای تبرک و تیمن می آرند نه جزء فاتحه است و نه جزء سوره پس بنابرین
فقط در نماز بخفیه می خوانند و قول اصح و معمول ابن ادریس رحمهم الله
آنست که هم آیتی است از فاتحه و هم آیتی است از سوره پس بنابرین
قول در نماز بجهر می خوانند و قول غیر اصح دیگر آنست که جزء فاتحه است
و جزء سوره نیست و مانند قرای سبعه اتفاق کرده اند در جنین تکرار

قرائت سوره از سورها کنند بسمله گویند مگر سوره برائة زیرا که
در خبر است ابی بن کعب رضی الله عنه گفته که رسول صلی الله علیه و آله
و اصحابه در اول هر سوره فرمودی که بسمله گویند و در اول برائة نفرمود
از جهت آنکه بسم الله از بهر امان است و در برائة امان نیست زیرا
که در برائة فاقتلوا المشرکین حیث وجدتموهم وقاتلوا
المشرکین کافة و غیر اینها که دلالت میکنند بر عدم امان کفار است
و در سرهای آیت مخیر گردانیده اند در بسمله گفتن و نا گفتن اما در سرهای
آیت برائة خلاف کرده اند شیخ برهان الدین جعبری رحمة الله گفته
در اینجا نیز مخیر است و قولی مختار اینست که ترک بسمله کنند و بر آنکه خلاف قرائت
میان قرای سبعه در بسمله گفتن و نا گفتن میان دو سورت قرائت امام
عاصم که استاد ابوبکر و حفص است رحمهم الله آنست که بسمله گویند و سه وجه
جایز داشته اند وجه اول وصل آخر سوره به بسمله و وصل بسمله با قبل

سورهٔ دیگر وجه دوم وقف بر هر دو وجه سیم وقف بر آخر سوره و وصل
بسمله بعضی این وجه را اصح گفته اند و عکس وجه آخر ممنوع است زیرا
که بسمله از برای اول سورها آمده است نه از برای آخر سورها گذشته و قرائت
غیر عاصم را ترک کردیم بجهت آنکه درین دیار متداول نیست باب
دوم در بیان مخارج حروف بدانکه عدد حروف تهجی بیست و نه است
و لا خارج است زیرا که مرکب است از لام و الف و کلام ما
درین در بیان حروف مفرده است و همزه داخل است و فرق میان
الف و همزه آنست که الف نه حرکت دارد و نه جزم مانند ما و همزه
گاهی حرکت دارد مانند أتى و گاهی جزم مانند یأمر و در مخارج آنها علمای
عربیت را اختلاف است بعضی گفته اند که هر حرفی از مخرجی بیرون می آید
و بعضی گفته اند که مخارج سه است حلق و دهن و لب و اکثر برآنند
که مخارج حروف شانزده است و از هر مخرجی یک حرف یا دو حرف یا زیاده

برون بیرون می آید اما حلق را سه مخرج است اقصی و وسط و ادنی و در عدد
اقصی خلاف است نزد علمای عربیت چهار است یکی همزه و دیگر ها و الف را از هوای
دهن گفته اند و بس و نزد قرا سه است اندوی مذکور و الف و از وسط حلق
دو حرف بیرون آید ع ح و از ادنی حلق دو حرف است و در دهن سیزده
مخرج است و هیجده حرف اول مخرج ق است از اقصای زبان و اقصای کام
دوم ک از اقصای زبان و کام بالاست سیم مخرج ج ش ی است از میان زبان
و کام است چهارم مخرج ض از کناره زبان و کنج و از نزدیکی دندانهای
کرسی و از جانبین تلفظ می توان کردن لکن از جانب چپ آسانتر است و ابو حفص
رضی الله عنه از جانبین نیک ادا کرده اند و بعضی گفته اند که در تلفظ کردن
دهن باید که در مخارج او در روی چین افتد پنجم ل از آخر زبان و کام بالاست
ششم ن از سر زبان و زیر دندانهای بالاست نزدیک کام بالا و از دماغ
چنانکه خواهد آمد هفتم ر از سر زبان و اندرون دندانهای بالاست

غ خ صحیح است

ومخرج وی نزدیک مخرج نون است هشتم ط د ت از سر زبان
وبیخ دندانهای بالاست نهم ظ ذ ث از تیزی سر زبان وکناره
دندانهای پیشین است دهم ص س ز از تیزی ومیان دندانهای پیشین است
ولب سفلی مخرج است وچهار حرف آخر مخرج ف از اندرون
لب پایین واز طرف دندانهای بالاست حم و ب م از میان هر دو لب است
ودماغ اینکه مخرج است دو حرف را آن نون ومیم است بشرط سکون واخفاء
مانند عنک وانّ نزد همه قرأست واعلم بالشاکر نزد سوسی رحمه الله
واگر متحرک ومظهر باشد در سابق داخل میشود وسبحانه اعلم باب سیم
در بیان رعایت کردن حروف بدانکه لحن بر دو نوع است جلی وخفی
لحن جلی خطای اعراب با کلمه است یا زیاده کردن چیزی یا کم کردن آن از اصل
کلمه ولحن خفی ترک کردن مخرج حرفست یعنی آنکه حرف از مخرجش ادا نشود
پس قاری قرآن را باید که میان ث وس وص ومیان ذ

وز

وز وض وظ ومیان ت د ط ومیان ح وه
ومیان ق وک وغ تفرقه کند تا مخارج اینها خلط نشود ودیگر آنکه هر
گاه دو حرف از یک جنس آید خواه در یک کلمه مانند وجهه وخواه در دو کلمه باشد
فطبع علی باید که آنچنان تلفظ کنند که ادغام نشود یا یکی از متجانسین ساقط
نشود ونیز در هر جای که میان دو حرف قرب مخرج باشد مثل اعهد
وتطوع خیرا باید که جدا جدا تلفظ کنند وهمزه را باید که نیک ادا کنند
تا تحقیق گفته شود نه تسهیل وگفته اند که نزد تلفظ همزه میباید که نفس
در حرکت آید وهر جا که دو همزه جمع شود مانند أأنذرتهم وبالسوء الا
باید که هر دو همزه را نیک تلفظ کنند که ساقط کرده نشود تا خلط قراءت
نشود وب را بیش از حروف مفخم جهد باید نمود که رقیق ونازک ادا
نشود مثل بطل وبقر وبرق وابصر وت را رعایت باید نمود تا دال
نشود خاصه وقتی ساکن باشد مثل نقلت یا بعد از وی حرف مفخم باید مثل

ترکا

ترک و مستطیراً و تصلی و اگر بعد از تا ساکن سین یا لام یا نون بیاید مانند
فترة و یتلوا و کانت لهم و فتنة باید که نیک تلفظ کنند و لثه حرف
ضعیف است چنین ساکن باشد نیک رعایت باید نمود خاصه وقتی بعد از وی
حرف متقارب وی واقع شود تا باظهار ادا شود مانند لبثتم و لبثنا و ورثت
سلیمان و میراث السموات و حدیث ضیف ابراهیم و حیث شئتم
اظهار کنند و نیک ادا کنند و جیم را نیک رعایت باید نمود تا شین
یا زاء فارسی نشود علی الخصوص وقتی ساکن باشد و بعد از وی تا یا دال یا ذال
یا راء یا زاء یا سین یا نون یا هاء بیاید مانند تجتنبون و اجدر و رجز و داجتهم
و تجری و رجس و خرجت و وجهه و حا را نیک ادا باید نمود در میان حلق تا ها
نشود و اگر بعد از وی حرف استعلا واقع شود مثل احطت و حصحص الحق باید
که نیک ادا کنند و خا را نیک رعایت باید نمود تا مفخم ادا شود و غین و یا قاف
آمیز نشود و دال را نیک باید رعایت نمود تا به تا ادا نشود مانند و ازدجر

و اگر ساکن باشد بعد از وی تا یا ذال یا نون واقع نشود مانند
یرد ثواب و کهیعص ذکر و وجدنا و قرانهم باید نیک تلفظ کنند و زبانرا
اندکی لرزانند و ذ ساکن را پیش از تا یا نون مثل نبذتها و اخذنا نیک
باید ادا کرد و ر را چنان ادا کنند که صفت تکرار در وی ظاهر نشود خاصه وقتی
که مشدد باشد و ز را حفظ باید نمود تا سین آمیز نشود خاصه وقتی
که ساکن باشد و بعد از وی تا یا جیم یا دال یا را یا قاف یا کاف یا لام یا نون
واقع شود مثل کنزتم و مزجاة و تزدری و وزرک وزرتا و لیزلقونک
و الحزن و سین را نیک ادا کنند تا مثل به زاء یا صاد نگردد خاصه
وقتی ساکن باشد و بعد از وی با یا تا یا جیم یا طاء یا نون واقع شود مثل
یسجون و مستقیم و المسجد و یسطرون و الحسن و شین را باید نیک ادا کنند تا جیم
یا زاء فارسی نشود مثل شطون و صاد را رعایت باید نمود تا زاء
آمیز نگردد مثل حرصتم و اصحاب خاصه وقتی که بعد از وی دال آید

مثل اصدق و یصدر و مانند صراط سه را نیک باید تا تلفظ کند
تا هر سه حروف به تفخیم ادا شود و ض دشوارترین حروفست بر زبان
باید که نیک رعایت کند تا شبیه به ظاء یا دال یا زاء نشود خاصه در مثل
انقض ظهرک و فمن اضطر و یعض الظالم و یعض ذنوبهم و اغضض
و یغضض و ط را هم اوای حروفست در تفخیم نیک رعایت کنند
که شبیه به تاء نگردد خاصه جایی که میان بعض . و تاء مانند بسطت یا تاء
پیش افتطمعون یا بعد از وی مثل احاطت واقع شود باید که نیک
تلفظ کند و نیز در فرطت و فرطتم و بسطت و احطت باید چنان
تلفظ کند که با وجود ادغام رعایت صفت اطباق و استعلاء طاء
در عایت شغل و همس کم شود و ظا را رعایت می باید نمود که ضاد
یا زاء یا ذال آمیز نگردد علی الخصوص وقتی بعد از وی تاء باشد مانند
اوعظت و ع را تفخیم باید کرد و اگر بعد از وی غین واقع شود

و اسمع غیر باید که مدغم نشود و اگر مشدد باشد نیک باید ادا کند مثل
یدعون و دعا و یدع و غ را نیک می باید رعایت نمود تا خاء
یا قاف آمیز نشود خاصه در مثل یغشی و استغفر و غیر المغضوب و لا تزغ
قلوبنا و خنغشا و ف را اظهار می باید کرد تا فاء فارسی و یا باء ترکی نگردد
خاصه وقتی که بعد از وی میم یا یاء باشد مثل تلقف ما صنعوا نخسف بهم
و ق را می باید چنان ادا کند که صفت استعلاء از وی زایل نشود و غین
آمیز نگردد تا شبیه به کاف نشود خاصه وقتی بعد از وی کاف باشد
خلقکم و خلق کل شیء و ک را رعایت می باید کرد تا کاف فارسی
که آنرا کاف صما گویند نگردد خاصه وقتی مکرر باشد مثل بشرکم یا بعد از وی
حرف مهموسه باشد مثل اشکر و اول را رقیق و نازک ادا نماید
خاصه در جایی که پیش از حرف استعلاء باشد مثل ضلل و ظلل و تصلی
و الصلواة و اختلط و لیسلطهم و جعل آیه و در مثل جعلنا و قلنا و قلهم

وقت لغم و هل تعلم و غلظة و ملجأ و بر جابرة و الخلد باید نیک رعایت کنید
دوم را چنان ادا کند که مفخم شود خاصه وقتی که بعد از وی حرف مفخم باید
مثل مخمصة و مرض و طائفة و دیگر حکم وی خواه آید در آن لام باید محافظت
کرد از تفخیم خاصه وقتی که ساکن باشد تا اخفا مواد نشود مثل الی ملین و لو یتون
و چنین مضموم و یا مکسور شود محافظت باید کرد بر وجهی که نیک گفته شود مثل نفادت
دو جهة و تنسوا الفضل خاصه در وقتی که دو واو جمع شود و بدانکه اجتماع
واوین بر پنج نوع است اول آنکه واو اول ساکن باشد و دوم متحرک و حرکت ما قبل
اول از جنس وی باشد آنجا ادغام باید کرد مثل آووا و نصروا دوم
آنکه واو اول ساکن باشد و ما قبل وی مضموم باید انضمام شفتین کرد تا واو
درست ادا کرده شود و اظهار نیز باید کرد مثل فاستجابوا له و وهبنا له سیم آنکه
اول متحرک باشد و دوم ساکن و حرکت اول از جنس وی باشد مثل ذو وری و یلوون
و داود چهارم آنکه هر دو متحرک باشد مثل وجدک و وضع و خذ العفو امر پنجم

آنکه

آنکه اول مشدد باشد و ثانی متحرک مثل بالغدو و الآصال و در جمیع
این انواع واو را نیک باید ادا کرد و همه را سببیه احتیاط نمود تا حایل
آمیز نموده نشود خاصه وقتی که مقارن با حرف مقارب شود مثل وعد الله حقا
و معهم و نتیجه وی سوم محافظت بر یا باید نمود که لطیف و آسان گرده شود

۱۲ ادا صح

و بدانکه اجتماع یائین در چهار صورت باشد اول آنکه یاء اول ساکن باشد
و ما قبل وی از جنس وی اظهار باید کرد مثل فی یوسف و فی یوم و همچنین است
یائی که بعد از هاء ضمیر با صله واقع شود مثل لقومه یا قوم دوم آنکه اول
متحرک باشد و دوم ساکن و حرکت اول از جنس وی باشد مثل الحیین
سیوم آنکه هر دو متحرک باشد مثل فلنحیینه چهارم آنکه اول مشدد و ثانی
متحرک مثل ولی الله و الذی یوم و در جمیع این صورت هر دو یا را در
تحقیق ادا باید نمود و دیگر در سوره یوسف لا تأمنا در اصل تأمننا دو نوع
میخوانند جمیع قراء اول آنکه حرکت نون اول را اخفا می کنند و انهما

بعضی

الکراهت سوم آنکه ادغام را در ثانی ادغام با اشمام میکنند یعنی هر دو لب
اشارت بضمهٔ نون میکنند در حین ادغام این مذهب بعضی است اما بجهت
آسانی بیشتر اهل ادا با این وجه عمل میکنند بدانکه حروف بوف سه است
ب و ف اگر یکی از اینها بعد از میم ساکن بیاید اظهار میکنند یعنی
اشارت بحرکت ضمه نمیکنند نزد تلفظ میم مانند عليهم ولا الضالين
و فاقم وجهك و هم فيها و قم فانذر و ما هم بمؤمنين و فاحكم بينهم اما
در یا خلاف کرده اند در اظهار و عدم اظهار باب چهارم در بیان صفات
حروف بدانکه هر صفتی را از صفات حروف ضدی میباشد پس هر صفتی را
که بیان کنیم ضدش را نیز یاد کنیم اما مهموسه ده حرفست ت ث
ح خ س ش ص ف ک ه همس در لغت آواز خفی ضعیف را
گویند چون در این حروف ضعف اعتماد بود بر مخارج اینها نزد اداء اینها
یعنی نزد تلفظ اینها نفس را باز نمیدارد از جریان بجهت ضعف مهموسه

نام

نام کرده شد و ضدش مجهوره است پس نوزده حرف باقی باشد و حروف
شدیده هشت است ء ب ت ج د ط ق ک شدت
عبارتست از حرفی که قوی باشد که صوت بادی جاری نباشد از رعایت
قوت و ضدش رخوت است و پنج حرفست میان شدیده و رخوه است
ر ع ل م ن پس شانزده حرف باقی رخوه باشد و حروف مده سه است
ا و ی بجهت آن حروف مده میگویند که مد در اینها میشود و در غیر اینها
نمیشود و ضدش اینها مقصوره است حروف مستعلیه هفت است خ
ص ض ط ظ غ ق استعلا بجهت آن میگویند که نزد تلفظ اینها
زبان مرتفع میشود بطرف بالای دهن و ضدش مستفله است و حروف
مطبقه چهار است ص ض ط ظ بجهت آن مطبقه میگویند که نزد
تلفظ اینها زبان بکام بالا منطبق میشود و ضدش منفتحه است حروف
صفیر سه است ز س ص صفیر در لغت آواز مرغ را گویند

دیگر دو

و این حروف را بجهة آن صفیری گویند که در وقت تلفّظ اینها آواز پیدا
میشود در دهن مشابه آواز گنجشک است حرف تفشّی یکی است و آن شین است
تفشّی در لغت توسّع و انتشار را گویند و نزد تلفّظ وی آواز ظاهر میشود در دهن
و پریشان میشود حروف منحرفه دو است ل ر بجهة آن منحرفه می گویندش نزد
تلفّظ اینها از مخرج خود منحرف میشوند لام بمخرج نون میرسد و راء بمخرج لام
و در راء صفت تکرار نیز هست یعنی نزد تلفّظ وی لکا که مشدّد میشود بجهة
غایت قوّت که دارد و حرف مستطیل یکیست و آن ضاد است بجهة آن
مستطیل میگویندش نزد ادای وی زبان دراز کشیده میشود تا که بمخرج لام
متّصل میشود حرف هوائی یکیست و آن الف است و مادی و جوفی نیز
می گویند همه یک معنی است بجهة آن هوائی میگویندش نزد تلفّظ هوا میکند
در حلق و حروف علّت چهار است ء ا و ی بجهة آنکه حروف علّت
می گویندش متغیّر و منقلب میشوند از حالی بحالی امّا نزد علمای عربیت همزه را

حرف علّت نمی گویند حروف قلقله پنج است ب ج د ط ق
و مشهورترین اینها قاف است و نیز در وی خلاف نکرده اند بخلاف
دیگرها قلقله بجهة آن نام کرده اند که در وقت ادای اینها گویا که جنبش دارند
خاصّه در محلّی که وقف کنند و نیز حروف قلقله در لغت حرکت دادن
چیزیست و ضدّ اینها بطریق تقابل معلوم میشود و آنچه شیخ شاطبی رحمة الله علیه
گفته است از موصوفات حروف نیست و دیگر از صفات حروف
هست شل لهویه و اسلیه و ذلقیه و شجریه و نطعیه و غیر اینها یاد کرده
اینها را بجهة متابعت شیخ شاطبی رحمة الله علیه و بجهة نا وردن شیخ است که اینها
مشهور نیست باب پنجم در بیان احکام نون ساکن و تنوین بدانکه
حروف که بعد از نون ساکن و تنوین بیاید بیست و هشت است زیرا که الف
خارج است و در پیش نون ساکن و تنوین نمی آید بجهة آنکه اجتماع ساکنین علی غیر
حدّه می شود امّا بجای الف همزه است و که یکی از حروف تهجّی است

و نطعیه

حکم لازم دارد درین باب پس بیست هشت باشد و احکام نون ساکن
و تنوین چهار است ادغام و اظهار و اخفاء و قلب اما ادغام در شش
حروفست ی ر م ل و ن که آنرا حروف یرملون گویند
که بعد از نون ساکن یا تنوین یکی از اینها بیاید همه قراء ادغام می کنند و این
بر دو قسم است قسم اول ادغام با غنه است و آن در چهار حرفست
م ن و ی و غنه آوازی را گویند که از دماغ بیرون می آید مثال اینها
م من مثله و عذاب مقیم ن من نوره و یومئذ ناعمة و من ولی و رحمة
و اسعة ی من یقول و عظیم یوم قسم دوم ادغام بی غنه است و آن
در دو حرف باقی است ر ل مثال اینها ر من ربهم و غفور رحیم
ل من لبن و همزة لمزة و بدانکه ادغام وقتی است نون ساکن در یک کلمه
باشد و آن حرف در یک کلمه باشد ادغام نمی کنند مثل الدنیا و بنیان
ن و قنوان و صنوان و در قرآن غیر این چهار کلمه نیامده است جهة

ادغام

ادغام ناکردن آنست که مقصود از ادغام خفت است و اگر در یک کلمه
ادغام کنند ثقیل میشود زیرا که الدّنیا ثقیل تر است از الدنیا و دیگر آنکه بعضی
بعضی مشتبه میشود یعنی لغت صنوان بلغت صوان و قنوان بلغت قوان مشتبه میشود
و علی هذا القیاس و اما اظهار در شش حرف حلقیست ء ه ع ح
خ غ یعنی بعد از اینها نون ساکن یا تنوین را اظهار می کنند جمیع قراء خواه
در یک کلمه باشند خواه در دو کلمه معنی اظهار آنست که نون ساکن و تنوین بحال خود
باشند و هیچ تغیر نباشد مثال اینها ء ینأون و ان اهلک و ذهب و ذا
الی ربه ه ینهون و من هاد ع و کلمة هو انعما و من عمل و نهر ع عظیم ح ینحتون و من حکیم
و بغلام حلیم غ فسینغضون و من غیر کم و قبیلة غلبة خ و المنخنقة و من خلاق و ذرا
خالدین اما قلب در یک حرفست ب یعنی اگر بعد از نون ساکن و یا تنوین
حرف با آید آن نون ساکن و تنوین را بجهت قلب کنند همه قراء خواه در یک
کلمه باشد و خواه در دو کلمه و مثال این انبئهم و من بعد و سمیع بصیر و اما

خفا

اخفا در حروف باقیه است پانزده است ت ث ج د ذ

ز س ش ص ض ط ظ ف ق ک یعنی همه قرا

نون ساکن و تنوین را اخفا با غنه می کنند اگر یکی از این حروف از بعد ساکن یا تنوین

بیاید خواه در یک کلمه خواه در دو کلمه و معنی اخفا آنست که نون ساکن و تنوین را بنوعی

ادا کنند که نه اظهار شود و نه ادغام بلکه حالتی باشد میان این دو حال مثال اینها

ت ظننتم وزکوة تزیدون ث انثی و من ثقلت و ظلمات

ثلث ج انجینا کم وان جنحوا فصبر جمیل د جندٌ و من دخله و عملا

دون ذ تنذر و من ذا الذی و ظلا ذی ثلث ز تنزیل و من زکوه

ونفس زاکیة س تنسون و من سلالة و رجلا سلما ش تنشر و لمن شهد

وغفور شکور ص ینصر و لمن صبر و عملا صالحا ض منضود و من ضعف

وذریة ضعافا ظ فانظر و من ظلم و مراعا ظهرا ف انفسهم و فان فأتوا

مقصورات فی الخیام ق ینقلب و من قال و علیم قدیر ک ضنکا

وان کان در رسول کریم و گاهی است که تنوین را حرکت کسره میدهند بجهة اجتماع

ساکنین مانند نوح ابنه والیها الذین و بغلام اسمه باب ششم در بیان

متقاربات ادغام اینها بدانکه ذال از را در ذ و ظ ادغام میکنند مثل

اذ ذهب واذ ظلموا و دال قد را در ذ و ت ادغام می کنند مثل

قد ضلوا وقد تبین بدانکه شاطبی و تیسیر دال قد گفته اند اما مراد اعم از دال

قد است تا دال عبدتم و حصدتم و کدت و مانند اینها داخل شود پس

غرض ایشان تمثیل باشد نه حصر و تاء تأنیث ساکنه را در ت و د و ط ساکنه

ادغام میکنند مثل کانت تأتیهم و اجیبت دعوتکما و قالت طائفة

و لام قل و بل و هل را در ل و ر ادغام می کنند مثل قل لکم و بل

و هل لنا وقل ربی و قل رب و بل ربکم و مثال هل در قرآن نیامده است و هر جا

که دو حرف از یک جنس جمع شود و اول ساکن باشد و ثانی متحرک

اول را در ثانی ادغام می کنند خواه در یک کلمه باشد مثل یوجهه و یدرککم

وخواه در دو کلمه باشد مثل لکم سنة وعصوا وکانوا لکن اگر اول حرف
مدّ باشد ادغام نمی کنند مثل آمنوا وعملوا و فی یوسف و در الم نخلقکم
در سوره مرسلات جمهور قرّا ادغام می کنند قاف را در کاف و در ابقاء صفت
استعلا خلاف کرده اند و صحیح عدم ابقا است و بعضی اظهار را جایز داشته اند
و این قول ضعیف است و معمول نیست و ادغام لام تعریف نیز از متفقات است
ادغام است مثل التورٰیة و همزه که پیش از وی است همزه وصل است بجهة
آن آورده اند که ابتدا بساکن متعذر است پس اگر ابتدا کنند بفتحه ابتدا
می کنند بجهة تخفیف و این لام در چهارده حرف مدغم میشود که اینست
ت ث د ذ ر ز س ش ص ض ط ظ ل
ن و در چهارده حرف باقی ا ب ج ح خ ع غ ف
ق ک م و ه ی مدغم نمی شود و الف خارج مبحث است
زیرا که بعد از لام تعریف نمی آید بجهة آنکه اجتماع ساکنین علی غیر حدّه میشود

ولهذا

و اشمه اینها ظاهر است و امام عاصم رحمه الله در اینها اظهار می کنند
مگر در دو موضع یکی در سوره اعراف یلهث ذلک که ثاء یلهث
در ذال ذلک ادغام می کنند و دیگر در سوره هود یا بنی ارکب معنا که باء
ارکب در میم معنا ادغام میکنند و غیر عاصم ادغام و اظهار هر دو در غیر این
مواضع یکی از اینها ذال اذ است در شش حرف ت ج د ز
س ص ادغام میکنند مثل اذ تبرّء و اذ جاءکم و اذ دخلوا و اذ زیّن
و اذ یستمعون و اذ صرفنا و دیگر دال قد است در هشت حرف ج
ذ ز س ش ص ض ظ ادغام می کنند مثل لقد جاءکم
و لقد ذرأنا لقد زیّنا و قد سمع الله و قد شغفها و لقد صرّفنا و لقد ضلّ
و لقد ظلمک و دیگر تاء تأنیث ساکنه است در شش حرف ت
ج ز س ص ظ ادغام می کنند رحبت زدناهم و انبتت
نضجت جلودهم و خبت زدناهم و انبتت سبع لو حصرت صدورهم

وکانت

وكانت ظالمة و دیگر ادغام بی و بی است در هشت حرف ت
ث ن س ص ط ظ ن ادغام میکنند مثل بیت بیتهم
و بی تعلم و بی ثوب و بی زین و بی سولت و بی ضلوا و بی طبع الله و بی ظلمتم
و بی نحن و بی نبلکم و اما عاصم رحمه الله در همه اینها اظهار میکند و غیر
عاصم جمعی از قراء عشره ادغام میکنند و دیگر ادغام حروف مخارج اینها
نزدیک است مثل لم یکتب فاولئک فیفعل ذلک و غفرت
داورثتم و یرد ثواب و غیر اینها است که بعضی از قراء عشره غیر عاصم
ادغام میکنند حاجت آوردن آنها نیست و مراد که اینها که آوردیم
درین باب سبیل تقریب سوال و جواب و زیادتی توضیح بود زیرا
که عنوان این باب در بیان متفقات ادغام است باب هفتم
در بیان مد و قصر بدانکه مد کشیدن صوت است در حرف مد و لین و در حروف
لین حروف مد و لین سه است الف دائما و واو ساکن که ما قبلش مضموم

باشد و یاء ساکن که ما قبلش مکسور باشد و اگر ما قبل واو و یاء ساکن مفتوح
باشد آنرا حرف لین گویند و سبب مد همزه است یا سکون و بعضی
تعظیم نام را نیز گفته اند اما در همزه بجهة آن مد میکنند که همزه از مخرج خوش
نیک ادا شود و در سکون بجهة آن مد میکنند که تدارک اجتماع ساکنین
شود زیرا که مد بمنزله حرکت داشته اند و در نام الله و رحمن مد میکنند
بعضی قراء بجهة آنکه در مد کردن تعظیم بیشتر حاصل میشود اما این نزد جمهور
قراء معمول و مستحسن نیست پس اگر بعد از حروف مد همزه باید این مد بر دو قسم است
اول آنکه حرف مد و همزه در یک کلمه باید این را مد متصل میخوانند
مانند جاء و سوء و جیئ دوم آنکه در دو کلمه باید این را مد منفصل میخوانند
مثل بما انزل و قالوا آمنا و فی امها و اگر بعد از حرف مد ساکن باید این نیز
بر دو قسم است مد سکون اصلی است و سکون عارضی اما سکون اصلی
بر سه نوع است نوع اول آنست که در اوایل سوره می آید و در حروف

هجا مانند الٓمٓ و حٰمٓ و یٰسٓ و این را مد فواتح و مد شغلی و مد حرف
هجا گویند و بدانکه در اول سورهٔ آل عمران همه قرّاء الٓمٓ را با الله وصل میکنند
و میم را حرکت فتح میدهند بجهت التقاء ساکنین و سه وجه جایز است در یاء
میم که قصر و توسط و طول است نوع دوم آنست که ساکن اول حرف مد باشد
و ثانی مدغم و این را صرفیان اجتماع ساکنین علی حده می نامند مثل الضآلّین
و دآبّه و تحآجّونّی و این را مد سکون مدغم می نامند نوع سیم آنست که حرف مد
منقلب از همزه باشد این مد منقلب و مبدل می باشد مثل آلآن اصل
وی ءآلآن بجهت است همزهٔ ثانیه را الف بوده است همزهٔ ثانیه را
بالف بدل کرده اند بجهت طلب خفت پس مد لازم گشته بجهت اجتماع ساکنین
و همزه را حذف نمی توان کردن بجهت آنکه کلام استفهامی ملتبس میشود
بخبری و این نوع مد در قرآن شش جا واقع شده است و بر نزد جمهور
قرّاء در آلذّکرین در سورهٔ انعام و در آلآن در سورهٔ یونس دو جا است

یکی

یکی در سورهٔ یونس و دیگری در سورهٔ نمل و نزد ابو عمرو و نافع رحمهما الله هفت است
این شش مد مذکور و یکی آلسّحر در سورهٔ یونس و بدانکه نزد همه قرّاء در این
نوع وجه دیگر نیز جایز است و آن تسهیل است تسهیل گویند تسهیل در لغت آسان
گردانیدن است و در اصطلاح قرّاء همزه را میان همزه و الف یا همزه
و یا یا همزه و واو تلفظ کردنست یعنی این همزه که تسهیل کالالف میکنند
و اگر حرکت فتح باشد تسهیل کالیاء میکنند و اگر ضمه داشته باشد
داشته صح
تسهیل کالواو و در این نوع همزه فتح حرکت دارد پس تسهیل کالالف میکنند
و دانستن تسهیل موقوفست بشنیدن از قاری ثقه و شیخ شاطبی و صاحب
تیسیر ابو عمرو دانی رحمهما الله گفته اند که وجه اول اولی است و اما
قسم دوم از قسمین مد سکون که آن سکون عارضی است و مراد از وی
اینجا سکون وقفی است اجتماع ساکنین بجهت وقف میشود مانند الانهار
یعنی صح
که اگر وقف کنند بر وی اجتماع ساکنین می شود میان الف و راء در المستقیم

و

سه وجه جایز داشته اند یکی مد طویل دوم متوسط سیم قصر و وجه
اول اصلی است و اولی چنانکه شیخ رحمه الله اشارت کرده اند بآن
معنی در شاطبی بقوله وعند سکون الوقف وجهان اصلا و اقسام مد که مذکور
شد از اول باب تا اینجا که شش قسمت همه در حروف مد لین بود اما در حروف
لین مد بر دو نوع است اول مد وقفی است دوم غیر وقفی و هر دو نوع
از اقسام مد سکون است زیرا که مد بجهة اجتماع ساکنین است و بجهة همزه نیست نزد
جمهور قراء اما نزد امام ورش رحمه الله بجهة همزه نیز هست و قرائت وی بسیار
دارد پس نیاوردیم زیرا که درین بلاد قرائت امام عاصم میخوانند پس بیان آوردن
آن فائده چندان ندارد و نوع اول آنست که بسبب وقف اجتماع ساکنین میشود
مانند الموت و خیر درین نوع دو وجه است که آن مد طویل و متوسط است
جایز و سماعی باشد و قصر را نیز جایز داشته اند و فرقه نباشد بیان آنکه
ساکن دوم همزه باشد مثل شیء و سوء یا غیر همزه چنانکه گذشت نوع دوم

مد غیر وقف است که مخصوص بفواتح سور و بلفظ عین و در دو موضع بیش
نیست یکی در سورهٔ مریم کهیعص و دیگری در سورهٔ شوری حم عسق درین نوع
دو وجه جایز داشته اند که مد طویل و متوسط است و اول را اولی گفته اند
پس همهٔ اقسام مد هشت باشد شش در حروف مد و لین و دو در حروف لین
و این زمان بیان کنیم مقدار بقرائت عاصم و بدانکه مد متصل و مد منفصل را
مقدار چهار الف میکشند و دانستن مقدار الف یا شنیدن است از قاری ثقه
یا بعقد انگشتان مثلا که از برای هر الف یکنوبت عقده کنند انگشت را از زود
نه آهسته آهسته پس در مد چهار الف چهار نوبت عقده کنند و علی هذا القیاس و در مد
مشبع نیز چهار الف یا سه الف میکشند و در مد سکون مدغم و در منقلب سه الف
و در سکون وقفی گفته شد که سه وجه جایز است طول سه الف توسط دو الف قصر
یک الف همچنین است سکون وقفی حرف لین و در عین فواتح گفته اند که سه الف
طول و دو الف توسط و بعضی گفته اند که طول چهار الف و توسط سه الف

اولی و بدانکه در اقسام مدّ خلاف کرده اند بعضی گفته اند که هفده است و بعضی
پانزده و بعضی چهارده و بعضی ده گفته اند اما این اقوال را در گفتن طول دارد و فایدهٔ
چندان ندارد پس قول آخر را بیان کنیم اوّل مدّ اصلی که آن را تصور است مثل
جاء زیرا که هر دو حرف مدّ از اصل کلمه است دوم مدّ بدل مانند آمَن و ایمان
مخصوص امام ورش است سیم مدّ مبالغه بجهة تعظیم مدّ می کنند و این در کلمهٔ لا اله
الا الله و لا اله الا الله هو می باشد و بس و این مخصوص ابن کثیر و سوسی و یک وجه
قالون و دوری است چهارم مدّ منفصل است مانند ما انزل پنجم مدّ طلب است
مانند ءانتم از برای آنکه حرف مدّ طلب همزه می کند ششم مدّ تفرقه می کنند
میان همزهٔ خبری و استفهامی مدّ می باشد نه در خبری چنانکه گذشت هفتم مدّ
بنیت است مانند ذکریا و هشتم مدّ تمکین است مثل اولئک و خائفین
نهم مدّ عدل است مثل ءانذرتهم و این مخصوص است بقالون و دوری و هشام
دهم مدّ حجز است مانند ضالین و داٰبه بجهة آن حجز می گویند که او منع می کنند

از اجتماع

از اجتماع ساکنین علی غیر حدّه بودن و حجز در لغت منع است و بدانکه این
اقسام خالی از ضعفی و خللی نیست و فایدهٔ چندان نیز ندارد نسبت بآن اقسام
که اوّلا ذکر کردیم زیرا که آن اقسام معتمد علیه و مفید است باب هشتم در بیان ها
کنایه که آن ها ضمیر واحد غایب مذکر متّصل مجرور یا منصوب است مثل به و له
و علیه و رسوله و جعله و تمنّوه بدانکه نزد قرّاء اعتبار تلفظ دارد نه صورت
خط زیرا که بسیار چیز است در خط هست و در تلفظ نیست پس آن را اعتبار
نیست و در تلفظ دو شیء الف انا و واو اولئک و واو اولات اما اینها را فایدهٔ
دیگر هست در باب وقف یاد کرده شود ان شاء الله تعالی و بسیار چیز در خط نیست
اما در تلفظ هست مثل داود و یلوون و یستوون و وری که اینها بدو واو تلفظ
کرده میشود و یک واو ملفوظ نبود و ها کنایه از این قبیل است که او را صله می کنند
یعنی واوی یا یائی زیاده می کنند در تلفظ نه در خط و نه در وصل نه در وقف پس
اگر متحرک باشد ما قبل وی یعنی اگر متحرک باشد همه قرّاء متفق اند که صله

می کنند

می کنند مانند به کلّ وله ذرّیته پس اگر بعد از اینها همزه بیاید مدّ منفصل
میکنند آن کسانی که مدّ منفصل دارند مثل به ان یوصل وله ان واگر
پیش از ساکن بیاید صله نمی کنند بجهة آنکه اجتماع ساکنین میشود پس مدّ نیز
نباشد مانند به الله وله الرّسول واگر ما قبل هاء ضمیر ساکن باشد وما بعد
وی متحرّک صله نمی کنند مگر ابن کثیر که در همه جا صله میکنند مثل فیه آیات والیه
جمیعا ولن تمسوه ابدا وحفص راوی عاصم در یکموضع موافق ابن کثیر است
آن فیه مهانا که در سورهٔ فرقان است وهاء انکه یرضه لکم در سورهٔ زمر از این قسم است
زیراکه اصل وی یرضاه بوده است بجهة حرف شرط الف افتاده است وهاء
نفقه در سورهٔ هود وهاء لم یتسنه در سورهٔ مریم ولم ینته در سورهٔ علق ضمیر نیست
بلکه از اصل کلمه است پس صله نباشد باب نهم در تفخیم و ترقیق معنی ترقیق
تنک وخرد تلفظ کردن است بدانکه همهٔ قرّاء لام الله را بعد از فتحه یا ضمه تفخیم می کنند
مثل بسم الله اما در راء تفصیلی دارد اصل در راء تفخیم می کنند مثل ربکم در سلک

واگر مکسور باشد ترقیق میکنند مانند رحلة واگر ساکن باشد اعتبار
حرکت ما قبل را میکنند پس اگر مفتوح یا مضموم باشد تفخیم می کنند مثل
انذرتهم در سل واگر مکسور باشد ترقیق می کنند مثل لم تنذرهم مگر در سه
موضع اوّل آنکه بعد از وی حرفی از حروف مستعلا بیاید مثل قرطاس ومرصاد
وفرقه زیراکه کسرهٔ ما قبل اقتضای تفخیم پس رجوع با صل میکنیم اصل در راء
تفخیم است وبدانکه از حروف استعلا درین قاعده زیاده بر سه حرف
نیامده است در قرآن یکی ط در قرطاس ودیگر ص در مرصاد وارصاد
دیگر ف در فرقه وچهار حرف باقی که خ ض ظ غ است در قرآن
نیامده است امّا در کلام عرب آمده است مثل ارخاء غنان وارضلع
وخرعام مثال ظ نیافتم وبدانکه قرّاء در تفخیم فرق اختلاف کرده اند
بعضی گفته اند که تفخیم می باید کرد بجهة آنکه گذشت وبعضی گفته اند ترقیق میباید
کرد بجهة آنکه جانب ترقیق غالب است زیراکه راء ساکن در میان

دو کسره واقع شده است اما معمول در میان مردم اول است و دوم از مواضع
مستثنیات آنست که آن کسرهٔ پیش از راء ساکن است عارضی باشد یعنی
اینجا نیز تفخیم می‌کنند و کسرهٔ عارضی است در بعضی حال باشد مثل کسرهٔ همزهٔ وصل
که در ابتدا است و در درج ساقط می‌شود مثل ارجع وارجعی وارجعوا و سبب تفخیم اینست
که تا تفرقه شود میان کسرهٔ عارضی و اصلی و نیز عارضی را قوت چندان نیست و گویا
که کسره نیست و سیم از آن مواضع آنست که آن کسره منفصل باشد یعنی کسره
در کلمهٔ باشد و راء در کلمه اینجا نیز تفخیم می‌کنند بجهة آنچه ذکر کرده شد در کسرهٔ عارضی
مثل الذی ارتضی و رب ارجعون و گاه باشد که کسرهٔ منفصل عارضی باشد مثل
من ارتضی وام ارتابوا و اینها که ذکر کردیم در غیر وقف بود اما در وقف پس اعتبار
حرکت را کرده اند و بنقول اعتبار ندارد پس اگر ما قبل را مفتوح یا مضموم باشد
تفخیم می‌کنند مثل والقمر و بالنذر و اگر مکسور باشد ترقیق می‌کنند مثل تذکر
و اگر ما قبل وی ساکن باشد اعتبار حرکت ما قبل وی می‌کنند پس اگر مفتوح

یا مضموم باشد تفخیم می‌کنند مثل الانهار و الامور و الفجر و خسر و اگر مکسور باشد ترقیق
می‌کنند مثل البصیر و بکر لکن در جایی که مفتوح است اگر ما قبل وی یاء ساکن باشد
مثل خیر و ضیر ترقیق می‌کنند بجهة آنکه یاء حکم کسره دارد زیرا که وی مرکب
از دو کسره است پس گویا که ما قبل وی مکسور است پس ترقیق باید کرد باب دوم
در بیان وقف بر آخر کلمه بدانکه وقف ایستادن است در آخر و نفس قطع کردن
و اگر ایستند و نفس قطع نکنند آن را وقف نگویند و آن بدو طریق است
یکی آنست که اندک ایستند نزدیک بوصل باشد که آن را سکته می‌گویند و دیگر
که بیشتر از سکته ایستند او بوقف باشد آن را وقفه می‌گویند و بعضی فرق نکرده‌اند
میان سکته و وقفه اما وقف بر سه نوع است اول اسکان و این اصل است
در وقف بجهة آنکه غرض از وقف تخفیف است بر قاری باسقاط
حرکت زیرا که در حین کلال و تنگی نفس می‌باشد و این غرض از اسکان
حاصل می‌شود پس و این در همه مواد اعراب و بنا جاری است اما در حالت

رفع و جرّ حرکت و تنوین را می اندازند مثل علیمٌ و من حکیمٍ و در حالت ضمّ
و فتح و کسر حرکت را می اندازند مثل قبلُ و این و هؤلاءِ و در حالت نصب حرکت را
می اندازند و تنوین را بالف بدل میکنند خواه تنوین مرسوم بالف باشد مثل علیماً
و خواه نباشد مثل نساءً نوع دوم روم است مراد از روم آنست که حرکت
دهند حرف موقوف علیه را باواز خفی چنانچه شنود کسی که نزدیک و ملاصق او
باشد و این در ضمّ و کسر در رفع و جرّ جاری میباشد مثل قبلُ و هؤلاءِ و علیمٌ
و من نصیرٍ و در فتح و نصب جایز نیست نزد همه قرّاء مثل تبّ و حکیماً امّا
امام نحو که سیبویه است در همه مواد رقم را جایز داشته است نوع سیم اشمام است
معنی او اینجا آنست که هر دو لب اشارت کنند در آخر کلمهٔ موقوف علیه در دنبال
اسکان آخر کلمه تا اشارت شود بضمّهٔ آخر کلمه و این در ضمّ و رفع میباشد و بس
مثل نستعین و عزیزٌ و این را اعمی درنیابد و اصمّ درمییابد و روم برعکس
آنست و بدانکه اشمام مطلقا بر چهار نوع است اوّل آنکه ذکر کرده شد

دوّم

دوّم خلط حرف بحرف چنانکه صاد را بزاء اشمام میکنند خلف در لفظ
صراط و حمزه و کسائی در مانند اصدق سیم خلط حرکت بحرکت یعنی قصد
ضمّ کنند و بکسر ادا کنند مثل قیل و غیض و جیء این نزد کسائی و هشام است
و در نزد نافع و ابن ذکوان در بعضی مواد مثل حیل و سیق و سیء چهارم اخفای
حرکت را اشمام میگویند مثل تأمنّا و آن ربعون حرکت است بر وجهی اشارت باقی
باشد اما رموز وقف آنچه شیخ سجاوندی رحمه الله گفته اند مشهور است م
ط ج ز ص لا اما م علامت وقف لازم است که اگر وصل
کنند معنی فاسد میشود و بعضی گفته که خوف کفر است و ط علامت وقف
مطلق است یعنی مقیّد بیکی از لزوم و جواز و رخصت و غیرها نیست و اینجا وقف
در جائی میباشد که آخر کلام باشد و قطع کردن مستحسن و صواب باشد و اگر وصل
کنند معنی فاسد نشود و ج علامت وقف جایز است میتوان ایستادن
و میتوان گذشتن امّا ایستادن اولی است و ز علامت مجوّز است

حل [?] ۲ مانند [?]

ایستادن [?]

که ایستادن و گذشتن مجوز است اما گذشتن اولی و ص علامت مرخص
است چه اگر تنگی نفس واقع شود میباید ایستاد و اگر نی نی و لا عبارت
از عدم وقف است که نباید ایستادن و اگر در کلمهٔ لا باشد وقف
کنند می باید اعاده کردن آن کلمه را بوصل و اگر آیت ۵ لا باشد
نیز میباید گذشتن اما اگر ایستند اعاده بوصل نیست و بهر آنکه آن صورت
جزم که می نویسند برخی علامت ایستادن است پس اگر تنها باشد می باید ایستادن
زیرا که اصل در آیه قطع است از آن دیگری و اگر با او چیزی دیگر باشد از لزوم
یا جواز یا غیر اینها این تابع آن چیزی باشد در وقف و عدم وقف و اگر پرسند
که فرق چیست میان آنکه لا باشد و میان آنکه هیچ چیز نباشد جواب
می گوئیم که در آنجا که لا باشد بهیچ نوع جایز نیست ایستادن اما
در آنجا که هیچ چیز نیست وقف اضطراری میتوان کردن و اگر تنگی نفس
شود می باید ایستادن و اعاده بوصل کردن و بهر آنکه متاخرین هفت رمز

وقف زیاده کرده اند آن هفت این است ق س وقفه قلا صل
صلی ک اما ق عبارت از قد قیل است یعنی بعضی قراء وقف کرده اند اما
گفته اند اولی وصل است و س عبارت از سکته است و در اکثر مصاحف
صورت سکته می نویسند و بعضی سکته گفته شد و در بعضی مصاحف صورت وقف
می نویسند این یعنی وقفه است بمذهب متقدمین اما متاخرین یعنی امر بوقف
می دارند یعنی ایستادن اولیست و قلا عبارت از آنست که بعضی گفته اند
که وقف نیست و صل عبارت از قد یوصل است یعنی رمز وصل است
وقف نیز میتوان کردن و صلی عبارت است از الوصل اولی و ک عبارت
از کذالک یعنی هر وقفی که پیش از وی گذشته باشد این حکم همان دارد و بعضی رموز
دیگر هست که تعلق بوقف ندارد اما در مصاحف می نویسند از کجا فایده
آنها را هم بیان کنیم و آن رموز این است ه ع عب خب قب لب
پس بدانکه میان کوفیان و بصریان خلاف واقع شده است در عدد آیات

بعضی سورها پس اگر موافق باشند در پنج علامت هـ می‌نویسند و در هر ده
آیه علامت ع و اگر خلاف باشد میان ایشان از برای کوفیان
همین رمز می‌نویسند و از برای بصریان در هر خمس خب می‌نویسند و در هر عشر
عب می‌نویسند تا تفرقه شود میان دو مذهب و لکن علامت آیت
که نزد بصریان سر آیت نیست و به آنکه در اکثر مصاحف صورت ی و ع می‌نویسند
اول را در اصل می‌نویسند و ثانی را بیشتر در بیاض و گاهی در اصل می‌نویسند اما ی
عبارت از عشر است زیرا که بحساب جمل ده است چنانکه هـ پنج است پس
در جایی که این علامت باشد آن سر عشر که ذکر کرده شد نخواهد بود و ع عبارت است
از رکوع یعنی این جاست که تا نخستین آخرهای قصص مشابه شد و وجه تسمیه برکوع آنست
که در وقت قرائت در نماز اولی واجب آنست که در آن مواضع برکوع روند
و دیگر گفته‌اند که اگر کسی خواهد قرآن را در تراویح ختم کند بر وجه سنت در سی شب
از رکوع تا رکوع خواند در هر رکعت و این موافق می‌آید با سی شب رمضان

و همچنین

و همچنین شنیده شد از استاد رحمه الله که نقلست که ابوعمرو رحمه الله در سی شب
رمضان باین طریق عمل کردند باب یازدهم در بیان رسم الخط و کیفیت
وقف برآن بدانکه امام عاصم تابع رسم الخط شریف است یعنی آنچه کتابت
ابوعمرو واقع شده است بهمان طریق وقف میکنند و تفصیلی همه رسم الخط
بطول می‌کشد پس بعضی آنها را ذکر کنیم که ضروری باشد یکی از آنجمله آنست که تای
تأنیث متحرک در بعضی مواضع بتا دراز مکتوبست مثل رحمت و نعمت
و معصیت و سنت غیر اینها پس امام عاصم اینها را بتا وقف میکند یعنی
در وقف اضطراری یا اختیاری یعنی امتحانی و در غیر اینها که بها مکتوبست
بها وقف میکنند و لات و مرضات و ذات و هیهات و ابنت دران
قبیل است یعنی بتا مکتوبست و بتا وقف میکند و قیاس کن بر اینها نظایر
اینها را و دیگر کاین تنوین وی مرسوم نبوده است پس امام عاصم بنون وقف
میکند و دیگر الله جار ره در جای موضع جدا مکتوبست اول در سوره

فان

فال هؤلاء القوم دوم در سورة کهف مال هذا الکتاب سیم در سورة فرقان
مال هذا الرسول چهارم در معارج فمال الذین کفروا و عاصم در هر چهار موضع
بر لام جایزه وقف میکند نه در ما بخلاف ابی عمرو و کسائی در یک وجه و دیگر آنها
در سه موضع بی الف مکتوبست پس بی الف وقف میکنند بخلاف ابی عمرو و کسائی
اقتی در سورة نور آیه المؤمنون ثانی در سورة زخرف یا ایه الساحر ادع لنا
ثالث در سورة رحمن ایه الثقلان دیگر ویکأن و ویکأنه در اول در نون
وقف میکنند و ثانی در ما و نه در یا بخلاف کسائی و نه در کاف بخلاف ابی عمرو
و دیگر در ایاما تدعوا در ما وقف میکنند نه در ایا بخلاف حمزه و کسائی و دیگر
در سورة نمل واد النمل بی یا وقف میکنند بر دال بخلاف کسائی و دیگر
در فیم و عم و لم و بم در هر پنج کلمه بمیم وقف میکنند نه بزیادتی ها و وقف
بخلاف بزی که وی را دو وجه است و دیگر لفظ انا مکتوب بالفست و در لفظ
بی الف میخوانند همه قراء و بالف وقف میکنند از برای همین معنی لکنا هو الله

ربی در سورة کهف مرسوم بالفست بجهة آن اصل وی لکن انا بوده است
پس همه قراء در وصل بی الف میخوانند غیر ابن عامر و در وقف بالف وقف
میکنند و بدانکه اینها که ذکر کردیم در شاطبی مذکور است بطریق اجمال و عدد
بعضی از اینها مذکور نیست و غیر اینها از رسم الخط است که شیخ شاطبی رحمه الله
ذکر کرده است در شاطبی بجهة آنکه اختلاف قراءت نیست در اینها اما در قصیده
رائیه استیفای همه اینها کرده است پس اینها را ذکر میکنیم و عدد همه را بیان
میکنیم مگر موضعی را که فایده چندان ندارد تا آسان شود مر طالب این فن را
بدانکه تاء تانیث متحرکه که بتا مرسوم است ذکر میکنیم و آنچه غیر اینهاست
مرسوم بهاست کلمه رحمت و در هفت موضع در سورة بقره اولئک
یرجون رحمت الله و در اعراف ان رحمت الله و در هود رحمت الله و برکاته
و در مریم ذکر رحمت ربک و در روم الی اثار رحمت الله و در زخرف
دو موضع یقسمون رحمت ربک و رحمت ربک و کلمه نعمت در یازده

موضع در سورهٔ بقره و واذکروا نعمت الله و در آل عمران واذکروا
نعمت الله و در مائده آمنوا اذکروا نعمت الله و در ابراهیم در دو موضع
بدلوا نعمت الله کفرا و ان تعدوا نعمت الله لا تحصوها و در سه موضع سورهٔ
نحل و بنعمت الله و یعرفون نعمت الله و در فاطر اذکروا نعمت الله و در طور
بنعمت ربک و کلمهٔ امرأة در هفت موضع در سورهٔ آل عمران اذ قالت امرأت
عمران و در سورهٔ یوسف دو موضع امرأت العزیز تراود و امرأت العزیز
الآن و در قصص امرأت فرعون و در تحریم سه موضع امرأت نوح
و امرأت لوط و امرأت فرعون و کلمهٔ سنت در پنج موضع در انفال سنت الاولین
لسنت الله تبدیلا و لسنت الله تحویلا و در مؤمن سنت الله و کلمهٔ لعنت در دو
موضع در آل عمران فنجعل لعنت الله و در نور و الخامسة ان لعنت الله
و کلمهٔ معصیت در مجادله در دو موضع و معصیت الرسول واذا معصیت
الرسول و تناجوا و لفظ کلمه در پنج موضع در انعام تمت کلمت ربک

در اعراف و تمت کلمت ربک الحسنی و در یونس در دو موضع
حقت علیهم کلمت ربک لا یؤمنون و در مؤمن حقت کلمت ربک
و کلمهٔ قرت در قصص قرت عین لی و کلمهٔ ابنت در تحریم و مریم
ابنت و کلمهٔ فطرت در روم فطرت الله و کلمهٔ شجرت در دخان
ان شجرت الزقوم و کلمهٔ جنت در واقعه و جنت نعیم و کلمهٔ بقیت در هود
بقیت الله و کلمهٔ غیابت در سورهٔ یوسف در دو موضع فی غیابت الجب
یلتقطه و فی غیابت الجب و اوحینا و کلمهٔ آیت در سورهٔ عنکبوت
بروایت ابی بکر و قالوا لولا انزل علیه آیت و کلمهٔ بینت در فاطر
بروایت حفص فهم علی بینت منه و کلمهٔ ثمرت در حم سجده بروایت
ابو بکر من ثمرت من اکمامها و کلمهٔ جمالت در والمرسلات جمالت
صفر و اگر این کلمات را جمیع خواننده البته تا خواهد بود و دیگر کلمات
که بواو و الف مکتوب است در بعض موضع و در بواو و بالف تنها است

کلمه الملؤا در چهار موضع در سورهٔ مؤمنون فقال الملؤا الذین کفروا در نمل
سه موضع یا ایها الملؤا انی و یا ایها الملؤا افتونی و یا ایها الملؤا ایکم
و کلمهٔ نشؤا در سورهٔ هود فی اموالنا ما نشؤا و در انعام در دو کلمه یکی انبؤا
ما کانوا و دیگر شرکؤا لقد تقطع و در شوری نیز ام لهم شرکؤا و در روم شفعؤا
و کانوا و در ابراهیم فقال الضعفؤا و در شعرا دو کلمه یکی انبؤا ما کانوا
و دیگر علمؤا بنی اسرائیل و دیگر در فاطر من عباده العلمؤا و در صافات لهو البلؤا
و در مؤمن فیقول الضعفؤا و ما دعؤا الکافرین و در دخان بلؤا
مبین و در ممتحنه انا برآؤا منکم و افعال نیز باین صورت می آید در سورهٔ
نحل یتفیؤا و در طه اتوکؤا و تضمؤا و در نور فان یعبؤا و یدرؤا
و در زخرف ینشؤا و کلمهٔ یبدؤا الخلق هر جا که باید و کلمه نبؤا الذین
هر جا که باید غیر سورهٔ براءة که در وی نبأ الذین من قبلهم بالف تنهاست
و کلمه جزاؤا بواو و الف در چهار موضع در مائده انما جزاؤا

الذین من قبلهم و ذلک جزاؤا الظالمین در سورهٔ شوری و جزاؤا سیئة
و در سوره حشر و ذلک جزاؤا الظالمین و در سورهٔ کهف و طه جزاء الحسنی
و جزاء من تزکی حذف کرده اند و کلمه یدعوا و تدعوا و ادعوا و یرجوا
و یتلوا و نتلوا و ستلوا و اشکوا و لیربوا و یعفوا هر جا که باید اینها بواو
و الف مکتوب است با آنکه صیغه واحد است غیر از آن یعفو عنهم در سورهٔ نساء
بی الف است و کلمهٔ جاءو در سورهٔ بقره و سعو در سبا و عتو در فرقان
و تبوؤا الدار در حشر بی الف است و ادلوا هر جا که باید بواو و الف است و در بعضی
کتب آورده است که ذوا بالف است هر جا که باشد مگر در شش موضع
در سورهٔ یوسف لذو علم و در سوره مؤمن ذو العرش و در حم سجده دو
موضع لذو مغفرة و ذو عقاب و در سورهٔ جمعه و الله ذو الفضل العظیم
و در سورهٔ بروج ذو العرش که درین مواضع با واو تنهاست بی الف
و اولئک و اولوا و اولی و اولات بواو است اما بی واو خوانده

میشود ودر سورهٔ مؤمن الی النجوة مکتوب بواو است وصلاة وزکاة
وحیاة ومشکاة ومناة بواو مکتوبست لکن اگر مضاف بچیزی باشند
بالف نوشته شود صلاتهم وصلاتک وصلاتی وصلاته وحیاتکم وحیاتنا وحیاتی
در سورهٔ طه آیه یا ابن ام مکتوب بانفصال است یبنؤم ودیگر کلماتی است
که بر واو خوانده میشود اما در کتابت بیک واو است مثل داود ویلون
ویلوون ورووری والغاون ویستوون ویستوون لیستوا وفاءو ودیگر کلماتی است
که مرسوم بیاست بجای مرکز همزه است در انعام من نبائ المرسلین ودر یونس تلقائ
نفسی ودر نحل وایتائ ذی القربی ودر طه من آنائ اللیل ودر شوری من وراءی
حجاب ودر غیر اینها همزه مرسوم نیست ودر سورهٔ آل عمران أؤنبئکم
همزه ثانیه مرکز واو دارد ودر بعضی کتب قراءت آمده است در سورهٔ ص أؤنزل
علیه ودر سورهٔ قمر أؤلقی علیه الذکر در هر دو همزه ثانیه مرکز واو دارد ودر اعراف
ساوریکم دار الفاسقین ودر انبیا ساوریکم آیاتی خلاف کرده اند در سورهٔ

کهف ولا تقولن لشای مکتوبست بالف زایده بر شین زیرا ودیگر کلمه أئنکم بیاست
در چهار موضع در انعام أئنکم لتشهدون ودر نمل أئنکم لتاتون الرجال شهوة
ودر عنکبوت أئنکم لتاتون الرجال ودر حم سجده قل أئنکم لتکفرون ودر غیر اینها
بی یاست ودیگر کلمه أئنا بیاست در دو موضع در صافات أئنا لتارکوا وکلمه
أفإین مات در آل عمران بیاست وکلمه أفإین مت در سورهٔ انبیا
خلاف کرده اند وکلمه این در شعراء مرسوم بیاست ودر اعراف بی یا
وکلمه این ذکرتم در یس وائفکا در صافات خلاف کرده اند ودیگر
فعلهاست که لام فعل اینها فتحه است بجهت اجتماع ساکنین ودر کتابت
نیز نیست این در پنج موضع است در بنی اسرائیل ویدع الانسان ودر شوری
ویمح الله الباطل ودر قمر یدع الداع ودر علق سندع الزبانیه ودر یونس
ننج المؤمنین ودر هود یوم یات لا تکلم حذف لام فعل کرده اند با آنکه
اجتماع ساکنین نیست ودیگر سه کلمه است که همزه تنها مکتوبست در آل عمران

ملء الارض و در نحل لكم فيها دفء و در نمل يخرج الخبء و ديگر در سوره

قريش الفهم بيا بخوانند بي ياءات در رسم الخط و ديگر ذوات الواو

و ذوات اليا سو ذكر مي كنيم يعني الفاتي كه منقلب از واو باشند يا از يا اما

ذوات الواو بر دو نوعست اول آنكه بالف مكتوبست شد دعا و تلا و عفا

و علا دوم آنكه مرسوم بياست در نه كلمه ضحى و ضحيها و القوى و دحيها و تليها

و طحيها و سجى و زكى و دنى و ذوات اليا نيز بر دو قسمت اول آنكه مرسوم بيا

مانند رمى و اتى و استهوى دوم آنكه مرسوم بالفست در هفت موضع در ابرهيم

و من عصاني و در بني اسرائيل الى المسجد الاقصا و در حج من تولاه و در قصص اقصا

المدينة و در يس اقصا المدينة در فتح سيماهم در نازعات طغا و ضابطه

دانستن ذوات اليا آنست كه در فعل بالحاق ضماير متحركات معلوم شود شد دعوت

و رميت و دحوت و مضيت و در اسم به تثنيه ساختن معلوم شود شد عصوان

و سميان و عصوان و قودان و ديگر ها را باين قياس كن و كلمه تابي يا مكتوب ترميت

و همچنين است كلمه رأى اگر اول و ثالث سوره نجم يعني ما رأى و لقد رأى كه اين

هر دو با ثبات يا مكتوبست و ديگر مقطوعات و موصولات را بيان

ميكنيم يعني آنچه در رسم الخط جدا نوشته اند و آنچه پيوسته نوشته اند و مقطوعات را

ذكر ميكنيم و آنچه غير انهاست موصولست پس بدانكه ام من مقطوعست

در چهار موضع در سوره نسا ام من يكون عليهم و در توبه ام من اسس بنيانه *

و در صافات ام من خلقنا و در حم سجده ام من ياتي آمنا و ديگر ان لا در ده موضع

در اعراف دو موضع حقيق على ان لا اقول و ان لا يقولوا و در توبه ان لا ملجأ

و در هود دو موضع و ان لا اله الا هو و ان لا تعبدوا الا الله انى اخاف

و در حج ان لا تشرك بي شيئا و در يس ان لا تعبدوا الشيطان و در دخان

و ان لا تعلوا على الله و در ممتحنه ان لا يشركن بالله شيئا و در نون

ان لا يدخلنها اليوم و ديگر يوم هم على النار و ديگر عن ما در يك موضع در سوره

اعراف فلما عتوا عن ما نهوا عنه و ديگر عن من در دو موضع در نور عن

يثاً و در نجم عن من تولى و ديگر ان ما در يكموضع در سورهٔ انعام ما توعدون
لذّت و ديگر ان ما در سه موضع در حج وان ما تدعون و در لقمان و ان
ما تدعون و نيز در لقمان ولو ان ما في الارض و ديگر اين ما در هشت موضع در بقره
اين ما تكونوا و در آل عمران اين ما ثقفوا و در نسا اين ما تكونوا و در شعرا
اين ما كنتم تدعون و در مريم اين ما كنت و در مؤمن اين ما كنتم تشركون و در حديد
اين ما كنتم و در مجادله اين ما كانوا و ديگر في ما در ده موضع در بقره في ما
فعلن في انفسهن من معروف و در مائده في ما اوحي الي و في ما اتيكم و در انعام في ما
اخذتم و در انبيا في ما اشتهت انفسهم و در نور في ما افضتم و در شعرا في ما ههنا
و در روم في ما رزقناكم و در زمر دو موضع في ما هم فيه و في ما كانوا و در واقعه
في ما لا تعلمون و ديگر كل ما در پنج موضع در نسا كل ما ردوا و در اعراف
كل ما دخلت و در ابراهيم من كل ما سألتموه و در مؤمنون كل ما جاء امة
و در ملك كل ما القي و آنچه متفق عليه است سورهٔ ابراهيم است و در ديگرها

خلف

خلاف كرده اند و در بعض كتب در سورهٔ بني اسرائيل نيز مقطوع است يعني كل ما
خبت و ديگر لبئس ما در پنج موضع در بقره و لبئس ما شروا و در مائده چهار
موضع لبئس ما كانوا و لبئس ما كانوا يعملون و لبئس ما كانوا يصنعون و لبئس ما كانوا
يفعلون و لبئس ما قدمت و ديگر ان ما در سورهٔ رعد وان ما نرينك و ديگر حيث
ما كنتم دو موضع در سورهٔ بقره و ديگر من ما در دو موضع در نسا فمن ما ملكت
و در روم لكم من ما ملكت و بعضي از موصولات است كه ذكر بايد كرد يكي
ان لن در سه موضع در كهف ان لن نجعل لكم و در مزمل ان لن تحصوه و در [illegible]
و در قيامت ان لن نجمع و ديگر لكي لا در چهار موضع در آل عمران لكي لا تحزنوا
و در حج لكي لا يعلم و در احزاب لكي لا يكون عليك حرج و در حديد لكي لا تاسوا
و ديگر الّا كه در اصل ان لا بوده است در پنج موضع در انفال الّا تفعلوه
و در توبه دو موضع الّا تنفروا و الّا تنصروه و در هود و الّا تغفر لي و در يوسف
و الّا تصرف و ديگر فالّم يستجيبوا لكم در هود و ديگر نعم در تمام قرآن متصل است

وباقی موصولات از القاب مقطوعات معلوم شود و دیگر مواضع رسم الخط
بسیار است نیاوردیم بجهة آنکه بطول میکشد و فائده چندان ندارد او ر عان آنها
واگر خواهی احاطهٔ آنها بکنی پس رجوع کن بقصیدهٔ رائیهٔ شیخ شاطبی رحمة الله علیه

باب دوازدهم در اختلافات راویان عاصم که ابوبکر و حفص است
وکیفیت وصل و وقف ایشان و هر آنکه جمیع اختلافات ایشانرا بیان کرده
ضروری نیست بجهة آنکه اکثر آنها آسانست و مشهور پس بیان میکنیم بعضی از آنها
که مثال فی الجمله با غرابت هم داشته باشد و ذکر میکنیم موضعی را که آن ... از جهة
عموم فایده سورهٔ البقره اخذتم و اخذت و اتخذتم و لتخذت هر جا واقع شود
ابوبکر ذال را در تاء ادغام میکند و حفص اظهار و در عذت و عذتم
و نبذت و غیره هر دو اظهار میکنند همزهٔ قبل اتخذتم ثم اتخذتم و جبریل
هر جا که واقع شود ابوبکر بفتح جیم و را و همزهٔ مکسوره بعد یا میخواند بروزن
جحمرش و حفص جبریل میخواند بروزن قندیل و میکال ابوبکر بروزن

فعلیل میخواند و حفص میکال بروزن فعال عهدی بیتی مخلصون وقف
ام تقولون ابوبکر بیای خواند و در مخلصون وقف سکینه و حفص بتا میخواند
و در مخلصون وصل سکینه اگر خواهند که در مصاحف وصل و وقف داشتن را
تصحیح کنند پس اگر اصل کتابت بروایت حفص باشد در مخلصون بحرف
و نویسند برای حفص و طا سیاهی برای ابوبکر دو نقطهٔ یا در یقولون را بحرف
و نویسند زیرا که علامت رموز وقف میباید بر خلاف اصل کتابت باشد
در رنگ و اگر اصل کتابت بروایت ابوبکر باشد بعکس این خواهد بود و قیاس
کن بر این نظایر این را رئوف خطوات لیس البر من عوض و لتکملوا البیوت رئوف
یطهون هزوا قتره و قتره ازواجا وصیة لازواجهم ابوبکر برفع
میخواند و حفص نصب و در ازواجا وقف جایز است و علامت الوصل اولی
صلی از برای آنکه بعضی مردم گمان برده اند که در این خلافست و در وقف
و وصل میان راویان و این غلط است چنین تصریح کرده اند شیخ سجاوندی

رحمة الله درين سوره ويبسط و في الخلق بسطة در اعراف ابوبكر بصاد
مى خوانند وحفص هر دو را بسين ميخوانند و بسطة في العلم كه درين سوره است ويبسط
الرزق هر جا كه واقع شود هر دو را بسين ميخوانند جزءا درين سوره فنعما هى
ودر نعما يعظكم ابوبكر باختلاس كسرهٔ عين ميخوانند يعنى كسرهٔ عين را اخفا
ميكند بحيثيتى كه اثر وى باقى ميماند وحفص بكسرهٔ تمام ميخوانند ويكفر ابوبكر
بنون و برفع ميخوانند وحفص بيا و برفع و هر دو در خير لكم كه ما قبل وى است
وقف ميكنند فاذنوا سوره آل عمران ورضوان ابوبكر بضم را ميخوانند هر جا
كه باشد غير من اتبع رضوانه در مائده وحفص همه بكسر ميخوانند وجهى [illegible]
رؤف وضعت ابوبكر بصيغهٔ متكلم ميخوانند و در ما قبل وى كه انثى است وصل
ميكند وحفص وضعت بصيغهٔ تانيث مى خوانند و در انثى وقف ميكند ابوبكر
زكرياء بهمزه ممدوده ميخوانند هر جا كه باشد و زكرياء اول را درين سوره بنصب
ميخوانند وحفص بقصر ميخوانند هر جا كه باشد زكريا و زكرياء بيوتكم فيوفيهم

يؤده اليك در دو جا ابوبكر بسكون ها مى خوانند وحفص بكسر ها و بمد صله
ميخوانند واخذتم يبغون يرجعون تجمعون وما يفعلون فلن يكفروه قرح قرح نوتيه
بيوتكم يجمعون رضوان القرح رضوان لنبيننه ولا تكتمونه في سوره النساء
وسيصلون يوصى اول البيوت مبينة واحل لكم ابوبكر بصيغهٔ سعدوا
مى خوانند و در عليكم وصل ميكند وحفص بصيغهٔ مجهول ميخوانند و در عليكم جائز
ميدانند وقف را احصن لفظا ذكر كرده شد لم تكن نوتيه ونصليه يدخلون سوف
يوتيهم سوره المائده رضوانا شنئان وارجلكم شنئان رضوانه بكسر الراء بالله لقاق
يدى اليك ابوبكر بسكون يا و بمد ميخوانند وحفص بفتح يا ميخوانند هزوا هزوا
فما بلغت رسالته ابوبكر بجمع و كسر تا و ما ميخوانند وحفص بتوحيد و فتح تا و ضمه ها
عقدتم من الذين استحق عليهم الاولين ابوبكر بفعل مجهول و جمع اولين ميخوانند
وحفص استحق عليهم الاوليان بفعل معروف و تثنيه ميخوانند الغيوب آخر
الغيوب سوره الانعام يصرف فتنتهم ولا نكذب ونكون تعقلون ولتستبين

وخفیة وکلمه را هر جا که واقع شود ابوبکر راء سوا وهمزه سوا اماله میکنند
یعنی میل میدهد بکسر که نزدیک بکسر میشود واگر این کلمه پیش از ساکن واقع شود
مثل رأی القمر ورأی الشمس راء ورا اماله میکنند وهمزه سوا بر دو وجه میخوانند یکی فتح ودیگری
اماله اما اگر وقف کنند باماله راء وهمزه میخوانند وجها واحدا وحفص همه اینها را
بفتح میخوانند در حالین وجهی وذکریا ولتنذروا اینکم المیت المیت ویشعرکم
انها ابوبکر بر دو وجه میخوانند بفتح انها با وصل در یشعرکم وبکسر انها با وقف بر ما قبلش
وحفص بفتح با وصل میخوانند وبس منزل الحرم رسالته حرجا یصعد ویوم یحشرهم
مکانتکم وان یکن خطوات تذکرون سورة الاعراف تذکرون الا تعلمون
والذین یدخلون یغشی وخفیة میت تذکرون بطه بیوتا معی ان لنا تلقف امنتم
یعرشون قال ابن ام معذرة حفص بئیس بر وزن رئیس میخوانند وابوبکر
بر دو وجه میخوانند یکی موافق حفص ودیگر بیئس بر وزن جعفر تعقلون یمسکون
شرکاء سورة الانفال رمی اموهن کید ولو کثرت وان الله ابوبکر بکسر ان میخوانند

ودر کثرت

ودر کثرت وقف میکند وحفص بفتح ان ودر وصل میخواند ما قبل من حی
بادغام والیکسبن اللسلم اخذتم سورة التوبه ورضوان عشیرتکم تفصیل ورضوان
الغیوب معی ابدا معی صلاتک مرجون ورضوان جرف ان تقطع یزیغ
رؤف سورة یونس علیه السلام الر آلله تذکرون بالحق ط تفصل ابوبکر
بنون میخواند ودر بالحق وقف مطلق میکند اذا لهم وحفص بیا میخواند ودر ما قبل
وقف جایز میکند اذا لهم انفسکم ط متاع الحیوة الدنیا ابوبکر برفع متاع
میخواند ودر انفسکم وقف میکند وحفص بنصب ودر وصل میخواند المیت المیت ا
امن لا یهدی ویوم یحشرهم اجری بیوتا بیوتکم وبجلی نجی المؤمنین سورة هود علیه السلام
الر آلله تذکرون فعمیت اجری او لا تذکرون من کل مجریها ابوبکر بضم میم وفتح را
میخواند وحفص بفتح واماله راء وبا انکه حفص در تمامی قران غیر این اماله ندارد
وجری الا ان ثمود در افترنا ما بالحق ومن وراء اسحق یعقوب ابوبکر رفع
یعقوب میخواند ودر باسحق وقف میکند وحفص بنصب ودر باسحق در وصل

سورة التوبه

سورة یونس علیه السلام

سورة هود علیه السلام

ومکنه

میکند اصلاتک واتخذتموه مکانتکم سعدوا وان کلا انتکم رجع تعلمون سورة

سورة یوسف علیه السلام

یوسف علیه السلام آرایا بشری زادا بالفتیانه حافظا نوحی سورة الرعد المرآ

سورة الرعد

یغشی وزرع ونخیل صنوان وغیر افا تکذیم ام هل یستوی یوقدون اخذتهم سورة

سورة ابراهیم علیه السلام

ابراهیم علیه السلام آرا دما کان لی سورة الحجر الرآ ما ننزل الملائکه ابوبکر تنزل تا

سورة الحجر

مضمومه وزا مفتوحه ورفع الملائکه میخواند وحفص ننزل بنون وکسره زا

ونصب الملائکه میخواند جزء وعیون قرنا بیوتا سورة النحل لرؤف ینبت والقمر

سورة النحل

والنجوم مسخرات ابوبکر همه را بنصب میخواند ودر والقمر وصل میکند وحفص برفع

همه را میخواند ودر والقمر وقف میکند تذکرون نوحی لرؤف نسقیکم بیوتا یعرشون

یجحدون بیوتکم بیوتا واذا رای الذین تذکرون سورة بنی اسرائیل لیسوؤا

سورة بنی اسرائیل

ابوبکر لیسوء بتوحید میخواند وحفص لیسوؤا بجمع اف القیاس کما تقولون

تسبح ورجلک اعمی اعمی خلافک تا ابوبکر همزه سوا اماله میکند در سورة

سورة الکهف

حم سجده بفتح میخواند وحفص در هر دو بفتح میخواند سورة الکهف عوجا

حفص

حفص بسکته میخواند ونیز سکته میکند در سورة در مرقدنا ودر سورة قیامت

در نون من راق ودر مطففین در لام بل ران این در حین وصل است اما در حین وقف

وقف میکند در عوجا ومرقدنا ابوبکر درین مواضع سکته نمی کند من لدنه ومن لدنی

ابوبکر بسکون دال باشمام کسر نون بی تشدید میخواند وحفص در اولی دال را ضم

میکند ونون را ساکن ودر ثانی دال را ضم میکند ونون را کسر با تشدید بورقکم ورای

المجرمون هزوا المهلکم وما انسانیه معی معی بکرا من لدنی لتخذت لاتخذت حمئة

جزاء السدین سدا ردما آتونی اول همزه ساکنه میخواند وتنوین ردما حرکت

کسر میدهد بجهة التقاء ساکنین ودر ثانی دو وجه روا دارد یکی آنکه همزه را ساکن میکند

ودیگر آنکه همزه قطعیه ممدوده میخواند یعنی قال آتونی وحفص در هر دو همزه قطعیه

میخواند وابوبکر اول را همزه مکسوره ابتدا میکند وهمزه ثانیه را با قلب میکند وثانی را

دو نوع ابتدا میکند یکی مثل اقد ودیگر بقطع همزه ممدوده وحفص در هر دو

سورة مریم علیها السلام

بقطع همزه ممدوده ابتدا میکند القصه فمن هزوا سورة مریم علیها السلام کهیعص ذکریا

ذکریا

یا ذکریاء عتیا ست لنبأ من تحتها تساقط یدخلون ست جثیا عتیا صلیا
جثیا یتفطرن سورة طه طه را و لی لوی ابوبکر الف تنوین سوی اماله می کند در حین
وقف و حفص بفتح می خواند و در حین وصل باتفاق بفتح می خوانند فیسحتکم ان
هذان تلقف انهم حملنا یبنؤم ولا تعری دانک ابوبکر بکسر همزه میخواند
و در تعری وقف جاری کند و حفص بفتح و وصل ما قبل میخواند ترضی تا تهم سورة
الانبیاء علیهم السلام قال رب نوحی یعی نوحی ست راک هزوا اف
لتحصنکم ننجی ابوبکر بیک نون و تشدید جیم میخواند و حفص ننجی خواند و بدو نون
و سکون ثانی و تخفیف جیم و ذکریاء و حرام الکتب و قال رب سورة الحج سواء
ولؤلؤا یتی والیوفوا لیقاتلون ثم اخذتهم ثم اخذتها یدعون لرؤف سورة المؤمنون
عظاما العظام تسقیکم منزلا متم تمنا تذکرون عما یصفون عالم الغیب ابوبکر
برفع عالم الغیب میخواند و در یصفون وقف سکند و حفص بخفض و در وصل
می خواند فاتخذتموه سورة النور تذکرون ربع اول الذین طه و اما ...

سورة طه
سورة الانبیاء علیهم السلام
سورة الحج
سورة المؤمنون
سورة النور

ابوبکر

ابوبکر برفع یعنی اربع اولی و الخامسة میخواند و در ما قبل وقف سکنه و حفص
بنصب و در وصل ما قبل رؤف خطوات بیوتا بیوت بیوتکم بیوتا
تذکرون غیر اولی بینات دری یوقد ابوبکر بهمزه بعد از یا و مد و تأنیث
توقد میخواند و حفص بتشدید یا بی همزه و بته کسر یوقد می خوانند بیوت یسبح
له فیها بالغدو والآصال رجال ابوبکر یسبح بفتح با میخواند و در آصال وقف
میکند و حفص بمعروف میخواند و وصل در آصال میکند بینات ویتقه
ابوبکر بکسر قاف و سکون ها میخواند و حفص بسکون قاف و کسر ها بی صله می خواند
کما استخلف ولیبدلنهم العشاء ثلاث ابوبکر ثلاث بنصب میخواند و در ما قبل
وصل میکند و حفص برفع ثلاث و وقف ما قبل میخواند بیوتکم بیوت
بیوت بیوت بیوت بیوت بیوت بیوت بیوت
بیوتا سورة الفرقان من تحتها الانهار لا و یجعل لک ابوبکر برفع یجعل
می خواند و در ما قبل وقف سکنه و حفص بجزم یجعل و وصل ما قبل دیوم

سورة الفرقان

ویکرم

یخبرهم بما تقولون لا ط فما تستطیعون ابوبکر بیای خوانند و وقف قبیح
و حفص بتا و وصل ما قبلش میخوانند اتخذت و ثمودا هزوا ادیق انا ما یضاعف
له العذاب یوم القیمة و یخلد ابوبکر بهر دو را برفع میخوانند و در انا تا لا ط وقف
میکنند و حفص بهر دو را بجزم و وصل اتنا تا می خوانند فهی جهانا در باب ششم

سورة الشعراء

مذکور شد و ذریاتنا و یقون سورة الشعراء طسم اتخذت تقف ء انتم
دعون یعنی اجری الله و عیون بیوتا اجری اجری الله الله بالقسطاس کسفا نزل به

سورة النمل

الروح الامین سورة النمل طس را انا ما تخفون و ما تعلنون فما اتانی الله
ابوبکر بحذف یاء اتان می خوانند در وصل و وقف و حفص باثبات یاء
مفتوحه در وصل و در وقف دو وجه دارد یکی آنکه بیا وقف میکند و دیگری

سورة القصص

سورة العنکبوت

بیا مثل ابوبکر را ه جهلک بیوتهم قرنا ما تذکرون اتوه تعلمون سورة القصص
طسم را انا من الذهب یعنی لخسف سورة العنکبوت اولم یروا اتخذتم
مودة بینکم ء انکم لتاتون الفاحشة منجوک و ثمودا البیوت آیات

سورة الروم

مر ربه ترجعون سورة الروم المیت للعالمین اثار من ضعف بعد
ضعف ضعفا ابوبکر هر سه بفتح ضاد میخوانند و حفص بدو وجه است
یکی موافق ابوبکر بضم ضاد در هر سه و بدانکه حفص ضم را از عاصم روایت

سورة لقمن

نکرده است بلکه از فضیل ابن مرزوق روایت کرده است پس قراءت
عاصم فتح باشد و بس چنین است در تیسیر سورة لقمن لغیر علم و لا و تتخذها
ابوبکر برفع تتخذ می خواند و در علم وقف قبیح میکنند و حفص تتخذ بنصب

سورة الاحزاب

و وصل ما قبلش هزوا یا بنی بنی یا بنی نعمة ابوبکر بتوحید نعمة میخواند بی ضمیر
و تنوین و حفص بالجمیع با ضمیر و تنوین یا یدعون سورة الاحزاب الظنونا ابو
باثبات الف میخواند در حالت وصل و وقف و حفص بحذف الف
در وصل و باثبات الف در وقف و همچنین است خلاف در الرسولا
و السبیلا که در آخر این سوره است لا مقام بیوتنا را المؤمنون مبینة بیوتکن
ذکر کرده شد این هر دو سورة السبا عذاب من رجز الیم کسفا الریح مسکنهم

نجازی الله الکفور و یوم نحشرهم ثم نقول اجری الله الغیو التناوش
سورة الملائکة فراٰمیت اخذت و لؤلؤ أ بینات سورة یس ابوبکر
نون یس در واو و القرآن ادغام با غنه می کند در وصل و حفص با اظهار
می خواند تنزیل سد أسدا فعززنا طص العیون من ثمره طلا و ما عملته
ابوبکر بحذف ها عملت میخواند و در ثمره وقف سکینه و حفص با ثاءات
ها وصل در من ثمره می کند و در کتاب شاطبیه آمده است وقف و وصل
جایز است و در من ثمره از برای هر یک از ابوبکر و حفص نخرم قرنا
با سکت مکانتهم سورة الصافات الکواکب لا یسمعون متنا متنا
فراٰبی احسن الخالقین ط الله ربکم و رب ابوبکر برفع الله و ربکم و رب
میخوانند در الخالقین وقف سکینه و حفص بنصب هر سه و وصل ما قبل
می خوانند تذکرون سورة الصاد و لی نعجة و غساق با کان لی سورة الزمر
مکانتکم بمفازتهم سورة المؤمن حم فاخذتهم لظهر أو الارض الف و

سورة الملائکة
سورة یس
سورة الصافات
سورة ص و
سورة الزمر
سورة المؤمن

فاطلع یدخلون ادخلوا ابوبکر بضم همزه و ضم خا میخوانند و در وصل همزه را
ساقط میکند و حفص بفتح همزه و کسر خا میخوانند و در وصل همزه را ساقط میکند
سیدخلون شیوخا سورة السجده حم ءاعجمی ابوبکر بتحقیق همزتین میخوانند
و حفص تسهیل همزه ثانیه میکند و معنی تسهیل گفته شد من ثمرات سورة الشوری
یفعلون نؤته ما تفعلون سورة الزخرف حم جزأ اشهدوا قال اولو جئتکم
دلیوتهم جاءنا سورة یا عبادی تشبیه سورة الدخان حم و عیون یغلی و عیون
سورة الجاثیة حم یؤمنون همزه أعذاب من رجز الیم ابوبکر بخفض الیم میخوانند
و حفص برفع و هر دو تنوین حرکت کسر میدهند در وصل بجهة التقاء ساکنین
الصالحات سواء ابوبکر برفع سواء میخوانند و وقف سکینه بر ما قبل و حفص
بنصب و وصل ما قبل تذکرون اتخذتم همزه سورة الاحقاف حم تقبل احسن
و نتجاوز سورة محمد صلی الله علیه و آله قتلوا اسرارهم رضوانه و لنبلونکم
حتی نعلم و نبلوا السلم سورة الفتح علیه الله و رضوانا سورة ق متنا یوم یقول

سورة السجده
سورة الشوری
سورة الزخرف
سورة الدخان
سورة الجاثیة
سورة الاحقاف
سورة محمد
سورة الفتح
سورة ق

سورة الذاریات وعیون شد تذکرون سورة الطور لؤلؤ المصیطرون
ابوبکر بصاد میخوانند و بسین و حفص هم بصاد و هم بسین میخواند سورة النجم
ولقد راٰی بار اٰی ولقد راه سورة القمر عیونا سورة الرحمن عز وجل اللؤلؤ والمنشئات
ابوبکر دو وجه دارد فتح شین و کسر شین و حفص بفتح شین و بس سورة الواقعه
اللؤلؤ عربا متنا تذکرون انا لمغرمون سورة الحدید لرؤف وما نزل
المصدقین والمصدقات ورضوان سورة المجادله انشزوا فانشزوا ابوبکر
دو وجه دارد در شین ضم و کسر در هر دو موضع و حفص ضم تنها دارد در هر دو
سورة الحشر بیوتهم ورضوانا رؤف سورة الصف من بعدی اسمه احمد متم نوره
سورة المنافقون بما تعملون سورة الطلاق بیوتهن مبینة بالغ امره نکرا مبینات
سورة التحریم وجبریل نصوحا وکتبه سورة الملک سعرا و جهنا سورة نون والقلم
ابوبکر نون را در واو والقلم ادغام با غنه میکند در وصل و حفص اظهار میکند
زنیم طلا ان کان ذا مال و بنین را ابوبکر أأن کان بدو همزه میخواند

ودر زنیم

ودر زنیم وقف میکند و در بنین وصل و حفص بیک همزه میخواند و در زنیم وصل
میکند و در بنین وقف سورة الحاقه وما ادریک تذکرون سورة المعارج لظی لا
نزاعة ابوبکر برفع نزاعة میخواند و در لظی وقف جایز میکند و حفص بنصب و وصل
میخواند شهدتهم الی نصب سورة نوح علیه السلام تبیی سورة الجن هدا بکه
وانه وانا وانهم که در سیزده موضع است اول آنها برنا احدا الا وانه تعالی
و آخر آنها لما قام عبد الله ابوبکر بکسر همزه میخواند در همه اینها و در ما قبل اینها وصل میکند
آن وقت تجویز کرده اند از برای حفص در حین ضرورت آن تنفس است مرانکه
وان را بضمیر قید کردیم تا وان المساجد خارج شود که آنکه در باتفاق مفتوح است
سورة المزمل تبتیلا رب ابوبکر بجر رب میخواند و در ما قبل وصل میکند
و حفص برفع و وقف سورة المدثر والرجز وما ادریک والیل اذ ادبر
ابوبکر اذا ادبر با الف بعد ذال و بفتح دال میخواند بر وزن فعل و حفص بسکون
ذال و فتح همزه و سکون دال بر وزن افعل میخواند سورة القیمة من راق با سکته

لدی

سدًی ابوبکر در حین وقف الف تنوین اماله می کند نه در حین
وصل و حفص بفتح می خواند مطلقا پس در وصل خلاف باشد میان ایشان
سورة الدهر سلاسلًا ابوبکر به تنوین میخواند و بالف وقف میکند و حفص
بی تنوین میخواند و بهر دو وجه وقف میکند بالف و بعدم الف قواریرا قواریرا
ابوبکر هر دو را به تنوین میخواند و بالف وقف میکند و حفص هر دو را بی تنوین
می خواند و اول را بالف وقف میکند و ثانی را بی الف لؤلؤا حفص
سورة المرسلات عذرًا او نذرًا و ما ادریک جمالت صفر و عیون
سورة النبأ و غساقا سورة النازعات نخرة سورة الکورت سعرت
راه سورة الانفطار و ما ادریک و ما ادریک سورة المطففین و ما ادریک
بل ران ابوبکر لام بل را در راء ران ادغام میکند و الف را اماله
میکند و حفص در بل سکته میکند چنانکه گذشت و ران را بفتح میخواند
و ما ادریک فلکین سورة الطارق و ما ادریک سورة الغاشیة تصلی

سورة الدهر
سورة المرسلات
سورة النبأ
سورة النازعات
سورة الکورت
سورة الانفطار
سورة المطففین
سورة الطارق
سورة الغاشیة

سورة البلد و ما ادریک مؤصده سورة العلق ان راه سورة القدر
و ما ادریک سورة القارعة و ما ادریک و ما ادریک سورة الهمزة و ما ادریک
مؤصده عمد سورة الکافرون و لی دین سورة الاخلاص کفوا احد و الله اعلم بالصواب
و الیه المرجع و المآب در بیان معانقات قران بدانکه معانقه در لغت
بغل گرفتن دو شخص است همدیگر را و دست در گردن یکدیگر انداختن
و در اصطلاح قراء عبارتست از دو وقف یا زیاده که پهلوی همدیگر واقع شود
و بحسب معنی بیکدیگر ربطی داشته باشد بحیثیتی که اگر در یکی از اینها ایستند از دیگری
میباید گذشتن تا معنی تمام شود و بعضی این را مراقبه نیز میگویند و مراقبه
بمعنی چشم داشتن است یعنی اگر در یکی از اینها وقف کند پس گویا چشم میدارد
که در دیگری وصل میباید کردن و بدانکه آنچه حضرت استاد مغفور مرحوم
قدوة المحققین اعنی مولانا ناصر الدین هروی قدس سره جمع کرده اند از برای
معانقات قران هیجده موضع است در سوره بقره سه موضع لاریب فیه

علی حیوة ومن الذین اشرکوا تهتدون تعلمون ودر سورهٔ آل عمران یکموضع
محضرا ومن سوء ودر مائده یکموضع من الذین من اجل ذلک ودر اعراف
در سه موضع لاتاتیهم کذلک بما اشهدنا من الخیر وما مسنی السوء در هود
یک موضع من قبل هذا فاصبر در فرقان یکموضع قوم آخرون وزورا در قصص
یکموضع فلا یصلون الیکما بآیاتنا در سورهٔ احزاب یک موضع الا قلیلا
ملعونین ودر مؤمن یک موضع تصرفون السنن در دخان یکموضع طعام
الاثیم کالمهل در فتح یکموضع من التوریة والانجیل ودر ممتحنه یکموضع ولا اولادکم
یوم القیمة در انشقاق یکموضع لن یحور بلی ودر قدر یکموضع من کل امر سلام
وعلامت معانقه در قران گاهی ست ح ه واو دار گونه می نویسند
وگاهی سه نقطه می نهند در یکی از انها وگاهی هست صورت مع در بعضی
می نویسند مثلا باین صورت است لاریب فیه لاریب فیه
ودر بعضی مصاحف معانقات دیگر نیز هست آن در شانزده موضع است

در بقره الی التهلکة معانقه واحسنوا در مائده ولم تؤمن قلوبهم ومن الذین
هادوا در اعراف جاثمین کان لم یغنوا فیها در توبه منافقون ومن اهل
المدینة علی النفاق ودر ابراهیم وثمود والذین من بعدهم در فرقان جملة واحدة
کذلک بذنوب عباده خبیرا الذی در شوری تتذکرون ذکری ودر احزاب
بعورة ودر زخرف حم والکتاب المبین در سوره محمد صلی الله علیه وسلم
اوزارها ذلک در طلاق اولوا الالباب الذین آمنوا در سورهٔ نون زعیم
شرکاء در مدثر اصحاب الیمین فی جنات وبدانکه اکثر اینها موافق تیسیر
نیست بخلاف اولها که همه آنها موافق تیسیر است والله اعلم
بالصواب والیه المرجع والمآب تمت الرساله بید الاحقر
احمد ابن محمد علی القراچه داغی الانصاری فی سنه ۱۳۰۰
در شهر ذیحجة الحرام هزار وسیصد هجری
اتمام پذیرفت

در بیان نشانهای قراء بطریق منظوم

رقم راویان خوش الحان — این چنین وضع کرده اند بیان

ا اول نشانهٔ نافع — ب چو قالون ج ورش بدان

د ابن کثیر هـ بزی — ز ابو قنبل فصیح زبان

ح ابو عمرو ط بود دوری — ی نشان دان ز سوسی پردان

ك ل ابن عامر است و هشام — م آمد نشان ابن ذکوان

ن بود عاصم خجسته سیر — ص ابو بکر ع حفص نشان

ف بود حمزه و خلف ضاد است — ق خلاد و قاری قرآن

ر کسائی و ش بود حارث — ت علامت زدوری دان

در بیان وقف غفران

هست منقول از رسول انام — سید انبیا علیه السلام

وقف غفران ده است در قرآن — گر بدانی شوی زاهی کلام

اولیا دان بمائده اول — یسمعون خوان بسورهٔ انعام

فاستقا نیز یستون عقب — هر دو در سجده یافته است نظام

پنج دیگر بسورة یس — اول آثارهم بدان تو بنام

ثانیش لعب ثالثش مرقدنا — رابعش ... تو کنم اعلام

عبدونی و خامسش فانسلوا — گشت یقبض عاشرش تمام

هر که وقف نمودن این ده — من ضمانش شوم بروز قیام

نوعی دیگر از منظومهٔ وقف غفران

وقف قرآن بعد هشت دگر — ده از آنجمله غفر است بر خوانندگان

(حاشیه: ۲ پنجم از صحیح)

اولیا در مائده است یسمعون انعام در — فاستقا لا یستون در سجده بدان

(حاشیه: ۲ سوره صحیح)

وقف کردن ای پسر بشنو هم غفران بعد — در تبارک نیز یقبض است غفران این زمان

پنج در یس یکی آثارهم دیگر عباد — نیز مرقدنا و دان اعبدونی بعد از آن

وقف غفران دید است آنکه از کتب تهذیب — بر امید و عده پیغمبر آخر زمان

۷۹ از رسول آمد چنین نقلی که ده جا وقف کن ضامنت باشم در آرم در بهشت جاودان